

آموزش ابتدایی

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان تربیت معلم و کارشناسان آموزشی

دوره‌ی سیزدهم / اسفند ماه ۱۳۸۸ / شماره‌ی پی‌درپی ۱۰۷



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک‌آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری

سر دبیر: مرتضی مجدفر

شورای برنامه‌ریزی:

شکوه تقدسیان

یدالله رهبری‌نژاد

لیلا سلیقه‌دار

مدیر داخلی: اصغر ندیری

ویراستار: کبری محمودی

طراح گرافیک: مهدی کریم‌خانی

عکس روی جلد: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن: ۸۸۳۹۱۷۸

۹ - ۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۳۷۵)

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

پایگاه اینترنتی:

www.roshdmag.ir

رایانامه:

ebtedayi@roshdmag.ir

تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:

۸۸۳۰۱۴۸۲

● کد مدیر مسئول: ۱۰۲

● کد دفتر مجله: ۱۰۹

● کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین:

۷۷۲۳۶۶۰۶ - ۷۷۲۳۶۶۰۵

شمارگان: ۴۸۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)



۱۸

۲۰

۲۴

۲۷

۲۸

۳۲

۳۳

۳۴

۳۷

۳۸

۴۰

۴۱

۴۲

۴۴

۴۶

۴۸

به‌جای یادداشت سردبیر ۲

تربیت در حیاط مدرسه / ابراهیم اصلانی ۴

ایستگاه ۷

آموزش ۸

خاطرات خواندنی ۱۶

ارزش‌یابی کیفی، چرا؟! / علیرضا رحیمی

تربیت در حیاط مدرسه / ابراهیم اصلانی

۸۵ سال زندگی در ۱۵ جمله / به انتخاب و ترجمه‌ی مینو طاهری

لافتن در کلاس درس (بخش ششم) / مرتضی مجدفر

نوآوری در یادگیری با تکالیف درسی خلاق (۱ کتاب در ۸ شماره) / ترجمه‌ی زری آقاجانی

خرچنگ‌باز! / ناهید کسایی کویایی

سر سفره‌ی مدرسه / اصغر ندیری

املا‌ی بدون ترس! / مهدی قیداری

آرامش در پنجاه‌ویک قدمی / ترجمه‌ی مهتاب خسروشاهی

یک ابتکار ساده برای تلفیق دینی و ریاضیات / مینا طبری

مرد بقال و طوطی در پیچ‌وخم الگوریتم‌ها / افسانه رضوی

کجا بایستیم؟ / صغری دماندار

با آموزگاران در مسیر رشد / شکوه تقدسیان

مسئله‌ها حل می‌شوند... / دکتر لیلا سلیقه‌دار

این همه شاهد کافی نیست؟ / نوشته‌ی دونالد استیونز، ترجمه‌ی پروین قائمی

نظریه‌پردازی در حوزه‌ی آموزش - پرورش / دکتر علی اکبر شعاری‌نژاد

علی کوچولو و بارون بهشت / تهمینه مهربانی

از دواج چوپان / شهین صادقی

راهنمای معلم در ارزش‌یابی کیفی / معصومه حبیب‌پور

از تمرکز تا تفکر / ترجمه‌ی شاداب صفرزاده

نوروزنامه به جای پیک نوری، سواد دیجیتالی / محمود حیوی

پاسخ به نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان / شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی مجله

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

● مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word یا CD یا فلاپی و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی وقت لازم مبذول شود. ● محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چه سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌های جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

علیرضا رحیمی

ارزش‌یابی کیفی، چرا؟

اشاره

هر چند یادداشت آغازین هر نشریه‌ای، معمولاً توسط مدیر مسئول یا سردبیر آن نوشته می‌شود، ولی در این شماره از مجله، به‌خاطر اهمیت ارزشیابی توصیفی (کیفی) و آغاز به کار اجرای آن در مدرسه‌های ابتدایی کشور از پایه‌ی اول، یادداشت ابتدایی مجله را به نوشته‌ای اختصاص داده‌ایم که از مدیر کل دفتر آموزش خلاقیت پیش‌دبستانی و ابتدایی معاونت آموزش ابتدایی دریافت داشته‌ایم. آقای رحیمی، مدرک کارشناسی ارشد در رشته‌ی مدیریت آموزشی دارد و علاوه بر تدریس در دوره‌های گوناگون تحصیلی آموزش و پرورش و دانشگاه، مدرس دوره‌های ضمن خدمت و آموزش خانواده نیز بوده‌اند. ایشان در سطوح گوناگون منطقه‌ای، استانی و کشوری، مسئولیت‌های اجرایی متفاوتی را عهده‌دار بود و مقالاتی را در زمینه‌ی ارزش‌یابی، خلاقیت و نوآوری و نظام تشویق و تنبیه از منظر اسلام تألیف کرده‌اند. با توجه به این‌که دفتر تحت مدیریت آقای رحیمی، مسئولیت اجرای ارزش‌یابی توصیفی را عهده‌دار است، امیدواریم درج این مقاله در تنویر دیدگاه‌های آموزگاران محترم، در این زمینه تأثیرگذار باشد.

* امتحانات به موضوعی اضطراب‌زا و نگران‌کننده برای دانش‌آموزان تبدیل شده است.
 * بسیاری از خانواده‌ها در طول سال تحصیلی، به‌ویژه در ایام امتحانات، خود و فرزندانشان را تحت فشارهای روحی و روانی قرار می‌دهند و محیط حاکم بر هر دو محیط، محیطی تنش‌زا، حساس و استرس‌آفرین شده است.
 * فعالیت‌های متعدد دانش‌آموز، بدون توجه به نتایج حاصل از آن، کمتر و یا هیچ‌گاه مورد توجه قرار نمی‌گیرند.
 * سرنوشت دانش‌آموز به نوع سازمان‌دهی، توانایی و عملکرد او در ایام امتحانات بستگی دارد و تقریباً فعالیت‌ها، کوشش‌ها، مطالعات طول سال تحصیلی، خارج از کلاس درس و خارج از محیط مدرسه، به‌نوعی مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد و به فراموشی سپرده می‌شود.
 * داشتن نمرات سطوح بالا به ویژه ۲۰،

دارد که عمق یادگیری و ماندگاری آن بین دانش‌آموزان و دانشجویان بسیار کاهش پیدا کرده و سطح سواد به مرور کم‌رنگ‌تر و سطحی‌تری می‌شود.
 * دانش‌آموزان و دانشجویان قادر به کاربردی کردن بسیاری از آموخته‌های خود در زندگی روزمره نیستند.
 * علاقه‌مندی به حضور در مدرسه، علاقه‌مندی به کتاب، مطالعه و پژوهش رو به کاهش است.
 * انتظار جامعه از خروجی‌های نظام تعلیم و تربیت برآورده نمی‌شود و همه به نوعی از برون‌داده‌های آن رضایت خوبی نداشته و ندارند.
 * معلمان به سمت کلیشه‌ای کار کردن سوق پیدا می‌کنند.
 * دانش‌آموزان به دنبال یادگیری و پاسخ‌گویی کلیشه‌ای مطالب علمی هستند.

امروزه بحث ارزش‌یابی، یکی از مباحث داغ و به‌روز مجالس علمی تعلیم و تربیت است. استادان فن و صاحب‌نظران، مراکز علمی - پژوهشی و تحقیقاتی، پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع دانشجویان، جلسات و نشست‌های مدیران مدارس - معلمان دوره‌ی ابتدایی و حتی دوره‌های راهنمایی و متوسطه - کلاس‌های آموزش خانواده و مجلات رشد، نشریات روزانه، هفته‌نامه‌ها، ماه‌نامه‌ها، صدا و سیما، سایت‌ها، همه و همه، به گونه‌ای به این موضوع پرداخته‌اند که این خود نشان از دقت و حساسیت آحاد جامعه نسبت به پدیده‌های پیرامون خود دارد. بررسی سوابق موضوع طی یک دهه‌ی اخیر نشان می‌دهد، عوامل متعددی باعث طرح موضوع، پی‌گیری و در نهایت تصمیم‌گیری برای تغییر نوع و روش ارزش‌یابی در آموزش و پرورش شده است؛ از جمله آن‌که:
 * تقریباً بین مراکز علمی اتفاق نظر وجود

همیشه برای دانش آموز و خانواده آرزویی بدون منطق است.

★ تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در فرایند تحصیل و در پاسخ‌گویی به امتحانات، به مقدار قابل توجهی نادیده گرفته می‌شود و یا می‌توان گفت فراموش می‌شود.

★ دانش‌آموز با یک خودارزیابی صحیح، قادر به کشف نقاط قوت خود نیست و سایر افراد مؤثر نیز او را آن‌طور که شایسته است، مدد و یاری نمی‌کنند.

★ نقاط ضعف دانش‌آموز بیشتر در معرض دید اولیای مدرسه، خانواده و جامعه قرار می‌گیرد.

★ بازخوردهای ارائه شده به خانواده و دانش‌آموز، برای آنان راه‌گشا، برانگیزاننده و تقویت‌کننده نیست و نمایی از نقاط قوت و ضعف واقعی او را به منصفی ظهور نمی‌گذارد. کتاب درسی، معلم و مدرسه، آن‌طور که باید، محبوب دانش‌آموز نیستند.

★ ویژگی‌های روحی و حتی جسمی دانش‌آموز، توانمندی تحلیل و دریافت درستی از ملاک‌ها و معیارهای مورد استفاده از نظام ارزش‌یابی را ندارند و ملاک‌ها نیز با این ویژگی‌ها دارای تناسب مطلوبی نیستند.

★ تحقق اهداف متعدد و جامع آموزش و پرورش، به نحوی مورد غفلت قرار می‌گیرد و توجه اساسی روی اهداف علمی و دانشی است.

★ جنبه‌های متفاوت وجودی دانش‌آموز در تیررس فعالیت‌های مدارس قرار نمی‌گیرد و از بین حیطه‌های عاطفی - رفتاری و شناختی، صرفاً این حیطه‌ی شناختی است که به‌طور مرتب بمباران و ارزیابی می‌شود.

★ مدرسه ماکتی از محل زندگی واقعی نیست تا در آن دانش‌آموزان، تعامل با یکدیگر، مسئولیت‌پذیری و انتقادپذیری، امکان دفاع از خود و شیوه‌های آن، نظم و قانون‌پذیری، رعایت حقوق دیگران و... را به معنای واقعی درک و رعایت کنند.

★ و اگر دانش‌آموز نسبت به موارد فوق حساس و فردی بود قانون‌مدار، مسئولیت‌پذیر، حق‌شناس، منظم، مؤدب در گفتار و رفتار و... این ویژگی‌ها در سرنوشت تحصیلی او تأثیر چندانی نداشت.

★ کمتر دفتر انضباطی را می‌بینید که در آن رفتارها، گفتارها کنش‌های مثبت مورد توجه قرار گرفته و در دفتر ثبت و به اطلاع اولیا رسیده باشد.

★ بیشتر، وقتی اولیا به مدرسه دعوت می‌شوند که فرزندشان دچار اشکالی شده باشد. در حالی که کمتر سراغ داریم، ولی دانش‌آموزی به خاطر مطلع شدن از توانمندی‌ها، و ویژگی‌های مثبت عملکردی و رفتاری به مدرسه فراخوانده شده باشد که در آن صورت پدر یا مادر در پوست

خود نخواهد گنجید. نه تنها رابطه‌ی عاطفی او با فرزندش به شدت تقویت خواهد شد، بلکه موقعیت دانش‌آموز در مدرسه و خانواده بسیار بسیار ارتقا خواهد یافت، بی‌نظیرترین تحول در رفتار و کردار دانش‌آموزان اتفاق خواهد افتاد و در انجام کارهای درست و بروز رفتارهای مطلوب، از همدیگر سبقت خواهند گرفت.

★ در نظام ارزشیابی کمی، دانش‌آموزان بیشتر با یکدیگر مقایسه می‌شوند. این کار اثر نامطلوبی بر روح و روان آن‌ها خواهد داشت، در حالی که منطق حکم می‌کند و مبنای دین بر آن تأکید دارد که هر کسی باید با خودش مقایسه شود. اعمال کسی به پای دیگری نباید نوشته شود.

به هر حال، با توجه به موارد فوق که می‌توان گفت از خلأهای موجود در نظام آموزشی - تربیتی است، یکی از عوامل مؤثر یا حساس و سوق‌دهنده‌ی مسائل در سطح مدارس، شیوه‌ی ارزش‌یابی و سنجش است که باید به جای انجام مرحله‌ای، نوبتی، ترمی و هراز چندگاه، به صورت دائم و همراه فرایند یاددهی - یادگیری حرکت کند. هر جا هم انحراف از اهداف، برنامه‌ها و راهبردها مشاهده کرد، آزر خطر را به صدا درآورد. البته این امر به مبنای علمی، شیوه‌های کارآمد عملی و مجریان توانمند و دلسوز نیاز دارد که به نظر می‌رسد در نظام آموزش و پرورش کشور کم نباشند.

تربیت در حیات مدرسه

تأملی بر تأثیرات تربیتی حیات و راهروهای مدرسه در دوره‌ی آموزش ابتدایی

ابراهیم اصلانی

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی



و به مدرسه مراجعه کرده‌اند.»

پدر و مادر هومن از شنیدن موضوع شوکه شده بودند. نمی‌دانستند باید چه واکنشی نشان دهند. به نظر می‌رسید اولین گام پرسش از هومن باشد. پاسخ فرزندشان، تعجب و بهت آنان را دو چندان کرد. هومن با بغض ماجرا را تعریف کرد: «در هفته‌های اول مدرسه، گاهی بچه‌های کلاس‌های بالاتر، به‌خصوص بعضی از چهارمی‌ها و پنجمی‌ها، سربه‌سر کلاس اولی‌ها می‌گذاشتند. معاون مدرسه در روزهای اول مهرماه، چند بار سر صف به بچه‌های کلاس‌های بالاتر تذکر داده بود که نه فقط کلاس اولی‌ها را اذیت نکنند، بلکه مراقب آن‌ها هم باشند. از اولی‌ها هم خواسته بود که اگر مشکلی بود، به او اطلاع دهند. با همه‌ی این‌ها، وقتی آن‌ها به معاون مراجعه می‌کردند، نتیجه‌ای نمی‌گرفتند. چرا که او یا فقط به تذکر اکتفا می‌کرد و یا می‌گفت بعداً رسیدگی خواهد کرد. در نهایت، هومن تصمیم گرفته بود که

پنجره‌ی اول: هومن پسر آرام و بی‌سروصدایی است. به همین علت، وقتی والدین او دعوت‌نامه‌ای از مدرسه دریافت کردند که موضوع آن «مذاکره درباره‌ی پاره‌ای مسائل انضباطی» بود، متعجب شدند. آخر یک دانش‌آموز کلاس اول ابتدایی، آن هم در اواسط سال تحصیلی، چه مسائل انضباطی می‌تواند داشته باشد که بابت آن والدینش به مدرسه دعوت شوند؟ چون موضوع انضباطی بود، پدر هومن به مدرسه رفت تا قضیه را پی‌گیری کند.

معاون مدرسه توضیح داد: «هومن در دو سه ماه اول بچه‌ی بسیار آرامی بود. اما به تازگی متوجه شده‌ایم که او به همراه چند نفر از کلاس اولی‌ها، گروهی تشکیل داده‌اند. آن‌ها هر چند وقت یک‌بار، یکی از دانش‌آموزان کلاس‌های چهارم یا پنجم را نشان می‌کنند و با همدیگر به او حمله‌ور می‌شوند. تاکنون چند مورد شکایت از دانش‌آموزان داشته‌ایم و در چند مورد، والدین آن‌ها هم متوجه شده

وارد عمل شود. او به عنوان سرگروه، با تعدادی از هم‌کلاسی‌هایش، به بچه‌هایی که اذیتشان کرده بودند، حمله می‌کردند و به حسابشان می‌رسیدند! البته حمله‌ی آن‌ها به آسیبی منجر نمی‌شد و بیشتر تا حد سروصدا و یقه‌گیری خاتمه می‌یافت.

* * *

پنجره‌ی دوم: خانم علی‌پور آن روز در حالی به مدرسه مراجعه کرد که از قیافه‌اش می‌شد ناراحتی را حدس زد. دنبال معاون مدرسه می‌گشت. بعد از سلام و احوال‌پرسی، گفت که دخترش **لیلا**، چندبار در خانه از واژه‌هایی استفاده کرده که در خانواده معمول نیست و از نظر آن‌ها، حرف زشت یا حتی فحش تلقی می‌شود. ابتدا سعی می‌کردند حساسیت نشان ندهند، با این تصور که موضوع اتفاقی است و تکرار نخواهد شد. اما رفته‌رفته کار به واژه‌ها و اصطلاح‌هایی رسید که دیگر غیرقابل تحمل بودند.

معاون مدرسه قول داد که موضوع را پی‌گیری خواهد کرد. او به خانم علی‌پور نگفت و البته نمی‌توانست بگوید که می‌داند این واژه‌ها توسط چه کسانی و در کجا بین بچه‌ها رد و بدل می‌شود، اما مگر امکان دارد یک نفر بتواند روی این همه دانش‌آموز که در حیاط مدرسه پخش هستند، کنترل یا نظارت داشته باشد؟

تأثیرات نامطلوب تربیتی حیاط مدرسه

* سوء استفاده‌ی دانش‌آموزان سلطه‌گرا یا غالب؛

- * آسیب دیدن دانش‌آموزان سلطه‌پذیر یا ضعیف؛
- * توسعه‌ی واژه‌ها و رفتارهای ناهنجار و نامناسب؛
- * تشکیل گروه‌های مشکل‌آفرین؛
- * گسترش تعارض‌ها و تخصص‌ها.

معاون و فرصت‌های تربیتی در حیاط مدرسه

- * بهترین مشاهده‌گر؛
- * بیش‌ترین شناخت از مسائل دانش‌آموزان؛
- * اولین مرجع دادخواهی؛
- * اصلی‌ترین مرجع رسیدگی به مشکلات؛
- * مرجع تصمیم‌گیری و قضاوت.

نکته‌های ویژه در دوره‌ی ابتدایی

- * تأثیر فضای تربیتی حیاط مدرسه بر رفتارهای اجتماعی؛
- * تأثیر فضای تربیتی حیاط بر نگرش به مدرسه و تحصیل؛
- * تأثیر فضای تربیتی حیاط به خود پنداره؛
- * موقعیتی چالشی برای تصمیم‌گیری در مورد مراقبت از خود؛
- * امکان تناقض‌های تربیتی بین محیط خانواده با شرایط حیاط مدرسه.

مقایسه‌ی شرایط کلاس با حیاط

حیاط	کلاس
<ul style="list-style-type: none"> * باز بودن محیط با امکان کنترل کمتر * بزرگ بودن نسبت بین دانش‌آموزان و معاون * امکان کمتر شناخت دانش‌آموزان * امکان برقراری ارتباط با دانش‌آموزان سایر کلاس‌ها. 	<ul style="list-style-type: none"> * بسته و کنترل شده بودن محیط * کوچک بودن نسبت بین دانش‌آموزان و معلم * شناخت مستقیم معلم از دانش‌آموزان * محدود بودن ارتباط دانش‌آموزان با هم‌کلاسی‌ها

ویژگی‌های تربیتی حیاط مدرسه

منفی	مثبت
<ul style="list-style-type: none"> * وجود طیف‌های متنوع از افراد و درهم آمیختگی آن‌ها * امکان برقراری ارتباط‌های پنهان * امکان تعارض و برخورد * امکان بروز رفتارهای سلطه‌گرا و سلطه‌پذیر. 	<ul style="list-style-type: none"> * امکانی برای بروز رفتارهای واقعی * مکانی برای گسترش ارتباط‌ها * نمونه‌ای از جامعه و تنوع موجود در آن * آزادتر بودن محیط نسبت به کلاس (زنگ تفریح).



۱۰ توصیه برای ایجاد شرایط مساعد تربیتی در حیاط مدرسه

* موارد عمومی

۱. توجه به اهمیت تربیتی حیاط و راهروهای مدرسه و برنامه‌ریزی برای آن؛
۲. وضع قوانین مشخص بر اساس شرایط مدرسه و اطلاع‌رسانی منسب؛

۳. استفاده از اصل راهنمایی برای آموزش و توجیه دانش‌آموزان؛

۴. استفاده از عوامل نظارتی (معاونان) بیشتر، در صورت امکان؛

۵. توجیه و هماهنگ سازی تمامی عوامل مؤثر انضباطی به‌ویژه مبصرها

* موارد ویژه معاون مدرسه

۶. استفاده از امکان مشاهده‌گری و ثبت مشاهدات
۷. داشتن برنامه برای شنیدن مشکلات و مسائل دانش‌آموزان
۸. شناسایی تیپ‌ها و طیف‌های دانش‌آموزان
۹. توجه به دانش‌آموزان سلطه‌پذیر و ضعیف
۱۰. شناسایی و تحلیل مسائل انضباطی، اجتماعی و اخلاقی

مدرسه

شما چه فکر می‌کنید؟

* تا چه اندازه به اهمیت تربیتی حیاط و راهروهای مدرسه اندیشیده‌اید؟

* آیا در مدرسه‌ی شما، تأثیرات تربیتی حیاط مدرسه بیشتر جنبه‌ی مثبت دارد یا منفی؟

* برای استفاده‌ی بهینه از موقعیت تربیتی حیاط و راهروهای مدرسه، چه پیشنهادهایی دارید؟



۱۵ سال زندگی در ۱۵ جمله



«گابریل گارسیا مارکز»، نویسنده‌ی معروف کلمبیایی و مؤلف رمان‌های شناخته شده‌ی جهانی از جمله «صد سال تنهایی»، اکنون در هشتاد و پنجمین سال زندگی خود قرار دارد و به گفته‌ی برخی منابع، با بیماری ناشناخته‌ای دست و پنجه نرم می‌کند. چندی پیش، او حاصل ۸۵ سال زندگی خود را در ۱۵ جمله ارائه کرد که بی‌مناسبت ندیدیم در این بخش از ایستگاه این شماره، توفقی کنیم و لختی در معنای این جملات بیندیشیم.

چیزی است که خود می‌سازد.
 * در ۴۰ سالگی آموختم که رمز خوشبخت زیستن، در آن نیست که کاری را که دوست داریم انجام دهیم، بلکه در این است که کاری را که انجام می‌دهیم، دوست داشته باشیم.
 * در ۴۵ سالگی یاد گرفتم که ۱۰ درصد از زندگی، اتفاقاتی است که برای انسان می‌افتد و ۹۰ درصد زندگی آن است که چگونه نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد.
 * در ۵۰ سالگی پی بردم که کتاب بهترین دوست انسان و پیروی کورکورانه بدترین دشمن وی است.
 * در ۵۵ سالگی پی بردم که تصمیمات کوچک را باید با مغز گرفت و تصمیمات بزرگ را با قلب.

* در ۱۵ سالگی آموختم که مادران از همه بهتر می‌دانند و گاهی اوقات پدران هم.
 * در ۲۰ سالگی یاد گرفتم که کار خلاف فایده‌ای ندارد، حتی اگر با مهارت انجام شود.
 * در ۲۵ سالگی دانستم که نوزاد، مادر را از داشتن یک روز هشت ساعته و پدر را از داشتن یک شب هشت ساعته، محروم می‌کند.
 * در ۳۰ سالگی پی بردم که قدرت، جاذبه‌ی مرد است و جاذبه، قدرت زن.
 * در ۳۵ سالگی متوجه شدم که آینده چیزی نیست که انسان به ارث ببرد، بلکه

* در ۶۰ سالگی متوجه شدم که بدون عشق می‌توان ایثار کرد، اما بدون ایثار هرگز نمی‌توان عشق ورزید.
 * در ۶۵ سالگی آموختم که انسان برای لذت بردن از عمری دراز، باید بعد از خوردن آن چه لازم است، آن چه را که میل دارد نیز بخورد.
 * در ۷۰ سالگی یاد گرفتم که زندگی در اختیار داشتن کارت‌های خوب نیست، بلکه

خوب بازی کردن با کارت‌های بد است.
 * در ۷۵ سالگی دانستم که انسان تا وقتی فکر می‌کند نارس است، به رشد و کمال خود ادامه می‌دهد و به محض آن که گمان کرد رسیده شده است، دچار آفت می‌شود.
 * در ۸۰ سالگی پی بردم که دوست داشتن و مورد محبت قرار گرفتن، بزرگ‌ترین لذت دنیاست.
 * در ۸۵ سالگی دریافتم که همانا زندگی زیباست.

به انتخاب و ترجمه‌ی مینو طاهری

شیر دغال باز و توسعه‌ی سواد خواندن

بازی‌ها، فعالیت‌ها و پژوهش‌هایی خلاقیت محور بر مبنای تمثیل‌ها و افسانه‌های لا فونتن برای توسعه‌ی سواد خواندن در میان دانش‌آموزان دبستانی

مرتضی مجدفر



هر حیوانی که این فرمان را شنیده بود، بدون فوت وقت، به سوی قصر پادشاه روان می‌شد. اما جالب این بود که بوی عفونت شدیدی که از قصر به بیرون می‌زد، مانع از این می‌شد که کسی بتواند به مقر شیر نزدیک شود. پس از نزدیک و دور شدن بسیاری از حیوانات، خرس، بالاخره نزدیک ورودی قصر شد، ولی بلافاصله با گفتن «خدای من! این چه بویی است؟» قیافه‌ای چندش‌آور به خود گرفت و از وارد شدن به قصر خودداری کرد. روترش کردن و ناراحتی خرس، سبب شد که شیر به شدت از دست او عصبانی شود و در حال، خرس را بکشد.

میمونی که پشت سر خرس وارد قصر شد، از این حرکت شیر تعریف و از قدرت، پنجه‌ی پرزور و اقتدار او تمجید کرد.

میمون برای این که چاپلوسی خود را کامل کند، حتی شروع به تعریف از وضع ظاهری قصر کرد و گفت: «هیچ جای عالم، هیچ‌کسی قصری به این زیبایی ندیده است. عطر و بویی که جای‌جای این قصر می‌دهد، حتی از زیباترین دسته‌های گل دنیا هم بیرون نمی‌آید.»

این چاپلوسی و دروغ‌گویی آشکار میمون کارساز نشد و شیر گفت، میمون دروغ‌گویی بیش نیست و بی‌خود و بی‌جهت از قصرش تعریف می‌کند و بلافاصله او را کشت.

روباه که اوضاع را چنین دید، با ترس و لرز به شیر نزدیک شد، مقابلش خم شد و بی‌سروصدا منتظر ماند؛ بدون این که حرفی بزند.

شیر مدتی صبر کرد، ولی بالاخره سکوت را شکست و از روباه پرسید: «خوب! اکنون تو صحبت کن. از حقیقت قصر من بگو. بگو ببینم قصر من چگونه است؟ آیا از این جا بوی بدی می‌آید؟»

روباه زبان چرب و نرمش را به کار گرفت و گفت: «ای پادشاه بزرگم! سرورم! عزیزم! من متأسفانه نخواهم توانست در این مورد نظری بدهم. مدت‌هاست که سرما خورده‌ام و دماغم گرفته است و درست به همین دلیل است که اصلاً نمی‌توانم در این مورد صحبت کنم.»

اشاره

تاکنون پنج بخش از سلسله مطالب لا فونتن در کلاس درس را خوانده‌اید. در بخش ششم، دو تمثیل دیگر از داستان‌های لا فونتن را که در آن‌ها شیر قهرمان اصلی است، در پی آورده‌ایم. امیدواریم این مجموعه مطالب مورد توجه آموزگاران محترم قرار گیرد.

روباه و شیر

روزی از روزها شیر، سلطان جنگل، تصمیم گرفت اهالی سرزمین پادشاهی خود را از نزدیک و بهتر و بیشتر بشناسد. به همین منظور، فرمانی نوشت و آن را به چهار گوشه‌ی سرزمین ارسال کرد. در فرمان نوشته شده بود، در مقر فرمان‌روایی شیر، سه شبانه‌روز جشن برپا خواهد شد و در این زمان، همه خواهند توانست از آن‌چه که فراهم شده است، بخورند و بیاشامند. به این ترتیب، هم شیر شاه اهالی سرزمینش را خواهد شناخت و هم حیوانات از نزدیک با شاه خود آشنا خواهند شد.



۱. هدف اصلی شیرشاه از برگزار کردن مهمانی بزرگ چه بود؟
الف) انتخاب دوباره‌ی شیر به پادشاهی حیوانات

ب) آشنا شدن بیشتر با حیوانات
پ) سوءقصد به جان حیوانات.

۲. شیر شاه، چرا میمون را کشت؟
الف) چون به داخل قصر نرفت.
ب) چون دروغ گفت.

پ) چون به گفته‌ی او گوش نداد.

۳. روباه چگونه خود را از کشته شدن رهانید؟

الف) با تعریف کردن از شیر

ب) با تعریف کردن از قصر

پ) با بهانه کردن سرما خوردگی اش برای نفهمیدن بو.

فکر کنید، پاسخ دهید



۱. فکر می‌کنید چرا به شیر، سلطان جنگل می‌گویند؟ از بین سایر جانوران جنگل، کدام یک را شایسته‌ی جانشینی شیر می‌دانید؟ دلایل خودتان را برای انتخاب حیوانی که رای‌گزینه‌ی شیر می‌شود، اعلام کنید.

۲. بچه‌های یک کلاس در پاسخ به «فکر کنید، پاسخ دهید» قبلی، بیش‌تر از همه خرس، ببر و پلنگ جای‌گزینه‌ی شایسته‌ای برای شیر به شمار آورده‌اند. جدول مقایسه‌ای زیر را در نظر بگیرید و شیر را با سه جانور دیگر در یک مبارزه‌ی زوجی دوبه‌دو شرکت دهید و با امتیازدهی، شایسته‌ترین جانور را از دید خودتان مشخص کنید.

	شیر	خرس	ببر	پلنگ	امتیاز
شیر					
خرس					
ببر					
پلنگ					

راهنمایی: مثلاً در ستون اول، شیر را با سه جانور دیگر مقایسه می‌کنید (طبیعی است که ستون تقاطع شیر با شیر هاشور خورده باشد)، اگر از دید شما، شیر قوی‌تر از خرس است، به شیر عدد دو و اگر ضعیف‌تر از خرس است، عدد صفر بدهید و در صورتی که هر دو از دید شما، از همه لحاظ برابرند، در تقاطع شیر و خرس عدد یک را بنویسید. این مقایسه را ادامه دهید و کل ستون‌های جدول را پر کنید. در پایان، در ستون امتیاز، برای هر حیوان عددی به‌دست خواهد آمد که حداقل صفر و حداکثر شش است. از روی این جدول، سلطان جنگل و جانشینان او را به ترتیب از رتبه‌ی دوم تا رتبه‌ی چهارم مشخص کنید.

۳. به کتاب‌خانه‌ی مدرسه‌ی خود یا نزدیک‌ترین کتاب‌خانه‌ی عمومی منزلتان بروید و کتاب «شیر برفی» نوشته‌ی **محمد میرکیانی** را که **محمد حسین صلواتیان** آن را تصویرگری کرده است، به امانت بگیرید. این کتاب ۱۲ صفحه‌ای رنگی را نشر برف برای اولین بار در سال ۱۳۸۳ در تهران چاپ کرده است. در مورد این کتاب، دو فعالیت زیر را انجام بدهید:

* فکر کنید و پاسخ دهید که کتاب برای کدام گروه سنی از بچه‌ها مناسب‌تر است؟

* خلاصه‌ی داستان را در سه جمله‌ی کوتاه (حداکثر ۲۰ کلمه) بنویسید

۴. داستان روباه و شیر را از جایی که خرس از وارد شدن به قصر خودداری می‌کند، با رویکرد رهبری خرس علیه شیر بازنویسی کنید تا حیوانات، مچ شیر را باز کنند و در مبارزه بر او پیروز شوند.

شراکت شیر

یک روز، شیر، روباه، شغال و ببر دور هم جمع شدند و قرار گذاشتند از این پس، در همه‌چیز با یکدیگر شریک باشند. طبق قرار آنان، در این شراکت، شیر نقش اصلی را عهده‌دار شد. وقتی همه‌ی قول‌وقرارها و صحبت‌ها به پایان رسید، شیر گفت: «دوستان عزیز! شراکت ما، یک شراکت عادی نخواهد بود. ما باید هم در سود و هم در زیان‌هایمان با هم شریک باشیم. در واقع، مشارکت واقعی هم همین است.» همه، این سخن شیر را از ته دل پذیرفتند.



روزی از روزها، شرکا به راه افتادند و برای شکار، در چهار گوشه‌ی جنگل، تله‌کار گذاشتند و از شغال خواستند دیده‌بانی تله‌ها را عهده‌دار شود. چند دقیقه‌ای از کار گذاشتن تله‌ها نگذشته بود که شغال با عجله نزد سایر شرکا آمد و با خوش حالی فراوان و در حالی که از هیجان داد می‌زد،



فکر کنید، پاسخ دهید

۱. در مورد شرایط مشارکت و ویژگی‌های شریکان بحث کنید و برای هر کدام حداقل سه مورد فهرست کنید.

۲. آیا می‌توانید برای شراکت نابرابر مثالی بزنید؟ (مثلاً شراکتی که

در آن، طرفین به نسبت مساوی در سود و زیان سهیم نباشند).

۳. اگر روزی یک شیر به کتابخانه‌ای وارد شود، چه باید کرد؟

او ممکن است از جلو میز کتابدار بگذرد، به طرف قفسه‌های کتاب برود و به آن‌ها نگاه کند. بعد برگردان را بو بکشد، سرش را به مجموعه کتاب‌های جدیدی که برای قرار داده شدن در قفسه‌ها خریداری شده است، بمالد و با قدم‌های نرم و آرام به بخش کتاب‌های داستان برود و... خیلی تعجب نکنید، اگر فکرتان را به کار ببندازید، همه چیز ممکن

است. در مورد این اتفاق دو فعالیت زیر را انجام دهید:

* داستانی بنویسید که قهرمان آن شیر آرامی است؛ مثل شیری که در ابتدای همین تمرین از او سخن گفتیم.

* داستانی بنویسید که قهرمان آن، شیر ناآرامی است که فقط برای برهم زدن کتابخانه وارد آن شده است.

(اگر دنبال کتاب داستانی خوب و خواندنی هستید، کتاب «شیر کتابخانه»، نوشته‌ی میچل نادسن را که **گوین هاوکس** تصاویر خوبی برای آن کشیده است، بخوانید. این کتاب با درونمایه‌ی طنز، ترجمه‌ی **سمیرا کمالی** است و انتشارات «کتاب نیستان» در تهران، آن را منتشر کرده است.)

۴. اگر برادر و یا خواهر کوچک‌تر داری که موقع خواندن این داستان و

انجام تمرین‌های آن، دوروبر تو راه می‌روند و دائم از آقاشره سؤال می‌کنند، بهتر است کتابی را که بیشتر مناسب بچه کوچولوهاست، بشناسی تا آن را بخوانی و قصه‌اش را برای کوچک‌ترها تعریف کنی. «مگر شیر ماشین است که بوق بزند؟» بله، تعجب نکنید؛ این کتاب ماجرای شیری است که صبح وقتی در باغ‌وحش دهانش را باز کرد، به جای صدای غرش شیر، صدای بوق از دهانش بیرون آمد و همه گفتند مگر شیر ماشین است که بوق بزند؟ همین بود که همه به فکر شیر افتادند: نگهبان قفس شیر، صاحب باغ وحش، پزشک باغ‌وحش و... اما شیر فقط بوق می‌زد. پزشک باغ‌وحش درمانده بود، چون با این بیماری آشنایی نداشت. بنابراین، راه درمانش را هم بلد نبود. شیری که بوق بزند، نوبر است. خب، هیچ‌جای دنیا چنین شیری وجود ندارد. بنابراین، پای آقای شیر به صفحات روزنامه‌ها باز شد و خیلی زود مشهور شد...

قرار نیست همه‌ی کتاب را برایتان تعریف کنیم، کتاب توسط خانم **فروزنده خداجو** نوشته شده و هنرمند توانا آقای **رضا مکتبی**، تصویرهای زیبایش را کشیده است.

۵. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چند سالی است، مجموعه داستان‌های دو زبانه‌ای را منتشر می‌کند که به زبان

گفت: «بیایید دوستان، بیایید! یک آهوی چاق و چله در یکی از تله‌هایمان گرفتار شده است.»

شرکا به طرف تله آمدند و آهوی گرفتار شده را از تله بیرون کشیدند و آن‌گاه نوبت تقسیم کردن شکار رسید. شیر، براساس توافقی که قبلاً کرده بودند و قرار بود نقش اصلی در شراکت را عهده‌دار باشد، آهو را به چهار قسمت مساوی تقسیم کرد و گفت: «ببینید دوستان! تکه‌ی اول مال من است، یعنی این سهم شیر است.»

شرکای دیگر که شاهد تقسیم شکار بودند، با امیدواری به این که سه سهم باقی مانده، مال آن‌ها خواهد شد، به بقیه‌ی حرف شیر گوش دادند: «تکه‌ی دوم هم مال من است. چون بین شما من از همه قوی‌ترم. کسی به این منطق من اعتراض دارد؟»

مگر کسی می‌توانست به شیر چیزی بگوید؟ به همین علت، هر سه معترض با صدای بلند و یکپارچه گفتند: «اعتراضی نداریم.»

شیر ادامه داد: «بسیار خوب! من هم عاقل‌ها را دوست دارم. اکنون بیایید ببینم سومین تکه مال چه کسی است؟» و بعد گفت: «معلوم است که این هم مال من است. چون من علاوه بر این که سلطان جنگلم، طبابت جانوران را هم بر عهده دارم.»

روباه، شغال و ببر در مقابل این سخن شیر هم نتوانستند حرف بزنند و با لب و لوجه‌ی آویزان، به چهارمین تکه‌ی شکار چشم دوختند. شیر که کاملاً آن‌ها را زیر نظر داشت، گفت: «و اما بیایم برسیم به چهارمین تکه. اگر کسی جرئت دارد بیاید جلو و این آهوی شکار شده را مزه‌مزه کند.» کار به این جا که رسید، شریک‌های بخت‌برگشته، یکی یکی از آن جا دور شدند و شراکتشان را به فراموشی سپردند.



سه پرسش

۱. شیر، کدام حیوانات را دور هم جمع کرد و با آنان قرار شراکت گذاشت؟

(الف) روباه، شغال و ببر

(ب) روباه، گرگ و ببر

(پ) گرگ، شغال و خرس

۲. آهوی شکار شده توسط حیواناتی که در سود و زیان همه‌چیز با هم قرار شراکت گذاشته بودند، توسط کدام حیوان تقسیم شد؟

(الف) شیر

(ب) شغال

(پ) ببر

۳. به نظر شما، شیر باید آهوی شکار شده را چگونه تقسیم می‌کرد؟ (الف) بین همه و به یک اندازه

(ب) همه را برای خودش برمی‌داشت.

(پ) همه را باید بین سه حیوان دیگر تقسیم می‌کرد.

فارسی و یکی از زبان‌های محلی ایران است. یکی از این داستان‌ها «حمزه‌ی پهلوان» نام دارد و در مجموعه کتاب‌های مرز پرگهر، به قلم **اسدالله عمادی** و تصویرگری **رضا لواسانی** برای گروه سنی ۹ تا ۱۲ سال به صورت مصور (رنگی) منتشر شده است. این داستان، افسانه‌ای مازندرانی است.

حمزه‌ی پهلوان، پهلوانی است مشهور که همه‌ی پهلوانان آرزو دارند با او کشتی بگیرند و او را به زمین بزنند تا اعتباری به دست آورند. روزی از روزها، حمزه‌ی پهلوان به راه می‌افتد تا برود دنیا را سیاحت کند. در راه سفر، دو مرد مدعی پهلوانی را می‌بیند، آن‌ها را به زمین می‌زند و بعد با کمال جوانمردی، آن دو را به شاگردی و هم‌سفری می‌پذیرد. بعد به **جنگل** می‌رسد، با **سلطان جنگل** مبارزه می‌کند و دختری را که در ته چاهی اسیر سلطان جنگل است، نجات می‌دهد و...

با به دست آوردن این کتاب و ضمن خواندن آن، به پرسش‌های زیر پاسخ دهید: و فعالیت‌های ارائه شده را انجام دهید:

* در این داستان، حمزه‌ی پهلوان با سلطان جنگل مبارزه می‌کند و دختری را که در ته چاه اسیر اوست، نجات می‌دهد. با پرس‌وجو از بزرگ‌ترها و بررسی در منابع، لاقبل به دو افسانه یا داستان قدیمی ایرانی اشاره کنید که قهرمان داستان با موجودی قوی مبارزه می‌کند.

* اگر خودتان مازندرانی هستید، با اجازه‌ی آموزگارتان، داستان را به زبان مازندرانی در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

* از یکی از دوستان کرد، ترک، ترکمن، بلوچ، گیلک، لر یا... که در مدرسه یا کلاس درستان او را می‌شناسید، بخواهید حمزه‌ی پهلوان را به زبان مادری‌اش ترجمه کند. از همین دوستانتان بخواهید داستان‌هایی را که پدر بزرگ و مادر بزرگ‌های آن‌ها برایشان تعریف کرده‌اند، برایتان بگویند.

۶. **شیر جانور** است، **شیر** نوشیدنی مورد علاقه‌ی کودکان است و **شیر** وسیله‌ای است که آب لوله‌کشی شده از آن بیرون می‌آید.

همان‌طور که می‌بینید، هر سه کلمه یک‌جور نوشته می‌شوند، ولی معنای متفاوتی دارند. در ادبیات، به این جور کلمات، «واژه‌های هم‌نویسه» می‌گویند. با پرس‌وجو از معلمان و بزرگ‌ترها، مراجعه به کتاب‌های لغت‌نامه، حداقل پنج دسته واژه‌ی هم‌نویسه پیدا کنید.

۷. این دو بیت را در نظر بگیرید:

آن یکی شیری است اندر بادیه

و آن یکی شیری است اندر بادیه

آن یکی شیری است کادم می‌خورد

و آن یکی شیری است که آدم می‌خورد

* این دو بیت را به نثر ساده و روان بنویسید.

* معانی دو واژه‌ی «شیر» و «بادیه» را در این دو بیت پیدا کنید.

* آیا در این دو بیت، واژه‌های هم‌نویسه پیدا می‌کنید؟

کلمه‌ها و ترکیباتی که برای نخستین بار در این داستان یا آن‌ها آشنا شدی

معانی آن

کلمه (و یا ترکیب)

در مورد معنای هر کلمه، لاقبل یکی از فعالیت‌های زیر را انجام بده.

- با دوستان خود گفت و گو کن.
- با پدر و مادر بحث کن.
- درستی آن را با آموزگار کنترل کن.
- با مراجعه به لغت‌نامه، فرهنگ‌نامه و یا دایرةالمعارف، اطلاعات بیشتری به دست آور.

شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان

حوادث و رویدادها

مکان

زمان

هدیه‌ای برای خوانندگان رشد آموزش ابتدایی

کتاب در ۸ شماره

نوآوری در یادگیری
با تکالیف درسی خلاق

راهنمایی برای آموزگاران، پدران و مادران

براساس نوشته‌ای از نانسی پائولو
ترجمه‌ی زری آفاجانی
مطالعه‌ی تطبیقی و آماده‌سازی: رشد آموزش ابتدایی

کدام قسمت بهتر هستند و چرا، و نیز در کدام بخش به تمرین بیشتری نیاز دارند و چرا. با این شیوه، دانش‌آموز در موقعیتی قرار می‌گیرد که خود به اهمیت تکلیف در یادگیری پی می‌برد.

معلمان می‌توانند به شیوه‌های گوناگون، تکالیفی را که طراحی کرده‌اند، ارزیابی و مرور کنند. مثلاً بسیاری از معلمان به تکالیف دانش‌آموزان خود نمره می‌دهند و برخی دیگر با جملاتی وصفی که در پایان تکالیف می‌نویسند، دانش‌آموز خود را ارزش‌یابی می‌کنند. درست است که نمره دادن به تکالیف، دانش‌آموزان را به فعالیت بیشتر و یادگیری بهتر تحریک می‌کند، اما در برخی شرایط ممکن است اثربخشی خود را از دست بدهد. برای مثال، دادن نمره برای دانش‌آموزی که از او خواسته‌ایم قطعه شعری را به‌عنوان تکلیف بنویسد، اصلاً مناسب نیست و شاید

۱۴. با پیش‌زمینه دادن، دانش‌آموزان را آماده کنید (مهیا کردن بازخوردهای ساخت‌وسازگرایانه)

وقتی پیش‌زمینه‌های لازم برای انجام تکالیف را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهیم و نیز وقتی می‌کوشیم برای کارهایی که انجام می‌دهند، بازخوردهای ساخت‌وسازگرایانه‌ی مفیدی مهیا کنیم، به‌طور قطع، آن‌ها تمایل زیادی به انجام تکالیف و پیشرفت در یادگیری خواهند داشت. بازخورد ساخت‌وسازگرا، به پس‌خورندهای مفیدی اطلاق می‌شود که بدون ایرادگیری مستقیم از کار دانش‌آموزان، مسیر انجام تکالیف را به‌طور غیرمستقیم به آن‌ها نشان دهیم و شرایطی فراهم کنیم تا آن‌ها خودشان مسیر خود را بیابند. این، نوعی مهیا کردن شناختِ شناخت است. دانش‌آموزان احتیاج دارند که بدانند در



بهترین روش برای ارزش‌یابی این تکلیف، توصیف فعالیت و ذوق ادبی دانش‌آموز در پایان تکلیف باشد. به‌طور قطع، این ارزش‌یابی توصیفی، از بالاترین نمره‌ای که می‌توان به او اختصاص داد، ارزشمندتر است.

ارائه‌ی بازخورد در مورد انجام تکلیف، می‌تواند کمک مؤثری در بهبود یادگیری دانش‌آموزان باشد. وقتی معلمان در مورد این‌که دانش‌آموز چگونه می‌تواند تکلیف خود را بهبود بخشد، بازخورد می‌دهند و درباره‌ی اصلاح فرایند انجام تکلیف، با دانش‌آموز به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند، دانش‌آموز و حتی بقیه‌ی هم‌کلاسی‌های او، خواهند توانست از این رهنمودها برای بهبود یادگیری چاره‌اندیشی کنند.

مثلاً یک معلم ریاضی ممکن است با بررسی یک مسئله‌ی ریاضی و مشاهده‌ی پاسخ غلط، بر دانش‌آموز خرده بگیرد، ولی معلمی که دنبال ارائه‌ی بازخوردهای ساخت‌وسازگراست، با حوصله و مرور مراحل انجام مسئله، به جایی که اشتباه رخ داده است، اشاره می‌کند و این باعث بهبود یادگیری دانش‌آموز می‌شود. این قبیل بازخورد دادن‌ها، باعث می‌شود دانش‌آموزان جوانب گوناگون کارشان را بسنجند، مهارت‌های همکاری اجتماعی را بیاموزند و یاد بگیرند در ارزیابی کار خود و دیگران، فرایندها را در نظر بگیرند، نه نتیجه‌های به‌دست آمده را.

*** کریستی مک نالی**، معلم کلاس هفتم در کانزاس می‌گوید: «من وقتی تکلیفی برای دانش‌آموزانم طرح می‌کنم، آن‌ها می‌دانند که به تکلیف آن‌ها نمره نخواهم داد و هیچ توصیفی در پایانش نخواهم نوشت؛ ولی می‌دانند که حتماً تکلیف‌ها را نگاه خواهیم کرد و اگر آن‌ها در انجام تکلیف دچار لغزشی شده باشند، حتماً مسیر انجام تکلیف را اصلاح خواهیم کرد. من با نگاهم، تکالیف آن‌ها را رتبه‌بندی می‌کنم. بنابراین، آن‌ها می‌دانند که تکالیفشان را باید انجام بدهند. در واقع شاید بتوان گفت، به مرور نوعی انگیزش درونی در آن‌ها ایجاد می‌شود.»

*** اولین چیزی** که دانش‌آموزان با قدم گذاشتن به کلاس **خانم دان**، انجام می‌دهند، گذاشتن تکالیف خود روی چهارپایه‌ی جلوی کلاس است. زمانی که دانش‌آموزان کلاس هشتم مشغول دوره‌ی تمرینات ریاضی خود هستند، خانم دان، هر تمرین را بررسی می‌کند. او می‌گوید: «من نمره نمی‌دهم، اما دقت می‌کنم که ببینم آن‌ها مفهوم تمرین را فهمیده‌اند یا نه. اگر به‌طور مثال در تمرین‌های اکثر دانش‌آموزان کلاس، سه غلط عمده به چشم بخورد، می‌کوشم کلاس و آموزش را مطابق آن مفاهیم یاد گرفته نشده برنامه‌ریزی کنم.»

*** خانم کبری علیزاده**، آموزگار پایه‌ی پنجم ابتدایی در شهرستان بابلسر می‌گوید: «من معلومات، مهارت‌ها و تلاش شاگردان در انجام تکالیف درس «می‌نویسم» را ارزیابی می‌کنم. اگرچه ارزش‌یابی من به نوعی توصیفی است، ولی از هر جمله، نمره‌ای در ذهنم وجود دارد. با این شیوه، تفاوتی چشم‌گیر در انجام تکالیف به‌وجود آمده است.»

او ادامه می‌دهد: «البته من تنها در صورتی که تکلیف آن‌ها بی‌عیب

و نقص باشد، برایشان جمله‌ای می‌نویسم و حداکثر تعدادی هم که برای یک نفر نظر می‌دهم، چهاربار است. وقتی چهارمین نظر را به آن‌ها می‌دهم، آن‌ها در واقع به نوعی پاداش دست می‌یابند. این یک‌جور پاداش محرمانه برای یادگیری است.»

او می‌گوید: «وقتی در پایان تکلیف دانش‌آموزی، چیزی نمی‌نویسم، او به تعمق وادار می‌شود و حتی ممکن است دلیل این کار را از خود من سؤال کند. این نوعی هدایت غیرمستقیم است.»

*** آقای بیور**، در ابتدای هر کلاس، به مدت پنج دقیقه مثل فرفره دور اتاق می‌چرخد و روی تکالیف بچه‌ها خیره می‌شود. او به دنبال آن است که ببیند چه کسی روی مفاهیم اولیه تسلط پیدا کرده است. به برخی و نه به همه‌ی تکالیف، نمره می‌دهد و مشاهداتش را در دفتر کلاسی‌اش ثبت می‌کند. بالاخره هم دو هفته یک‌بار، با یک کارنامه‌ی رایانه‌ای، دانش‌آموزان و والدین آن‌ها را از چگونگی انجام تکالیف باخبر می‌کند. کارنامه‌ی او ترکیبی از نمرات و توصیف‌های کیفی است که هم در مورد تکلیف و هم درباره‌ی پیشرفت تحصیلی بچه‌ها، اطلاعاتی به اولیا می‌دهد.

او می‌گوید: «اگر دانش‌آموزی مشکلی داشته باشد، یادداشتی می‌نویسم و می‌گویم چه‌طور می‌توانم کمکت کنم؟ به علاوه، به منزلشان تلفن می‌کنم. در این شهر کوچک، پس از ۳۸ سال تدریس، من به پدرها و مادرها، بچه‌هایشان، عموها و عمه‌ها تدریس کرده‌ام. وقتی من فرمان می‌دهم، همه می‌دانند که این، یعنی خیلی مهم است.»

۱۵. جایزه بدهید و انگیزه ایجاد کنید

بزرگ‌سال و بچه، فرقی نمی‌کند. همه معمولاً جواب یکسانی به پاداش می‌دهند: «به‌عنوان اولین گزارش، بسیار خوب بود»، «خیلی



شده‌اند و نشریه‌ی محلی، تربیتی اتخاذ کرده است تا با دانش‌آموزی که کارش برای نمایشگاه مدرسه انتخاب می‌شود، مصاحبه شود و آن را در نشریه منتشر کند. علاوه بر این، به مرور که کارها زیادت می‌شود، فکر فروش آن‌ها در قالب مزایده‌ی خیرخواهانه‌ی هنری نیز در ذهن خانم آلن نقش بسته است.

۱۶. به دانش‌آموزان تنها همان قدر کمک کنید که به آن نیاز دارند

دانش‌آموزانی که در انجام تکالیف درسی مشکل دارند و یا برخی از بخش‌های آن را متوجه نمی‌شوند، باید بدانند که امکان دریافت کمک از جانب معلم یا سایر افرادی که در مدرسه از سوی مدیریت مشخص شده‌اند، مهیاست. در این مسیر، کمک به دانش‌آموزانی که در مسیر افت تحصیلی افتاده‌اند و یا شاگردانی که بنا به دلایلی، مشکلات شخصی دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این دانش‌آموزان ممکن است هم از نظر علمی و هم از نظر استدلال منطقی، در انجام تکالیف، به کمک نیاز داشته باشند. آن‌ها باید بدانند که کمک خواستن، حقی است پذیرفته شده و نه تنها هیچ اشکالی ندارد، بلکه لازم است آن‌ها این کار را انجام دهند و تقاضای کمک کنند.

معلم‌ان از زاویه‌ی دید زمانی، به طرق گوناگون می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند. برخی از آن‌ها، قبل از ساعت رسمی مدرسه به دانش‌آموزان کار می‌کنند، بعضی پس از ساعات پایانی مدرسه، برخی

خوب داستان را خلاصه کرده بودید»، «شما کار بزرگی انجام دادید»، این جملات می‌توانند دانش‌آموزان را برای انجام تکالیف آینده‌ی خود تحریک کنند. جوایز چه کیفی باشند و چه کمی، باید واقعی باشند. دانش‌آموزان جوایز غیرواقعی و تعارفات غیرصمیمی را به سرعت تشخیص می‌دهند. * خانم اورلیک، که در راهبرد هفتم با کارهای او آشنا شدیم، بین دانش‌آموزان نوعی رقابت مثبت ایجاد کرده است. او به کسانی که تکالیف خودشان را به خوبی و در حد اعلا انجام داده‌اند، اجازه می‌دهد شعرها، مقالات و یادداشت‌های کوتاه‌شان را در نشریه‌ای که توسط این دبیر زبان انگلیسی و در سطح مدرسه منتشر می‌شود، به چاپ برسانند. رقابت، دانش‌آموزان را وادار به کار می‌کند. علاوه بر این، چون جایزه، چاپ یک اثر نوشتاری است، این دبیر به بخشی از هدف‌های درس خود هم نائل می‌شود. البته تلاش بچه‌ها بیشتر برای آن است که نوشته‌هایشان خواننده‌ای غیر از معلم خودشان داشته باشد.

* خانم صدیقه عظیمی، آموزگاری از شهرستان مرند، از یک روش شناخته شده برای تشویق دانش‌آموزانش استفاده می‌کند. او می‌گوید: «روش من با اندک تغییری، در خیلی از مدرسه‌ها در حال اجراست، ولی من قدری روش‌های جاری را عوض کرده‌ام.»

او جورچینی درست کرده است که به شکل یک دسته گل است و از ۲۰ قطعه‌ی جدا از هم تشکیل می‌شود. او قطعه‌هایی از این جورچین را در پایان تکلیف، به دانش‌آموزانی که تکالیفشان را کامل و در حد مطلوب انجام داده‌اند، می‌چسباند. دانش‌آموزان که به مرور زمان هر ۲۰ قطعه‌ی جورچین را به دست می‌آورند، می‌توانند تصویر آن را روی ورق‌های بکشند و به آموزگارشان تحویل دهند. خانم عظیمی می‌گوید: «هر کدام از قطعات این پازل، شماره‌ای دارند و هر شماره‌ای نزد من از ارزش خاصی برخوردار است. علاوه بر این، به طور کامل در دفترم، شماره‌ی قطعه‌هایی را که به هر دانش‌آموز داده‌ام، یادداشت می‌کنم. بنابراین، من هم همراه با دانش‌آموز، می‌فهمم که دسته گل او کامل شده است و جالب این‌جاست که برخلاف بسیاری از مدرسه‌ها، من بچه‌ها را طوری آماده کرده‌ام که به دست آمدن همان دسته گل، در واقع جایزه‌ی اصلی بچه‌هاست و دیگر مثل برخی مدرسه‌ها، آن را تحویل نمی‌دهند تا جایزه‌ی دیگری بگیرند.»

* خانم آلن، دبیر هنر دبیرستان، صرفاً به دانش‌آموزانی که در یک دوره‌ی زمانی تکالیف کامل‌تری را انجام دهند، اجازه می‌دهد بهترین نمونه کارهای خودشان را در نمایشگاه دائمی مدرسه به نمایش بگذارند. او می‌گوید: «این خیلی مهم است که کار شما را در نمایشگاه دائمی مدرسه به نمایش بگذارند. او می‌گوید: «این خیلی مهم است که کار شما در نمایشگاه دائمی مدرسه به نمایش درآید؛ چرا که این آثار برای همیشه در آن جا خواهند ماند. در این سه‌سالی که از تأسیس دبیرستان می‌گذرد، ۴۵ نمونه کار به نمایشگاه راه یافته است.»

البته خانم آلن، انگیزه‌ی بچه‌ها را برای این کار دو چندان کرده است. گروهی از پدران و مادران هزینه‌ی قاب کردن نمونه کارها را عهده‌دار

در وقت فراغت بین روزی خود و گروهی دیگر هنگام ناهار. البته گروهی هم شماره‌ی تلفن منزلشان را به دانش‌آموزان می‌دهند تا در صورت نیاز تماس بگیرند.

*** آقای ویلیامز** که پیش از این با تجربه‌های او در زمینه‌ی تنوع تکلیف آشنا شدیم، به دانش‌آموزانش گفته است، در صورتی که در انجام تکلیف مشکل دارند، از ساعت ۸/۳۰ عصر به بعد با او تماس بگیرند. او آن قدر با دانش‌آموزان تماس گیرنده راحت برخورد می‌کند که برخی از آن‌ها که خجالت می‌کشیدند معلمشان از مشکل آن‌ها خبردار شود، خودشان را با نام مستعار به آقای ویلیامز معرفی می‌کردند. اغلب اوقات، وقتی این دبیر ریاضی درباره‌ی چگونگی حل شدن مسئله‌ها با دانش‌آموزان خود صحبت می‌کرد، می‌فهمید اکثر آن‌ها با وجود آن که راه‌حل‌ها را بلدند، مفهوم مسئله را درنیافته‌اند. او معتقد است، با در دسترس بودنش در طی ساعات بعدازظهر (عصرها)، در زمان کلاس روز بعد صرفه‌جویی کرده است.

*** خانم فاست** می‌گوید: «برخی از بچه‌ها، خانواده‌هایی دارند که به آن‌ها برای انجام تکلیف خود در منزل وقتی اختصاص نمی‌دهند و این بچه‌ها، باید به کارهای روزمره و نگه‌داری از خواهر و برادرهای کوچک‌تر خود بپردازند.» او از این دانش‌آموزان خواست زودتر به مدرسه بیایند و یا بعد از وقت ناهار و با نظارت او، تکلیف روز بعد را در کلاس درس انجام دهند. او ادامه می‌دهد: «آن‌ها گاهی اوقات تکالیفشان را انجام می‌دهند و گاهی انجام نمی‌دهند. ولی من می‌دانم، آن‌چه را که این بچه‌ها یاد می‌گیرند، فقط در کلاس درس رخ می‌دهد و من در مقام یک معلم نمی‌توانم آن را تغییر بدهم. بنابراین، سعی خودم را می‌کنم تا صرفاً از زود به مدرسه آوردن و فرصت ناهار آن‌ها، بیشترین استفاده را برای بهبود شرایط یادگیری دانش‌آموزانم بکنم.

*** آقای عبداللہی**، دبیر ریاضی دوره‌ی راهنمایی منطقه‌ی یک تهران، برای چهار کلاس خود، دو وبلاگ راه‌اندازی کرده است. دانش‌آموزان او می‌توانند هر وقت که در انجام تکلیف یا در ایام امتحان به مشکلی برمی‌خورند، با مراجعه به وبلاگ، برای معلمشان پیامی بگذارند. او نیز در اسرع وقت (تقریباً هر شب دوبار) به وبلاگ سر می‌زند و به پرسش‌های بچه‌ها پاسخ می‌دهد. این دبیر ریاضی، کارکرد این وبلاگ را، به‌ویژه در ایام امتحانات، معرکه می‌داند.

علاوه بر معلمان، دانش‌آموزان می‌توانند از افراد دیگر و نیز مؤسسات خاصی که به همین منظور ایجاد شده‌اند، کمک بگیرند:

*** در آمریکا** انجمن ملی ویژه‌ی دانش‌آموزان، در برخی مدرسه‌ها، تعدادی معلم را به‌عنوان ناظر یا معلم کمکی، برای دانش‌آموزانی که به امداد نیاز دارند، مأمور کرده است.

*** در ایران**، سازمان آموزش و پرورش شهر تهران، سال‌هاست طرح صدای معلم را راه‌اندازی کرده است. در ستاد مرکزی این طرح، همواره

ده معلم زبده، به‌صورت تلفنی پاسخ‌گوی دانش‌آموزان در زمینه‌ی مشکلات درسی و چگونگی انجام تکلیف هستند. این طرح، هم‌اکنون با شش شماره تلفن، با دانش‌آموزان در ارتباط است.

*** در آمریکا**، واحدهایی تأسیس شده‌اند که «فوریت‌های کمک‌رسانی به تکالیف» نام دارند. در این واحدها، معلمانی فعالیت دارند که به پرسش‌های خانواده‌ها پاسخ می‌دهند و در صورت لزوم، در خانه‌ها حضور به هم می‌رسانند.

*** در ایران**، شهرداری تهران با همکاری آموزش و پرورش، در بسیاری از مناطق، «خانه‌ی مشق» راه‌اندازی کرده است. در این مراکز، دانش‌آموزانی که خانه‌ی آن‌ها از فضاهای کافی برای انجام تکلیف برخوردار نیست، زیر نظر معلمانی که از آموزش و پرورش معرفی می‌شوند، تکلیف خود را انجام می‌دهند. هم‌چنین، از بازی‌ها و تغذیه‌ی مناسب نیز برخوردار می‌شوند. در آمریکا نیز این قبیل مراکز با عنوان «مرکز مطالعه» سال‌هاست که تأسیس شده است.

*** برخی از معلمان و مدرسه‌ها**، برنامه‌هایی تنظیم می‌کنند تا دانش‌آموزان شریک مطالعه داشته باشند. در این برنامه، دانش‌آموزانی که سطح علمی برابری دارند، با یکدیگر همراه می‌شوند. البته در برخی موارد هم، دانش‌آموزانی از سطوح گوناگون با همدیگر در یک گروه قرار می‌گیرند. در این حالت، دانش‌آموزان پیشرفته‌تر، در مقام ناظر و یا معلم کمکی فعالیت می‌کنند.

*** برخی از معلمان**، از دانش‌آموزان می‌خواهند از «دوست کمکی» برای انجام تکلیف دشوار خود بهره بگیرند. مثلاً **خانم مینا الویری**، آموزگار دبستانی در فیروزکوه، از دانش‌آموزانش خواسته است شماره‌ی تلفن منزل حداقل پنج نفر از هم‌کلاسی‌های خود را به ترتیب درجه‌ی رفاقت و حسابی که می‌توانند روی کمک او داشته باشند، در فهرستی نزد خود نگه دارند تا درباره‌ی مشکلات درسی خود با آنان حرف بزنند.

*** علاوه بر «خانه‌ی مشق» و «مرکز مطالعه»**، برخی مدرسه‌ها نیز برای دانش‌آموزان مشکل‌دار خود برنامه‌هایی ترتیب می‌دهند. این مدرسه‌ها دانش‌آموزانی را که از لحاظ مالی و نیز ویژگی‌های تربیتی والدین، شایسته‌ی رسیدگی بیشتر هستند جدا می‌کنند و بعد از وقت مدرسه، با حضور معلمان مورد تأیید و جمع‌آوری کتاب‌ها، اسباب‌بازی‌ها، رایانه‌ها و ابزارهای آموزشی موردنیاز در یک‌جا، محیطی فراهم می‌آورند که دانش‌آموزان به راحتی تکلیف خود را انجام دهند و اطلاعات آموزشی مفید را دریافت کنند. از لحاظ دادن تغذیه‌ای مختصر و اختصاص زمان بازی، این واحدهای فوق برنامه، بسیار شبیه خانه‌ی مشتق و مرکز مطالعه عمل می‌کنند.

زیرنویس

1. Christy Mc Nally
2. Ms. Dunn

خرچنگ بازار!

ناهید کسایی کوپایی مدیر دبستان فرهنگیان ۲، ناحیه ۲ اصفهان

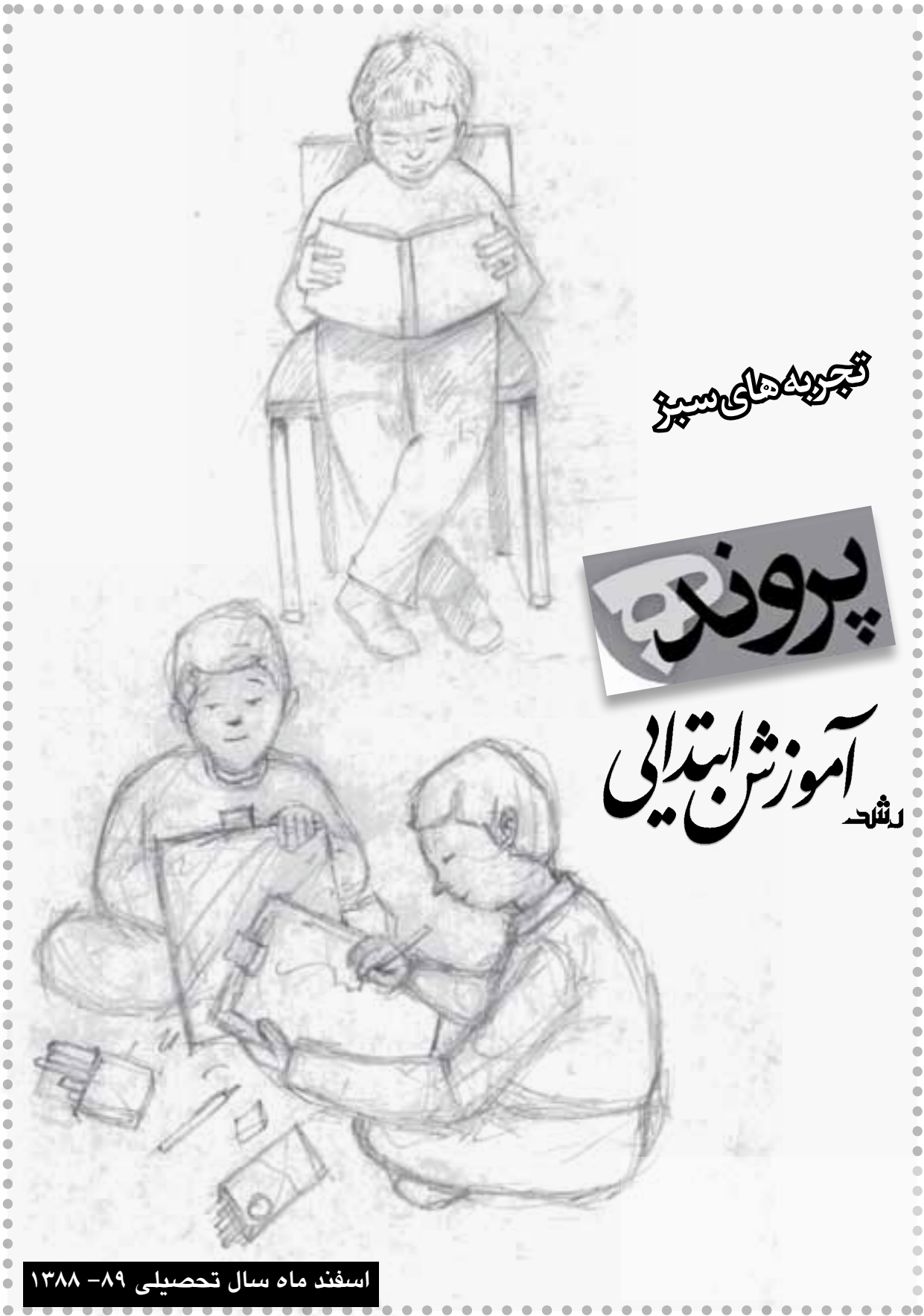


تصویری که ملاحظه می کنید، توسط مؤلف این خاطره ترسیم شده است

روبه‌رو شدم؛ اغلب بچه‌ها، خرچنگ به دست، یا در کلاس حضور داشتند، یا در حال ورود به کلاس بودند.
در وضعیت روحی غیرقابل وصفی قرار گرفته بودم. گرچه سعی می‌کردم خون‌سردی خود را حفظ کنم، ولی خود را باخته بودم.
به هر حال، پس از مدتی اوضاع را تحت اختیار گرفتم و از دانش‌آموزان خواستم بروند از منزل ظروفی برای نگهداری خرچنگ‌ها و به منظور استفاده در درس علوم، بیاورند. بدین ترتیب، بحران ایجادشده را کنترل و به نفع امور آموزشی تغییر دادم. تازه متوجه شدم، چه‌قدر شناخت ویژگی‌های محیطی و فرهنگی فراگیرندگان می‌تواند در آموزش نقش ایفا کند.

تازه از مرکز تربیت‌معلم فارغ‌التحصیل و به یکی از روستاهای دورافتاده اعزام شده بودم. گرچه بچه‌های روستایی ساده‌ترند، لیکن شیفت‌های خاص و فرهنگ معاشرت مربوط به خود را دارند. من که به عنوان آموزگار چند پایه در کلاس اول تدریس می‌کردم، یک روز با اذیت‌های شدید شاگردانم روبه‌رو شدم. هر کاری کردم، آرام نشدند. در نهایت به آن‌ها گفتم، هر کس اذیت کند، فردا خرچنگ به کلاس می‌آورم. ناگفته نماند که در کنار مدرسه‌ی ما، یک برکه با تعداد زیادی خرچنگ وجود داشت که خرچنگ‌هایش گاهی تا نزدیک کلاس هم می‌آمدند.

صبح روز بعد که به کلاس رفتم، با منظره‌ی عجیب و غیرمنتظره‌ای



تجربدهای سبز

پرونده

آموزش ابتدایی
رشد

اسفند ماه سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸

گزارشی از برگزاری جشن صبحانه
در دبستان دخترانه‌ی شهید مدرس، در منطقه‌ی ۶ تهران

سرسفرهی مدرسه

گزارش: اصغر ندیری

اشاره



وعده‌ی غذایی صبحانه از وعده‌هایی است که خوردن آن همواره توصیه شده است. قول معروفی است که می‌گوید: «صبحانه را خودت بخور، ناهار را با دوستت تقسیم کن و شام را با دشمنت بخور.» اما چرا بعضی دانش‌آموزان از خوردن غذا طفره می‌روند؟ نفیسه کوچولو می‌گفت: «صبحانه میل ندارم. ناهار هم دوست ندارم، شام را هم نمی‌خورم.»

با همه‌ی این حرف‌ها، روز میلاد حضرت معصومه «س» و روز دختران، می‌توانست زمان مبارکی باشد برای یک فکر خلاق که به ذهن خانم آمنه صباغیان، مدیر دبستان دخترانه‌ی شهید مدرس منطقه‌ی ۶ تهران خطور کرد. هم‌زمان با پیش‌رو داشتن جلسه‌ی انجمن اولیا و مربیان و پشت سر گذاشتن روز جهانی غذا، خانم مدیر با هم‌فکری معاون و دیگر همکاران، تصمیم به برگزاری جشنی خانوادگی به نام «جشن صبحانه» گرفت تا به نوعی، با تشریک مساعی، برخی مسائل مدرسه را نیز حل و فصل کند.

برنامه با صبحگاه فرح‌بخشی آغاز شد که در آن شعرهایی با هم‌خوانی دانش‌آموزان خوانده می‌شد. نکته‌ی جالب توجه در آن، استفاده از مطالبی بود که به افزایش مهارت بدنی و دانش بچه‌ها منجر می‌شد؛ مثلاً بلند کردن دست چپ یا راست و یا بردن نام ائمه‌ی معصومین (ع).

قطعه‌ای دیگر هم در بیان همدلی و هم‌بستگی چنین آغاز می‌شد:

وقتی که باهم باشیم دنیا قشنگه

دنیای ما بچه‌ها چه رنگارنگه

گزارش کوتاهی از این مراسم تهیه کرده‌ایم که توجه شما را به مطالعه‌ی آن جلب می‌کنیم.

دعوت پدرها و مادرها

ورودی مدرسه پر بود از پدرها و مادرهایی که به دبستان دعوت شده بودند. نظر پدر سارا و صدیقه، اولی پیش‌دستانی و دومی دانش‌آموز پایه‌ی سوم را پرسیدیم. او گفت: «از صبح ساعت ۷:۱۵ دقیقه این‌جا هستیم. برگزاری چنین مراسمی برای شاداب کردن محیط آموزشی و روحیه‌ی بچه‌ها، خوب است.»

این پدر اضافه کرد: «قبلاً، از سه سال پیش، من چنین همکاری و برنامه‌ای را در مدرسه ندیده بودم. البته من خودم دستی در امور هنری دارم و اگر مسئولان مدرسه می‌خواستند، آماده‌ی همکاری‌ها بودم. از خانم مدیر تشکر می‌کنم که این برنامه را پی‌ریزی کرده و باعث الفت بیشتر بین بچه‌ها و هم‌چنین تعامل خانه و مدرسه شده است. تقاضا دارم که خانواده‌ها فقط در پرداخت‌ها و مسائل مالی مدرسه مشارکت نکنند و در سایر برنامه‌ها نیز از نظرها و نیز وجود آن‌ها استفاده شود.»

بازی، شعر و صبحانه

ریحانه و مادرش تازه وارد مدرسه شدند. از مادر سؤال کردیم: «چرا به مدرسه آمده‌اید؟»

مادر گفت: «هر روز دخترم را به مدرسه می‌آورم. اما امروز دعوت شده‌ایم تا به مناسبت روز دختران و جشن میلاد حضرت فاطمه معصومه «س»، کنار بچه‌هایمان باشیم و ضمن جشن، با موضوعاتی مثل روز جهانی غذا نیز آشنا شویم. هم‌چنین در ایجاد روحیه‌ی اعتماد به نفس، به فرزنداندانمان کمک کنیم.»

در این فرصت، ریحانه کوچولو روی نیمکت حیاط نشسته و مشغول صرف صبحانه شده بود. پرسیدیم: «الان این‌جا چه کار می‌کنی؟» او هم با سادگی کودکانه جواب داد: «صبحانه می‌خوریم. بعدش هم مسابقه، شعر و بازی داریم. به مامانم هم گفته‌ام، این‌جا پیش من بماند.»

جشن بی سابقه

اما مدیر دبستان شهید مدرس، با ۲۱ سال سابقه‌ی خدمت، سال اول مدیریت خود در این واحد آموزشی را می‌گذراند. به گفته‌ی همکارانش، وی در همین مدت کمی که کار را به دست گرفته است، چنان روحیه‌ی همکاری و همراهی را در معلمان مدرسه بالا برده است که آن‌ها داوطلبانه پذیرفته‌اند تا هزینه‌ی بخش اعظمی از جشن را به عهده بگیرند.

خانم **صباغیان** از دلایل برگزاری چنین برنامه‌ای می‌گوید: «برای تبلیغ در مورد مزایای غذا، در جلسه‌ی عمومی انجمن اولیا و همین‌طور به‌منظور بزرگ‌داشت روز دختران و با توجه به مناسبت روز جهانی تغذیه، برپایی این جشن را پیشنهاد کردم. از آن‌جا که معمولاً بچه‌ها به خوردن صبحانه تمایلی ندارند، فکر کردم که در مدرسه و با حضور پدرها و مادرها، دانش‌آموزان را به صرف غذا ترغیب کنیم. در مدرسه‌ی ما سابقه‌ی برگزاری چنین جشنی وجود نداشت.»

صباغیان در مورد طرح‌های آینده هم می‌افزاید: «با توجه به موضوع تغذیه‌ی سالم، از امروز برنامه‌ی دائم صبحانه در مدرسه، به مدت ۱۵ دقیقه و پیش از شروع کلاس‌ها اجرا خواهد شد.»

با توجه به آمار ۱۷ نفره‌ی دانش‌آموزان مدرسه، از مدیر دبستان درباره‌ی تأمین هزینه‌ها یا چگونگی برنامه‌ریزی آن سؤال کردیم. او گفت: «از بین اولیا ۱۶ نماینده داریم که از هشت کلاس انتخاب شده‌اند. در این کلاس‌ها، مادران قبول کرده‌اند که هر روز یک نفر به‌صورت داوطلبانه صبحانه‌ی کلاس را تهیه کند. در نظر داریم، به مناسبت همه‌ی جشن‌های مذهبی نیز چنین برنامه‌هایی را اجرا کنیم.»

با یک همراه خوب

خانم **فریده شیخ انصاری**، معاون دبستان شهید مدرس است و ۲۳ سال سابقه‌ی تدریس در پایه‌های گوناگون را داراست. معاون مدرسه، به اذعان خانم مدیر، همراه و هم‌فکر خوبی برای ایشان بوده است و ما هم به رغم دوندگی‌های وی، موفق شدیم تنها چند دقیقه از ایشان وقت بگیریم تا گزارشان را کامل کنیم.

می‌پرسیم: «چه ضرورتی دارد والدین بچه‌ها نیز در این جشن‌ها در مدرسه حضور یابند؟»

شیخ انصاری می‌گوید: «می‌خواهیم اولیا از نزدیک با کار مدرسه آشنا شوند و ببینند که دل‌بندانشان در محیطی شاد و امن تحصیل می‌کنند. این حضور، از طرف دیگر، به بچه‌ها و خانواده‌ها نوعی آرامش می‌دهد. حاضر شدن سر میز یا سفره‌ی صبحانه، نوعی آموزش غیرمستقیم در مورد اجتماعی شدن و مسئولیت‌پذیری نیز هست.»

معاون دبستان هم چنین اضافه می‌کند: «این برنامه چنان تازگی داشت که پدر یکی از دانش‌آموزان که استاد دانشگاه است، کلاس خود را لغو کرد تا از نزدیک برنامه‌ی ما را ببیند.»



از نکات جالب برنامه، حس راحتی و آزاد بودن دانش‌آموزان بود. آن‌ها گویا در خانه‌ی خود باشند، فارغ از هراس درس و مشق، در کنار پدر یا مادر و یا پیش دوستانشان نشستند و حتی اجازه داشتند زیلو بیندازند و یا چادر بزنند.

آموزگاران و مدیر و معاون مدرسه هم هرازگاهی سری به یکی از جمع‌های زنده و خوش‌ویشی می‌کردند.



املاي بدون ترس!

مهدي قيداري

سرگروه پايه ي اول شهرستان ميانه

چكيده ي يك اقدام پژوهي درباره ي رفع ترس و اضطراب از درس املاي پايه ي اول ابتدائي

اشاره

مي گويد: «در اوائل سال تحصيلي، از روي لحن صدا و لرزش دست موقع نوشتن و... اضطراب و استرس را بين دانش آموزان احساس مي کردم. با توجه به اين که سرگروه پايه ي اول ابتدائي منطقه نيز بودم، مي توانستم از ساير کلاس هاي پايه ي اول ابتدائي بازديد کنم و اين موضوع را در ميان آنها نيز بررسي کنم. همين کار را انجام دادم و دريافتم که مشکلات در کل يکي است. از بررسي هايي که در سال گذشته در مورد روان خواني زياد، رونويسي زياد، از روي غلطها پنج تا شش بار نوشتن و کتاب را بلند خواندن انجام داده بودم، نتيجه اي به دست نياورده بودم.

در ابتدای سال تحصيلي ۸۸-۱۳۸۷، روش جديدي را به مدت سه چهارماه در درس املا اجرا کردم. شيوه ي کار به اين صورت بود که در يک برگه، جملاتي را از کتاب مي نوشتم و جای کلمات داراي ارزش املايي را خالي مي گذاشتم. برگه را به تعداد دانش آموزان تکثير مي کردم و در جلسه ي املا به آنها مي دادم. دانش آموزان بدون توجه به اطراف خود کلمات لازم را در جای خالي مي نوشتند. در اين روش، دانش آموزان بدون اين که خودشان متوجه شوند و بدون استرس، املاي کلمات را ياد مي گرفتند.»

آن چه ذکر شد، توضيحي کوتاه بود که آقای مهدي قيداري، در مورد طرح اقدام پژوهي خود ارائه داده است. چكيده اي از گزارش اقدام پژوهي وي را در پي مي خوانيد.



سرآغاز

«از زمان تولد تا هنگام مرگ، هر انساني در موقعيت هاي گوناگون زندگي درگير مسائل و مشکلاتي مي شود که به نحوي روان او را متأثر مي سازد. از جمله ي اين مسائل مي توان اضطراب را نام برد که در تمام دوره هاي زندگي ممکن است بر انسان چيره شود» [بالسيني، ۱۳۸۷]. «اراحتي هاي عاطفي بر رشد جسماني کودک تأثير مي گذارند و باعث خرابي دستگاه گوارش و بي خوابي مي شوند. در اين صورت کودک

پرونده

شماره ۶
دوره ي ۱۲
شماره ي ۶
اسفند ۸۸

۲۰

قدرت تمرکز را از دست می‌دهد و در فعالیت‌های درسی عقب می‌ماند» [شعاری‌نژاد، ۱۳۷۷].

«بخشی از رشد کودک، متضمن آموختن و کنترل اضطراب و ترس است. کودکان ترس‌های بسیاری دارند و ممکن است برخی از آن‌ها در بزرگسالی هم، ورای ظاهر آرام، دچار ترس باشند. اما بسیاری از استرس‌ها و اضطراب‌های دوران کودکی، در اثر گذشت زمان و تجربه از بین می‌روند و تنها بخشی از آن‌ها، پشت نقاب پنهان می‌شوند یا تغییر شکل می‌دهند و به‌صورت نیرویی مؤثر در رفتار درمی‌آیند.

به‌طور کلی کودک هراسان، مضطرب هم هست. اگر کودکی بیش از حد نسبت به یک خطر واقعی حساس باشد، احتمال زیادی دارد که هراس مضطربانه‌اش، به یک ویژگی جدایی‌ناپذیر از شخصیت بزرگسالی‌اش تبدیل شود. ممکن است این اضطراب از مجموعه‌ای از کشمکش‌های درونی حل نشده سرچشمه بگیرد که وجه مشخصه‌ی کودک در سراسر زندگی است» [ژوستین، ۱۳۶۷].

بیان مسئله

«شمار دانش‌آموزانی که در یک یا چند ماده‌ی درسی مشکل تحصیلی دارند، قابل توجه است. معلمان مدارس و والدین، غالباً برای حل مشکل آنان، از روش‌های قدیمی و منسوخ کمک می‌گیرند که علاوه بر صرف انرژی و وقت فراوان، باعث بی‌میلی و یا امتناع دانش‌آموز از رفتن به مدرسه، انجام تکالیف کتبی، و فرار از خانه و مدرسه می‌شود. اکثر این کودکان به دلیل احساس بی‌کفایتی و شکست در تحصیل، دچار خشم و ناکامی و حتی انزوا و درماندگی و نداشتن اعتماد به نفس می‌شوند. چنان‌چه برای رفع این مشکل در کودکانی که توان یادگیری دارند، تدابیر آموزشی و درمانی اتخاذ نشود، در بسیاری از موارد، آن‌ها مشکل خود را به بزرگسالی خواهند برد و در نتیجه، سلامت روانی فرد و خانواده و جامعه را به خطر می‌اندازند» [الموتی، ۱۳۸۶].

شکل‌گیری شخصیت کودک در جامعه‌ی کوچکی مثل مدرسه پایه‌ریزی می‌شود، چرا که قبل از ورود به مدرسه، در خانواده حرف، حرف کودک بوده است، اما در مدرسه دیگر چنین نیست. در مدرسه مسئولیت مستقیم شکل‌گیری شخصیت کودک با آموزگار است. زنجیر وابستگی کودک به خانواده باید آرام‌آرام گسیخته شود و امنیتی که کودک تا آن زمان احساس می‌کرده است، باید در مدرسه به‌وجود آید تا زمینه‌ی شکوفایی و استعداد کودک فراهم شود.

در موقعیت فعلی، اگر با فشار معلم و خانواده، ترس از نمره‌ی کم، کودک نمره‌ی بیست بگیرد، ما را به هدف نمی‌رساند؛ چرا که علی‌رغم نمره‌ی بیست، دانسته‌ها ماندگار نیستند و پس از گذشت چند روز، مطالب از ذهن کودک پاک می‌شوند.

گردآوری اطلاعات (شواهد ۱)

در اوایل سال تحصیلی، از روی لحن صدا و لرزش دست موقع

نوشتن و... اضطراب و استرس دانش‌آموزان را احساس می‌کردم. دانش‌آموزانی داشتم که برای جواب دادن به یک سؤال و یا نوشتن چند کلمه، وقت زیادی صرف می‌کردند. به فکر افتادم که از کلاس‌های اول سایر دبستان‌ها نیز بازدید کنم. چون سرگروه پایه‌ی اول ابتدایی منطقه نیز بودم، به مدارس دخترانه و پسرانه مراجعه می‌کردم و سؤالاتی از دانش‌آموزان می‌پرسیدم که اضطراب و استرس را در بعضی



از آنان مشاهده می‌کردم. با بررسی‌هایی که از دانش‌آموزان استرس‌دار به‌عمل آوردم، دریافتم غالباً در خانواده مشکل دارند؛ مشکلاتی از قبیل چشم‌وهم‌چشمی اولیا با یکدیگر، فشار برای گرفتن نمره‌ی بیست و... که در نهایت زمینه‌های اضطراب و استرس را در دانش‌آموزان فراهم می‌سازد.

ارائه‌ی راه‌حل

«دهه‌ی اخیر دهه‌ی بروز تغییرات و تحولات گسترده در برنامه‌های درسی دوره‌ی ابتدایی بوده است که برای ایجاد تحول در کیفیت آموزشی، طراحی و به اجرا درآمده‌اند. از ویژگی‌های کتاب‌های جدید، توجه به کیفیت تکالیف به‌جای کمیت آن‌هاست و براساس این کتاب‌ها، بهتر است تکالیف درس در کلاس و زیر نظر معلم انجام پذیرد» [سبزی‌پور، ۱۳۸۷].

از دوره‌ی تحصیل اولیای دانش‌آموزان تا دوره‌ی تحصیلی فعلی، فرق‌های اساسی بسیاری در نظام آموزشی پدید آمده‌اند. در دوره‌ی قبل، دانش‌آموزان تکالیف را در خانه انجام می‌دادند، اما هدف دوره‌ی تحصیلی فعلی، انجام بخش‌های عمده‌ای از تکالیف درسی در مدرسه است. در وضعیت فعلی، دانش‌آموز با دقت بیش‌تر زیر نظر معلم کار را انجام می‌دهد و چنانچه در نوشتن اشکالی داشته باشد، قبل از این که به اشتباه نوشتن عادت کند، اشکال او در کلاس و در حضور معلم رفع می‌شود. پس لزومی ندارد دانش‌آموز کتاب خود را به منزل ببرد، چون تکلیفش را انجام داده است. در این روش، همه‌ی کتاب‌های دانش‌آموزان در کلاس می‌ماند و دیگر نیازی نیست برنامه‌ی کلاسی به خانواده‌ها داده شود. هم‌چنین در خانه فشاری از طرف اولیا متوجه دانش‌آموز نیست، چون اولیا به‌طور جدی درگیر برنامه‌ی درسی نیستند.

به‌طور خلاصه، مسئولیت آموزشی دانش‌آموزان با معلم مربوطه است. در این روش، درس املا به‌صورت جملات ناقص و یا جای خالی به دانش‌آموزان ارائه می‌شود. بعد از گذشته سه چهار ماه از سال تحصیلی، املا به‌صورت متن ارائه می‌شود. من مدت‌هاست که کلاس‌م را در زنگ املا این‌گونه مدیریت می‌کنم.

اجرای راه‌حل

در سه تا چهار ماه ابتدای سال تحصیلی، در درس املا از جملات کتاب استفاده می‌کنم و جای کلمات دارای ارزش املائی را در متن ورقه‌ی امتحانی خالی می‌گذارم. زنگ املا از بچه‌ها می‌خواهم در ورقه، به دست خط من توجه کنند و ببینند کلمات را مانند کلمات کتاب نوشته‌ام یا نه. همه‌ی دانش‌آموزان بدون تردید نوشته‌ی مرا تأیید می‌کنند. سپس از بچه‌ها می‌خواهم جمله اول را با هم بخوانیم و همه با هم جمله‌ی اول را می‌خوانیم. وقتی به جای خالی می‌رسیم، از بچه‌ها می‌پرسم چه کسی می‌داند در جای خالی، چه کلمه‌ای را باید بنویسیم. تقریباً ۹۹ درصد بچه‌ها جواب درست می‌دهند و آن یک‌درصد هم معمولاً دانش‌آموزان دیرآموز هستند. در این موقع بچه‌ها را تشویق می‌کنم و از آن‌ها می‌پرسم: «یا می‌توانید کلمه‌ای را که گفتید، بنویسید؟» همه‌ی دانش‌آموزان جواب مثبت می‌دهند و دوباره مورد تشویق قرار می‌گیرند. سپس از آن‌ها می‌خواهم کلمه‌ی مورد نظر را بنویسند.

دانش‌آموزان بدون این که به اطراف خود توجه کنند چون هیچ ضرورتی ندارد کلمه‌ی مورد نظر را می‌نویسند. هم‌چنین حواسشان را جمع می‌کنند که در جمله‌های بعدی، زودتر از دیگران کلمه‌ی مورد نظر (جای خالی) را به زبان بیاورند و مورد تشویق هم‌کلاسی‌های خود و این‌جانب قرار بگیرند. بدین ترتیب جمله‌های دوم، سوم، چهارم و تا آخر نوشته می‌شوند. دانش‌آموزان بدون این که خودشان بفهمند و بدون استرس، املائی مورد نظر معلم را می‌نویسند. هم‌چنین هنگام املا همه‌ی دانش‌آموزان خوش‌حال‌اند؛ چرا که این ساعت را مانند زنگ بازی می‌دانند و بدون اضطراب و استرس آن را سپری می‌کنند.

در این روش موارد زیر مد نظر است:

۱. «آموزش املا به دانش‌آموزان با آرامش خاطر و بدون اضطراب و استرس.
۲. کمک گرفتن از دانش‌آموزان در درس املا.
۳. ایجاد رغبت در دانش‌آموزان برای یادگیری بیش‌تر.
۴. تحکیم شخصیت دانش‌آموزان.
۵. تشخیص این که دانش‌آموزان تا چه حد به اهداف تعیین شده دست یافته‌اند» [فروزنده‌نیا، ۱۳۸۶].

نتیجه‌گیری، شواهد ۲

این روش را در چند مدرسه‌ی ابتدایی شهرستان میانه، تقریباً بین ۱۷۰ دانش‌آموز به اجرا درآوردیم. هم‌چنین در کلاس خودم تا بهمن‌ماه به این شکل آزمون املا گرفتیم. با توجه به این روش یاد شده، در هیچ‌یک از مدارس استرس و اضطراب مشاهده نشد.

در یکی از مدارسی که از این روش استفاده نمی‌کرد، شاهد آن بودم که وقتی خانم آموزگار گفت: «دفتر املا روی میز»، یکی از دانش‌آموزان شروع به گریه کرد. یکی دیگر که زبانش بند آمده بود، بریده‌بریده گفت: «مامانم دیشب به من املا نگفته!» و دیگری گفت: «امروز املا نداریم!»

اضطراب سر تا پای آن‌ها را فرا گرفته بود. در این موقع کتاب یکی از دانش‌آموزان مضطرب را ورق زدیم و چند کلمه از تمرینات کتاب بنویسیم را روی تخته نوشتیم. از دانش‌آموزان خواستیم، دفتر املائی خود را ببندند و کتاب بنویسیم خود را باز کنند و نوشته‌ی مرا با نوشته‌ی کتاب مقایسه کنند. همه نوشته‌ی این‌جانب را تأیید کردند. چند نشانه‌ی دیگر مانند **ک، خ و م** را هم نوشتیم که همه خوششان آمد. در این هنگام ورقه‌هایی را که قبلاً آماده کرده بودم، به بچه‌ها دادم و گفتم: «به دست خط من نگاه کنید و ببینید می‌توانید بخوانید؟» همه شروع کردند به خواندن. وقتی به جای خالی رسیدند، پرسیدم: «چه کلمه‌ای را در این جا باید بنویسیم؟» همه بلافاصله کلمه‌ی مورد نظر را





همکاران عزیز! بعضی از اولیا نمی‌توانند قبول کنند که دانش‌آموز در خانه به کتاب و تمرین با اولیا که با شیوه‌ی جدید بیگانه است، نیاز ندارد. لازم است برای آنان توضیح دهیم: تمرین بیش از حد با شیوه‌ی قدیمی، دانش‌آموز را زده و دچار سردرگمی می‌کند. چون تکالیف و تمرینات در کلاس انجام می‌شوند، دیگر نیازی به انجام تکلیف بیش از اندازه در خانه نیست.

مطمئن باشید بعد از گذشت شش ماه (بعد از اتمام نشانه‌ها)، اولیا حرف‌های شما را تأیید خواهند کرد. البته برای ما آموزگاران، اهداف کتاب از نظرات شخصی اولیا مهم‌ترند. اگر می‌خواهیم دانش‌آموزانی با نشاط و مدرسه‌دوست داشته باشیم، از عزیزان تقاضا داریم از شیوه‌ی پژوهش من استفاده کنند تا زودتر و سهل‌تر به اهداف مورد نظر برسند.

پیشنهادهایی برای مسئولان

○ توسط مسئولان آموزش و پرورش، برای از بین بردن اضطراب و استرس آینده‌سازان ایران، از روش املای بدون ترس در مدارس استفاده شود.

○ در مورد نبردن کتاب‌های درسی به خانه، ترتیبی جدی اتخاذ شود. چنانچه شاهدیم، اندیشمندان کشورمان بارها در مورد حفظ سلامت و شکل استخوان‌بندی دانش‌آموزان و طرز استفاده از کیف و کوله‌پشتی از طریق صدا و سیما توصیه‌هایی ارائه کرده‌اند. دانش‌آموز از کیف و کوله‌پشتی به گونه‌ای باید استفاده کند که آسیبی به استخوان‌بندی او وارد نشود.

علاوه بر این، یکی از ویژگی‌های کتاب‌های جدید، توجه به کیفیت تکالیف به جای کمیت آن‌هاست. براساس این کتاب‌ها، دانش‌آموزان می‌توانند تکالیف درسی را در کلاس و زیر نظر آموزگار انجام دهند و با توجه به حجم و سنگینی کتاب‌ها، آن‌ها را در مدرسه و در یک کمد بگذارند تا اگر دانش‌آموزان نوبت بعد از کلاس استفاده می‌کنند، مشکلی به وجود نیاید.

منابع

۱. الموتی، معصومه (۱۳۸۶). «چگونه توانستم ضعف املا را در زهره کاهش دهم». مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، شماره‌ی ۳.
۲. بالسنی، ستار (۱۳۸۷). بررسی چگونگی ایجاد اضطراب دانش‌آموزان. حیات‌نو، تهران.
۳. ژوستین، آرنفرید (۱۳۶۷). روان‌شناسی رشد. ترجمه‌ی نورالدین رحمانیان. آگه، تهران، چاپ دوم.
۴. سبزی‌علی‌پور، زهرا (۱۳۸۷). «تکلیف شب». مجله‌ی پیوند، شماره‌ی ۲۴۹.
۵. سلیمانی، مریم (۱۳۸۵). «دیکته‌ی کارت‌ی». مجله‌ی آموزش ابتدایی، شماره‌ی ۶.
۶. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۷). روان‌شناسی رشد (۱). دانشگاه پیام‌نور، تهران، چاپ اول.
۷. فروزنده‌نیا، پریناز (۱۳۸۶). «چرا از امتحان می‌ترسیم؟» پیک بشارت، ماهنامه‌ی داخلی سازمان دانش‌آموزی استان آذربایجان شرقی.

به‌زبان آوردند. باز پرسیدم: «آیا اجازه می‌دهید این کلمه را روی تخته بنویسم تا شما ببینید و بنویسید؟» دانش‌آموزان اجازه ندادند و گفتند خودمان بلدیم. گفتم: «پس بنویسید!»

جمله‌های بعدی را نیز خودشان گفتند و نوشتند. من و دوستانشان تشویقشان کردیم. آن چند دانش‌آموز مضطرب هم نیز هم‌سو با دانش‌آموزان دیگر فعالیت می‌کردند. آموزگار کلاس اظهار داشت: «موقع املا این دانش‌آموزان با گریه‌های خود وقت کلاس را می‌گرفتند. خوش‌بختانه امروز با این روش، استرس را بین بچه‌ها مشاهده نکردم.»

به چند مدرسه‌ای که این روش در آن‌ها به اجرا درآمده است، مراجعه کردم. آموزگاران صد درصد موافق این شیوه بودند و دانش‌آموزان به آن علاقه داشتند. در چهره‌ی آن‌ها آثار موفقیت و تأثیر مثبت فعالیت نمایان بود. این موضوع چنان مرا تحت تأثیر قرار داد که هر جا در میان جمعی قرار می‌گرفتم (و می‌گیرم)، سخن از شیوه‌ی فوق به میان می‌آورم.

پیشنهادهایی برای همکاران

در روش «املای بدون ترس» مشکل کم‌رویی، اضطراب و استرس برطرف می‌شود و دیگر مشکلی با اولیا نخواهیم داشت. به علاوه، اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان از بین نمی‌رود، بلکه تقویت هم می‌شود.

آرامش در پنج

با چند راهکار می توان اضطراب ت



اشاره

قرار است خانم و آقا معلم‌ها، اضطراب و هیجانی برای تدریس نداشته باشند، هرچند حالا چند ماهی از شروع سال تحصیلی می‌گذرد، اما خیلی از معلم‌ها، به‌ویژه تازه‌کارها و کم‌تجربه‌ها، ممکن است باز هم در هر جلسه از شروع کلاس درس، با کمی اضطراب و هیجان دست‌وپنجه‌نرم کنند.

در این شماره، روی صحبت‌مان با همه‌ی خانم و آقا معلم‌هایی است که کلاس را با کمی هیجان شروع می‌کنند. ممکن است خیلی از این راه‌ها را بدانید و به آن هم عمل کنید، اما بد نیست به ۵۱ راه پیشنهادی دیگر نیز نگاهی بیندازید. شاید بعضی نکته‌ها جدید باشد و بعضی‌ها هم دوباره برایمان یادآوری شود.

۱. همیشه ۱۵ دقیقه زودتر از خواب بیدار شویم.
۲. برای آن که همیشه سر وقت حاضر شویم، همه‌ی ساعت‌هایمان را، اعم از ساعت مچی و ساعت‌های منزل، ۱۰ تا ۱۵ دقیقه جلو بکشیم. بعد از چند وقت، یادمان می‌رود که ساعت‌ها را جلو کشیده‌ایم. به این ترتیب، همیشه به‌وقوع سر قرار حاضر می‌شویم.
۳. کیفمان را شب قبل آماده کنیم. این توصیه‌ی همیشگی معلم‌ها به‌بچه‌هاست!
۴. مرتب باشیم؛ لباس‌هایی را که فردا قرار است بپوشیم، امشب آماده کنیم.
۵. راحت باشیم؛ لباس‌های راحت را انتخاب کنیم. لباس یا کفش ناراحت، تمرکز را به هم می‌زند و فرد را دچار اضطراب می‌کند.
۶. ورزش کنیم؛ اثر انجام چند حرکت

ورزشی بیش از مصرف داروهای آرام‌بخش است. این حرکات را می‌توانیم شب، پیش از خواب یا صبح قبل از خروج از منزل انجام دهیم.

۷. چند لحظه تمرکز کنیم؛ قبل از ورود به کلاس، چند لحظه صبر و تمرکز کنیم. با کشیدن چند نفس عمیق وارد کلاس شویم.

۸. به حافظه‌مان اعتماد نکنیم؛ همه‌ی کارهایی را که قرار است در طول روز یا در طول یک هفته انجام دهیم، اول روز یا هفته روی کاغذ بنویسیم و آن را روی یخچال، کنار آئینه‌ای که هر روز خودمان را در آن می‌بینیم و یا هر جای دیگری که در معرض دید است، بچسبانیم. روی هر کاری را که انجام می‌دهیم، خط بزنیم.

۹. فکرمان را درگیر نکنیم؛ سعی نکنیم همه‌چیز را به‌خاطر بسپاریم. فکر درگیر، مضطرب می‌شود. همان‌طور که در نکته‌ی قبل هم اشاره کردیم، مطالب مهم را یادداشت کنیم

۱۰. پیش‌داوری نکنیم؛ درباره‌ی مسائل پیش‌داوری نکنیم. مثلاً این فکر که این مبحث درسی سخت است و بچه‌ها آن را خیلی زود یاد نمی‌گیرند، در شما و دانش‌آموزانتان اضطراب ایجاد می‌کند.

۱۱. برای هر کاری برنامه‌ریزی کنیم، اما پیش‌داوری نه.

۱۲. نه بگوییم؛ اگر از قبل برای کاری برنامه‌ریزی کرده‌ایم، برنامه‌مان را تغییر ندهیم. خیلی سر راست به دیگران «نه» بگوییم. در غیر این صورت، به‌هیچ‌کدام از کارهای خود، نمی‌رسیم و مضطرب خواهیم شد.

۱۳. گاهی وقت‌ها از منزل یا مدرسه با

پیوند

شماره ۶
دوره ۱۲
اسفند ۸۸

۲۴

ماه و پیک قدمی

ساده، اما مفید
تدریس را از بین برد



ترجمه‌ی مهتاب خسروشاهی

۲۰. به تعویق نیندازیم؛ اگر احساس می‌کنیم لازم است کاری را انجام دهیم، چیزی را تغییر دهیم، نکته‌ای را با کسی در میان بگذاریم و... حتماً هر چه سریع‌تر این کار را انجام دهیم. به تعویق انداختن مسائل، باعث درگیری فکری و اضطراب می‌شود.

۲۱. کمک بگیریم؛ اگر برای انجام بعضی کارها، با وجود برنامه‌ریزی، فرصت کافی نداریم، حتماً از نزدیکان کمک بگیریم تا نگرانی ذهنی‌مان، روی نحوه‌ی تدریس یا رفتار ما با دانش‌آموزان تأثیر نگذارد. اضطراب معلم به دانش‌آموزان منتقل می‌شود.

۲۲. اگر علاقه‌ای به انجام کاری نداریم، آن را خیلی راحت کنار بگذاریم؛ حتی اگر این کار خود تدریس باشد! بی‌علاقگی به انجام هر کاری، فرد را دچار اضطراب می‌کند.

۲۳. به مشکلات به چشم فرصت و موقعیتی برای افزایش توان جنگ‌جویی نگاه کنیم و بکوشیم از این فرصت برای محک‌زدن اراده و توانمان استفاده کنیم.

۲۴. برای حل هر مشکل، راهکاری وجود دارد. پس بدون اضطراب در جست‌وجوی راهکار باشیم.

۲۵. دست‌پاچه نشویم؛ خیلی طبیعی است که گاهی پاسخ بعضی پرسش‌ها را ندانیم. پس دست‌پاچه و نگران نشویم و خیلی راحت به دانش‌آموزانمان بگوییم که پاسخ دقیق این سؤال، به کمی جست‌وجو و تفکر نیاز دارد و جلسه‌ی آینده پاسخ آن‌ها را خواهیم داد. اما هرگز یافتن پاسخ پرسش را فراموش نکنیم و حتماً جلسه‌ی آینده با جواب سر کلاس بیاییم.

۲۶. لبخند بزنیم؛ با آرامش و شادی روز را شروع کنیم، هر چند گاهی کمی سخت است.

عجله بیرون می‌رویم. به همین دلیل خوب است، از کلید منزل و ماشین و بعضی کلیدهای مهم دیگر، دو نمونه داشته باشیم که اگر یکی جاماند، مضطرب و نگران نشویم.

۱۴. همیشه در همه‌ی کارها اول باشیم. طوری برنامه‌ریزی کنیم تا دیگران برنامه‌شان را با ما تنظیم کنند. به این ترتیب، دچار اضطراب نمی‌شویم و بی‌دلیل وقت‌مان تلف نمی‌شود.

۱۵. هر چند استفاده از تجربه‌ی آموزگاران با سابقه کمک بزرگی است، اما ارتباط با افراد منفی‌نگر را قطع کنیم. افکار منفی و اما و اگرهای بعضی از آموزگاران، دلیلی برای ایجاد اضطراب است.

۱۶. برای انجام همه‌ی کارها زمان‌بندی کنیم؛ به‌ویژه برای تدریس در کلاس. داشتن فرصت کافی برای انجام هر کاری، آرام‌بخش است.

۱۷. به سلامت‌مان توجه کنیم. در ساعات‌های تفریح، حتماً سعی کنیم خوراکی سبکی میل کنیم. گرسنگی یکی از عوامل ایجاد اضطراب و عصبانیت است.

۱۸. نسخه‌برداری کنیم؛ همیشه از هر مدرک مهمی، مثل سؤال‌هایی که برای امتحان طرح می‌کنیم، یک کپی داشته باشیم. در این صورت، با گم شدن برگه‌ی اصلی، دچار اضطراب نمی‌شویم.

۱۹. نیازها را شرح دهیم؛ بعد از گذشت حدود یک هفته از شروع سال تحصیلی - حالا هم دیر نیست - توقع و انتظاراتمان را به بچه‌ها بگوییم. این‌که دوست داریم در کلاس چه رفتاری داشته باشند. به این ترتیب، با آن‌ها ارتباط بهتری هم برقرار می‌کنیم. حتی می‌توانیم با اهل منزل هم نکاتی را در میان بگذاریم تا با آرامش به کارهایمان برسیم.

پرونده

شماره ۶
دوره ۱۲
اسفند ۸۸

۲۷. برای هر اتفاقی آماده باشیم؛ حتی اگر این اتفاق فروریختن سقف کلاس روی سر خودمان یا بچه‌ها باشد. برای اتفاقات اضطراب نداشته باشیم و فقط آماده باشیم.

۲۸. سرگرمی داشته باشیم؛ برای کسب آرامش، حتماً باید نوعی سرگرمی انتخاب کنیم. مطالعه، ورزش، گردش با دوستان و... همگی تفریح‌های خوبی برای تجدید قوا و کسب آرامش هستند.

۲۹. آستر نقره بپوشیم؛ روان‌پزشکان عقیده دارند، بالا بردن اعتماد به نفس و به دنبال آن ثبات شخصیت، مثل آستری رویین، بدن را در مقابل اضطراب مقاوم می‌کند. پس به شیوه‌ی صحیح، اعتماد به نفسمان را بیفزاییم.

۳۰. با انرژی مثبت وارد کلاس شویم و درس را شروع کنیم. به این ترتیب، حتماً از دانش‌آموزان هم انرژی‌های مثبت دریافت می‌کنیم.

۳۱. کارهایی که باعث ایجاد شادی می‌شوند، انجام دهیم؛ حتی اگر این کارها به نظر خیلی ساده باشد؛ مثل خرید یک مداد، دفتر یا جاسویچی زیبا.

۳۲. قدم بزنیم؛ همیشه طوری برنامه‌ریزی کنیم که بعد از تمام شدن ساعت تدریس، مسافتی را پیاده‌روی کنیم. پیاده‌روی برای کاهش و کنترل اضطراب و تمرکز و تفکر، ورزش خوبی است.

۳۳. هوشیارانه تصمیم بگیریم؛ پیش از تصمیم‌گیری و مهم‌تر از آن اجرای تصمیم‌ها، به دقت تمرکز کنیم. فرقی نمی‌کند قرار است برای موضوع مهم و یا به ظاهر ساده‌ای تصمیم بگیریم. اضطراب ناشی از یک تصمیم اشتباه و تصحیح آن، همیشه بیش از اضطراب ناشی از سبک و سنگین کردن برای اجرای یک تصمیم است.

۳۴. به دور از خودخواهی، توانایی‌هایمان را باور داشته باشیم. این باور مانع از ایجاد اضطراب می‌شود.

۳۵. سرزنش نکنیم. تفکر منفی و سرزنش کردن، دو عامل مهم برای ایجاد اضطراب هستند؛ حتی در شرایطی که فکر می‌کنیم رفتار نادرستی با دانش‌آموزان یا همکارها

داشته‌ایم. بدون سرزنش خودمان، به فکر چاره باشیم. تلاش کنیم به تدریج با کسب تجربه در امر تدریس و کم شدن اشتباهات و دور کردن افکار منفی، اضطرابمان را از بین ببریم.

۳۶. اهدافمان را یادآوری کنیم؛ هر کس در زندگی، به‌ویژه زندگی حرفه‌ای‌اش، اهدافی را دنبال می‌کند. با یادآوری این اهداف، قدم‌ها را محکم‌تر برمی‌داریم و اشتباهات را زودتر و بهتر برطرف می‌کنیم.

۳۷. شوخ‌طبعی یکی از مهم‌ترین راهکارها برای کاهش و کنترل اضطراب است.

۳۸. در آینده زندگی نکنیم؛ اگر از ابتدای سال تحصیلی به نتیجه‌ای که قرار است

تغییر مثبتی در زندگی فردی- اجتماعی یا حرفه‌ای ما باشد، مضطرب نمی‌شویم. به این تازه‌ها به چشم فرصت و نه تهدید نگاه کنیم.

۴۱. چند لحظه سکوت؛ هر کس در ساعت‌هایی از روز، به خلوت نیاز دارد. این شرایط را به هر شکلی که دوست داریم، ایجاد کنیم. خلوت کردن با خود، راهی برای کاهش و کنترل اضطراب است. این کار به‌ویژه پس از هر روز تدریس، بسیار ضروری است. ایده‌های نو غالباً در آرامش به ذهن‌ها خطور می‌کنند.

۴۲. برای تدریس بهتر و برقراری ارتباط بیشتر با دانش‌آموزان، باید بکوشیم در تدریس و برقراری ارتباط با بچه‌ها به لحن خاصی



برسیم. این سبک یا لحن خاص، امضای ما در تدریس خواهد بود.

۴۳. به روز باشیم؛ زمانی که به عنوان آموزگار از تازه‌های کتاب، موسیقی، فیلم و... آگاه باشیم، راحت‌تر می‌توانیم با بچه‌ها ارتباط برقرار کنیم؛ حتی از همین ابزارهای ارتباطی هم می‌توانیم برای آموزش و پرورش بهتر بچه‌ها بهره بگیریم. پس گشت زدن در بازار تازه‌ها را فراموش نکنیم.

۴۴. شروع با طبیعت؛ برای این که فضای کلاس شاد و دوست‌داشتنی‌تر باشد، بهتر است هر از گاهی دسته‌گلی روی میز بگذاریم. این کار به ما و دانش‌آموزان آرامش می‌دهد. می‌توانیم چند گل‌دان گل در کلاس بگذاریم و همراه بچه‌ها از آن‌ها نگهداری کنیم. فضای آرام و دلچسب کلاس، مانع از ایجاد اضطراب

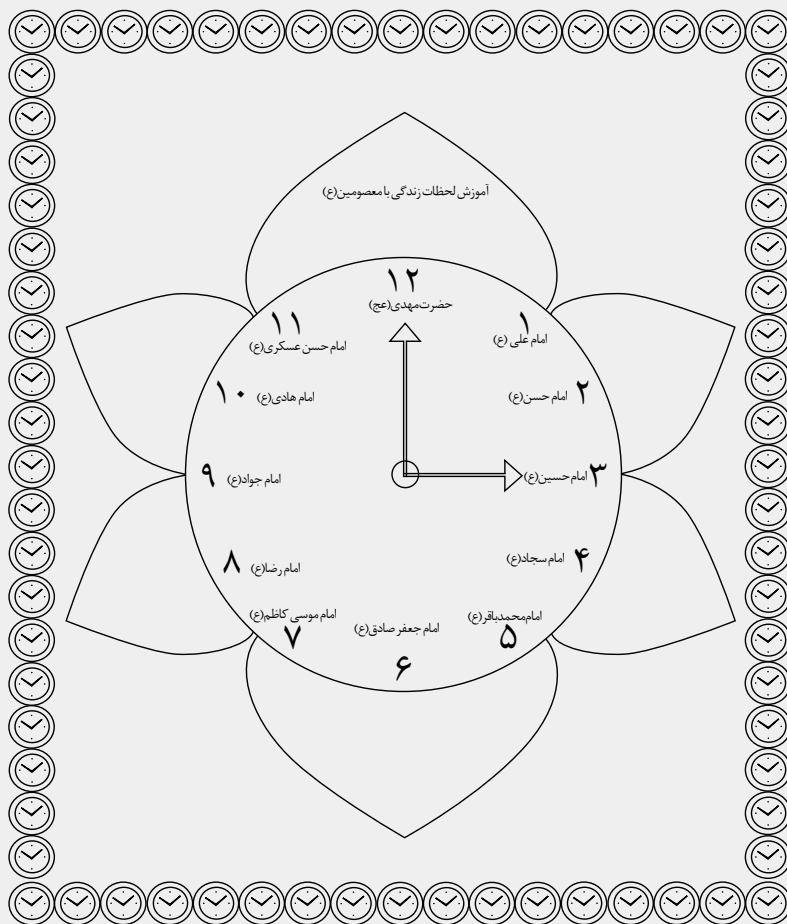
خودمان و دانش‌آموزانمان به آن برسیم، فکر کنیم. مضطرب می‌شویم و اضطراب باعث افت عملکردمان می‌شود. بنابراین، فقط با برنامه‌ریزی پیش برویم و به آینده‌ی خیلی دور فکر نکنیم. بعد از برگزاری اولین دوره‌ی امتحانات، می‌توانیم به راحتی شرایط را ارزیابی و در صورت لزوم تغییرات لازم را اعمال کنیم.

۳۹. برای انتخاب هر شیوه‌ی تدریس، ارائه‌ی هر نوع تمرین عادی یا فوق برنامه، ملاقات با والدین بچه‌ها، انجام هر رفتاری در کلاس و... هدف داشته باشیم. بی‌هدف بودن، یکی از دلایل ایجاد اضطراب است.

۴۰. از ارتباط‌های تازه استقبال کنیم؛ در اغلب موارد، روبه‌رو شدن با موقعیت‌ها یا افراد تازه، کمی اضطراب‌زا است. اما اگر باور کنیم که هر ارتباط و موقعیت نو می‌تواند زمینه‌ساز

یک ابتکار ساده برای تلفیق دینی و ریاضیات

مینا طبری، آموزگار دبستان سما، ناحیه ۲ ساری



سال هاست درباره‌ی آموزش تلفیقی مطالب متنوعی را می‌شنویم و می‌خوانیم. براساس آن چه آموخته‌ایم، آموزش تلفیقی به آن نوع از فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که در آن‌ها، هم‌زمان و ضمن آموزش مفهومی خاص به دانش‌آموزان، مفهوم یا مفاهیم دیگر نیز به صورت درهم تنیده و ناخودآگاه آموزش داده شود. اگر این نوع آموزش‌ها با زندگی روزمره‌ی بچه‌ها نیز گره بخورد، حاصل کار بسیار اثر بخش‌تر خواهد بود.

من با یک ابتکار ساده، دینی را با ریاضیات تلفیق کرده‌ام. در واقع ساعتی درست کرده‌ام که اعداد ۱ تا ۱۲ آن با نام امامان معصوم (ع) شماره‌گذاری شده است. هر وقت ریاضی درس می‌دهم، ضمن یاد دادن اعداد، خود به خود نام امامان معصوم (ع) نیز برای بچه‌ها مرور می‌شود. به عبارت دیگر، در درس ریاضی با یاد دادن اعداد همراه با آموزش دینی، مفهوم ساعت را نیز به دانش‌آموزانم می‌آموزم و به دلیل این که این ساعت، به عنوان وسیله‌ای آموزشی، همواره در مقابل دیدگان دانش‌آموزانم قرار دارد، آن‌ها به خوبی نام امامان، توالی و ترتیب آن‌ها و نیز مفهوم ساعت را می‌گیرند.

می‌شود.

۴۵. تنها نمانیم؛ با افزایش دایره‌ی ارتباطات، حس تنهایی و اضطراب از بین می‌رود. به‌ویژه اگر علاوه بر تازه‌کار بودن، به‌تازگی وارد مدرسه‌ای شده باشیم.

۴۶. برای تغییر شیوه‌ی تدریس هیچ‌وقت دیر نیست. اگر احساس می‌کنیم با روشی که تا حالا داشته‌ایم، بچه‌ها به نتیجه‌ی مطلوب نرسیده‌اند، به جای آن که مضطرب شویم، هرچه سریع‌تر روش تدریسمان را تغییر دهیم.

۴۷. توجه به ظاهر، آراستگی و نظافت، از مهم‌ترین نکته‌ها برای کسب آرامش است. علاوه بر این که با این کار الگوی خوبی هم برای دانش‌آموزانمان خواهیم بود.

۴۸. کار، هنر است؛ تدریس شکلی از هنر است؛ هنر برقراری ارتباط با جمع و آموختن به آن‌ها. پس به کارمان به شکل یک هنر نگاه کنیم

۴۹. به فشار و سختی که گاهی حین تدریس تحمل می‌کنیم، فکر نکنیم. به این نکته فکر کنیم که در این شرایط، چه قدر توانسته‌ایم از مهارت‌ها و توانایی‌هایمان استفاده کنیم.

۵۰. به حسمان اعتماد کنیم؛ اگر احساس می‌کنیم بچه‌ها از شیوه‌ی تدریس ما لذت می‌برند و با این شیوه‌ی تدریس مطالب را به‌خوبی فرامی‌گیرند، به حسمان اعتماد کنیم و روشمان را ادامه دهیم. مگر این که نتیجه‌ی امتحانات چیز دیگری را نشان دهد. در این صورت هم، بدون نگرانی و اضطراب فقط باید بکوشیم روشمان را تجزیه و تحلیل، و اشتباهات را برطرف کنیم.

۵۱. وقتی به منزل برگشتیم، مشکلات موجود کلاس و درس و مدرسه را کنار بگذاریم؛ حتی اگر ضروری است نکته‌ای را هرچه زودتر حل کنیم، به‌سرعت آن را انجام دهیم و از فکر درس و تدریس خارج شویم. درگیری فکری فقط باعث ایجاد و افزایش اضطراب می‌شود که خود عاملی بازدارنده است.

مره‌بقال و طوطی

در پیچ و خم الگوریتم‌ها

نگاهی به چگونگی استفاده از ادبیات کهن
با بهره‌گیری از الگوریتم‌ها در تدریس

افسانه رضوی، آموزگار دبستان ولی عصر (عج)، تهران

اشاره

می‌توان در آن اطلاعات را قرار داد و در هر لحظه از اجرای الگوریتم، محتویاتش را تغییر و مقدار جدیدی را در آن قرار داد. این ویژگی، کارایی ما را برای حل مسئله‌های پیچیده‌تر می‌افزاید.

فلوچارت

در عمل برای نمایش الگوریتم، از یک فلوچارت (نمودار جریان فرایند) استفاده می‌شود. در حقیقت فلوچارت، روش تصویری و استاندارد الگوریتم است. در رسم فلوچارت، علائم و نمادهای استاندارد به‌کار می‌روند که هر کدام معانی ویژه‌ای دارند.

از شکل بیضی افقی، برای شروع و پایان عملیات استفاده می‌شود. از شکل مستطیل، برای نشان دادن فعالیت و نوشتن عمل مورد نظر در داخل آن استفاده می‌شود. این نماد ممکن است چندین ورودی داشته باشد، ولی تنها یک خروجی دارد.

از نماد لوزی، برای نشان دادن مراحل تصمیم‌گیری استفاده می‌کنیم. هر تصمیم‌گیری یک مسیر «بله» و یک مسیر «خیر» دارد. از متوازی‌الاضلاع برای نشان دادن ورودی یا خروجی استفاده می‌شود. از دایره‌ی کوچک برای نشان دادن ادامه‌ی نمودار جریان فرایند در جای دیگر استفاده می‌شود. وجود حرف در دایره، بیانگر ادامه‌ی فرایند در همان صفحه و وجود عدد، بیانگر ادامه‌ی فرایند در صفحه‌ی دیگر است.

برای نشان دادن مسیر، از \bigcirc استفاده می‌شود.

مثال: الگوریتم اثر گرما بر مواد جامد

۰. شروع

۱. گوی را از حلقه رد کنید.

۲. گوی را با استفاده از چراغ الکلی حرارت دهید.

۳. بکشید تا دوباره گوی را از حلقه رد کنید.

انتشار سلسله مطالب «ازوپ در کلاس درس» در دوره‌ی قبل و مطالب دنباله‌دار «لافونتن در کلاس درس» در دوره‌ی حاضر و الگویی که در این دو مجموعه مطلب ارائه شده است، آموزگاران خوش‌ذوق سراسر کشور را بر آن داشته است که طرح‌ها و ابتکارات مشابه خود را به دفتر مجله ارسال کنند.

مطلبی که در پی می‌آید، الگویی ابتکاری است که توسط طراح آن، در کلاس درس به اجرا گذاشته شده است. خانم رضوی، علاوه بر سمت ارزشمند آموزگاری، مؤلف نیز هستند و آثاری چند از ایشان منتشر شده است. هم‌چنین، حتماً همکاران محترم در سال‌های اخیر، مجموعه داستان‌های تصویری وی با عنوان «قصه‌های شاهنامه» را در صفحه‌ی آخر مجله‌ی رشد نوآموز دیده و خوانده‌اند.

الگوریتم‌ها

برای حل مسئله‌های گوناگون توسط رایانه، باید آن‌ها را به‌صورت مراحل عملیاتی و تصمیم‌گیری ساده‌ای که رایانه قادر به اجرای آن باشد، در آورد. بدین ترتیب، فهرست مرتبی از مراحل عملیاتی به‌دست می‌آید که اجرای مرتب آن‌ها، به حل مسئله توسط رایانه می‌انجامد. این فهرست از مراحل عملیاتی و تصمیم‌گیری، الگوریتم نامیده می‌شود. در حالت کلی، الگوریتم باید ویژگی‌های زیر را داشته باشد:

(الف) کار ما را به نتیجه برساند.

(ب) در زمان محدود پایان یابد.

(ج) دستورالعمل‌هایش به ترتیب منطقی پشت سر هم قرار گیرند.

(د) جملات آن به صورت امری یا سؤالی باشد.

(ه) نقطه‌ی آغاز و پایان داشته باشد.

یکی از توانایی‌های رایانه‌ای، استفاده از خانه‌های حافظه است که

پیوند

دوره‌ی ۱۲
شماره‌ی ۶
اسفند ۸۸

۲۸

۴. گوی را درون آب خنک قرار دهید.

۵. حالا گوی را از حلقه رد کنید.

۶. اگر گوی رد نشد، به مرحله‌ی ۴ برگردید

۷. اکنون گوی را رد کنید.

۸. نتیجه‌گیری خود را در یک جمله بیان کنید.

۹. پایان

یک توضیح

عده‌ای معتقدند، در برنامه‌ریزی‌های آموزشی، می‌توان از فلوجارت به مثابه طرح درس نیز استفاده کرد. معلم با تهیه‌ی آن می‌تواند مرحله به مرحله کیفیت پیشرفت کلاس را در هدفی که دارند، ارزیابی کنند. البته باید در نظر داشت، این طرح درس عمدتاً رفتارگرایانه است و بسیاری از اتفاقات مهم فرایند یاددهی - یادگیری از جمله تعاملات دانش‌آموزان با یکدیگر و نیز با معلم، مدنظر قرار نمی‌گیرد.

با توجه به تعاریف ذکر شده، برای آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با ادبیات غنی ایران، و مطالعه‌ی با دقت، درک مطلب، آموزش نکته‌ی دستوری هر متن، و پرورش قوه‌ی ابتکار و خلاقیت دانش‌آموزان، تعدادی از داستان‌های کهن و با ارزش ایرانی بزرگانی چون مولوی، سعدی و فردوسی را ساده‌نویسی و برای نشان دادن جریان عملیات، از روش تصویری و استاندارد نمایش الگوریتم «فلوجارت» استفاده کرده‌ام.

به امید این‌که روشی باشد برای علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به مطالعه و ادبیات ایران.

مرد بقال و طوطی

یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ‌کس نبود. مرد بقالی یک طوطی داشت. این طوطی، خیلی قشنگ و زیبا بود و با مشتری‌ها حرف می‌زد. سخن گفتن طوطی سبب شده بود که مشتریان زیادی به مغازه بیایند. طوطی یار و دوست خوبی برای بقال بود. از مغازه‌اش هم مواظبت و نگهداری می‌کرد.

مشتری‌ها که وارد می‌شدند، طوطی به آن‌ها سلام می‌کرد و درود می‌فرستاد. برای همین، پیش همه عزیز و دوستی‌داشتنی بود.

یک روز که بقال خسته و بی‌حال شده بود، برای ناهار به منزل رفت. او می‌خواست در خانه، هم ناهار بخورد و هم استراحت کند. طوطی در دکان تنها ماند. بعد از مدتی حوصله‌اش سر رفت و صبرش تمام شد. طوطی از این طرف به آن طرف پرید و جست‌وخیز کرد. ناگهان بالش به شیشه‌ی روغن خورد، شیشه افتاد و شکست. طوطی ترسید و غمگین و ناراحت در گوشه‌ای نشست. وقتی بقال وارد مغازه شد، دید شیشه‌ی روغن شکسته است. برای همین، خیلی عصبانی و خشمگین شد و با چوب بر سر طوطی کوبید. در اثر این ضربه، پره‌های سر طوطی ریخت و او کچل شد. طوطی دیگر شاد و خوش حال نبود. ساکت و آرام در گوشه‌ای می‌نشست و حرف نمی‌زد. بقال از کاری که کرده بود، بسیار پشیمان و نادم شد. اما هر کاری کرد، طوطی حرف نزد. مدت‌ها گذشت، روزی مرد طاسی وارد مغازه شد، طوطی تا آن مرد را دید، جستی زد و گفت: «مگر تو هم شیشه‌ی روغن را شکسته‌ای که مواظبت ریخته است؟!»

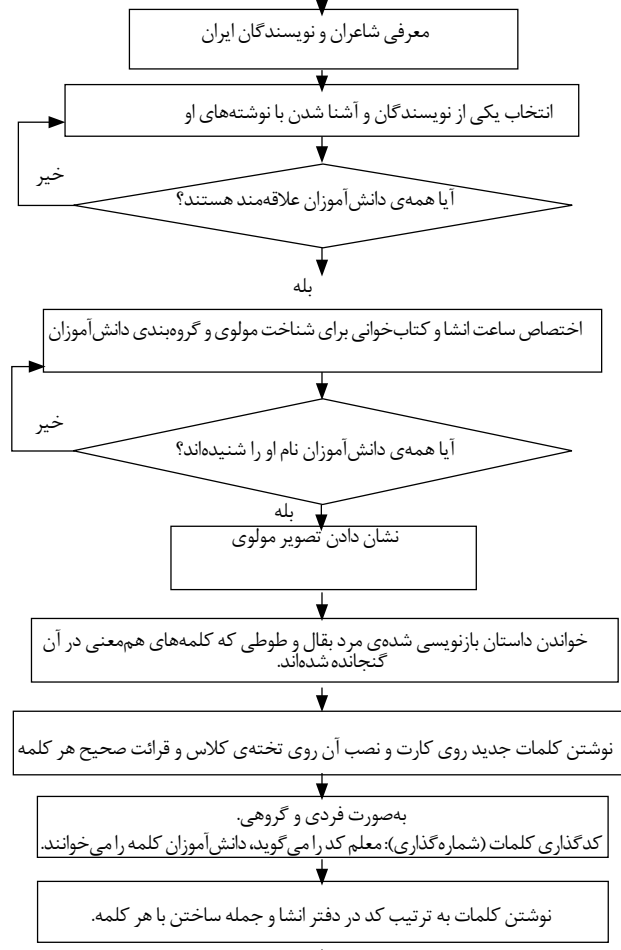
مرد با تعجب و حیرت به بقال نگاه کرد.

بقال داستان طوطی را برای او گفت و هر دو خندیدند.

برگرفته از مثنوی معنوی (با ساده‌نویسی و تبدیل نظم به نثر)



اهمیت کشور ایران و زبان فارسی



برنامه‌ریزی در خصوص ادبیات فارسی

فلوچارت جلسه اول

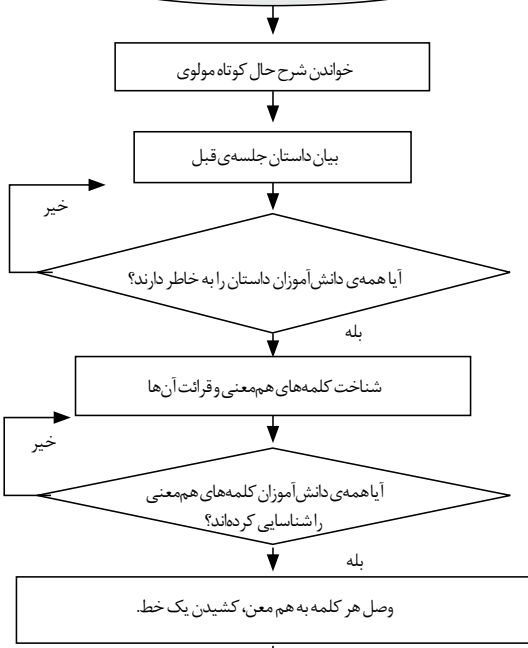
تمرین جلسه اول

کلمات جدید داستان «مرد بقال و طوطی» را (یک‌بار باکد و یک‌بار بدون کد) بخوانید.
بقال مشتری حوصله‌اش نادم
مرد طاس حیرت

بقال مشتری حوصله‌اش نادم مرد طاس حیرت
۳ ۴ ۶ ۲ ۵ ۱

هدف: ۱. خواندن کلمات جدید؛ ۲. مرتب کردن کلمات بر اساس حروف الفبا)

آشنایی با ادبیات فارسی، گسترش دایره‌ی دید در خواندن

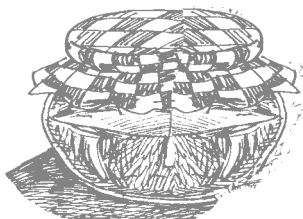


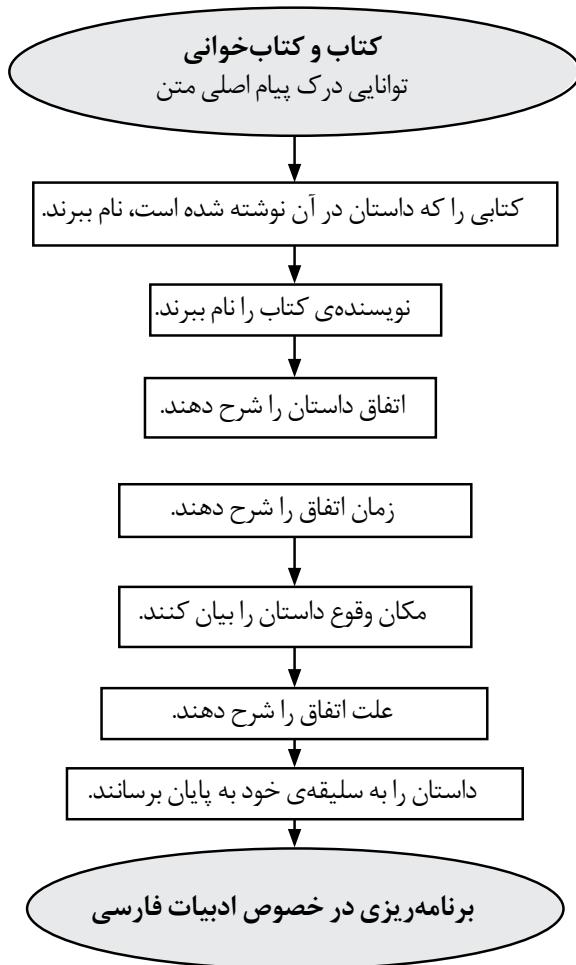
برنامه‌ریزی در خصوص ادبیات فارسی

فلوچارت جلسه دوم

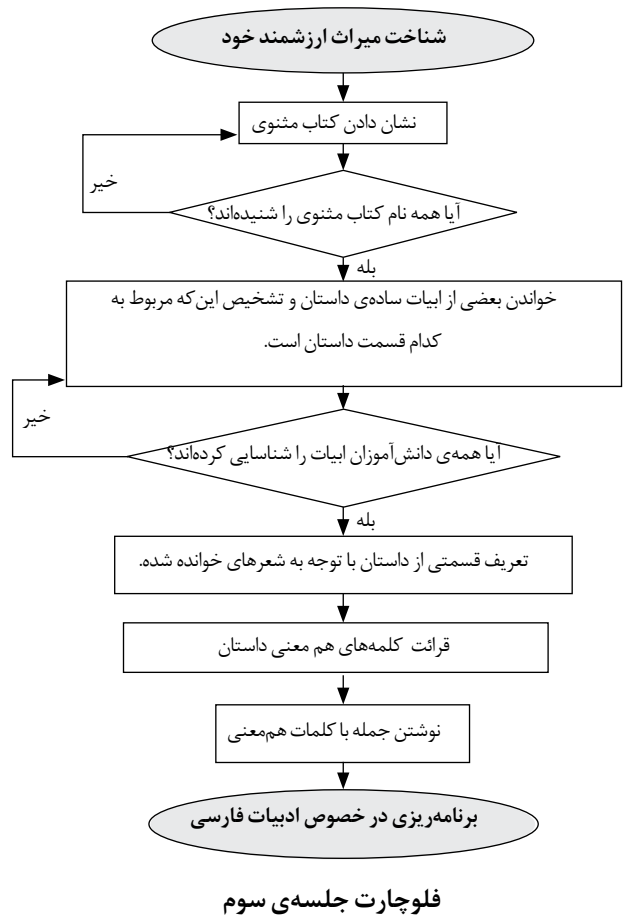
تمرین جلسه دوم

کلمات هم‌معنی را با کشیدن یک خط به هم وصل کنید.
قشنگ - حرف زدن - خانه - دوست داشتنی - سلام
درود - منزل - زیبا - سخن گفتن - عزیز
.....
تعجب - ناراحت - عصبانی - حوصله - ساکت
آرام - خشمگین - حیرت - صبر - غمگین
(هدف: شناخت کلمات هم‌معنی)





فلوچارت جلسه‌ی چهارم



تمرین جلسه‌ی سوم

هر دو کلمه را در یک جمله به کار ببرید.
(حوصله، صبر) - (حرف، سخن) - (سلام، درود)

این بیت‌ها به کدام قسمت داستان «مرد بقال و طوطی» مربوط است؟

در دگان، بودی نگهبان دگان
نکنه گفتی با همه سوداگران
در خطاب آدمی، ناطق بدی
در نوای طوطیان، حاذق بدی

(هدف: ۱. آمادگی برای انشائونویسی؛ ۲. تقویت درک مطلب)

تمرین جلسه‌ی چهارم

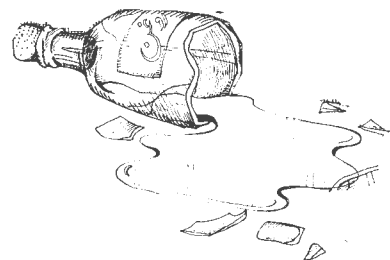
با یکی از داستانه‌ی کتاب مثنوی مولوی آشنا شدید. اگر شما جای مولوی بودید، داستان را چگونه به پایان می‌رساندید. داستان خود را بنویسید.

.....
.....
.....

(هدف: داستان‌نویسی و پرورش خلاقیت)

با توجه به داستان «مرد بقال و طوطی» به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱. چه کسی داستان را نوشته است؟
۲. نام کتابی که داستان در آن نوشته شده است، چیست؟
۳. چه اتفاقی افتاده است؟
۴. چه وقتی این اتفاق روی داده است؟
۵. کجا این اتفاق افتاده است؟
۶. چرا این اتفاق افتاده است؟
۷. چگونه این اتفاق افتاده است؟



کجا بایستم؟

یک بازی آموزشی ساده برای اجرا در پایه‌ی سوم ابتدایی

صغری دماندار، آموزگار دبستان زمزم، منطقه‌ی ۱۵ تهران

هدف‌ها

- * آموزش جهت‌های اصلی
- * تقویت سرعت عمل و همکاری
- * ایجاد نشاط و شادی.

نام درس: اجتماعی پایه‌ی سوم ابتدایی

وسایل: تعدادی کارت‌های مقوایی با رنگ‌های گوناگون در

اندازه‌های مساوی.

شیوه‌ی اجرا: این بازی در محیط بسته (کلاس) و محیط باز (حیاط مدرسه) قابل اجراست.

الف) محیط باز: در حیاط مدرسه، دایره‌ای بزرگ رسم می‌کنیم و روی آن، جهت‌های اصلی را با رنگ‌های متفاوت مشخص می‌کنیم، ولی نام آن‌ها را نمی‌نویسیم.

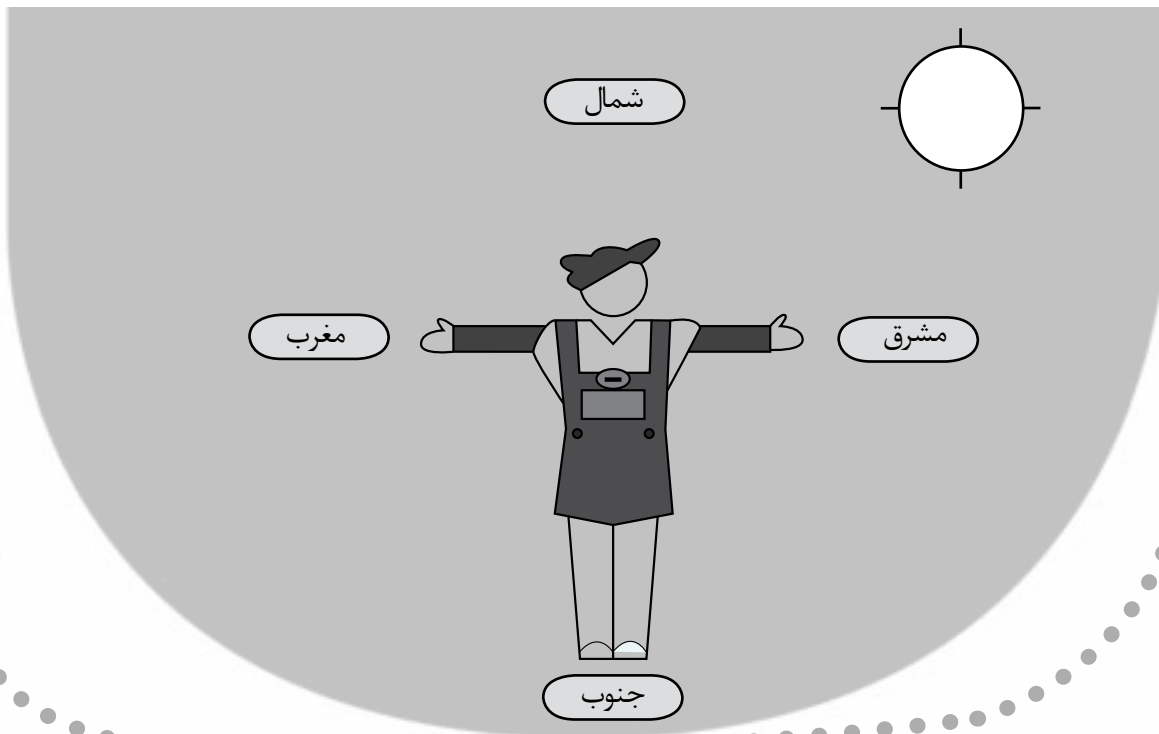
کارت‌هایی در اندازه‌های مساوی، با توجه به رنگ‌های روی دایره، از قبل تهیه می‌کنیم. روی هر کارت نام جهتی را می‌نویسیم. از چهار دانش‌آموز می‌خواهیم در مدت زمانی که برای آن‌ها مشخص کرده‌ایم، کارت‌ها را بردارند و با توجه به رنگ‌ها، روی دایره سر جای خود، قرار دهند. سرعت عمل در این بازی امتیاز دارد. اگر هر دانش‌آموز اشتباه کند، امتیازی از آن کم خواهد شد.

ب) در محیط بسته: دایره‌ای روی تخته سیاه رسم می‌کنیم و بازی را مانند مرحله‌ی قبل انجام می‌دهیم. در کلاس‌هایی که تخته‌ی مغناطیسی دارند هم می‌توان این کار را انجام داد، به شرط آن که پشت کارت‌ها را آهن‌ریا قرار دهیم.

این بازی، هم به صورت گروهی و هم به صورت انفرادی قابل اجرا هستند.

پرونده

شماره ۱۲
دوره‌ی ۶
اسفند ۸۸



با آموزش کاروان در مسیر رشد

شکوه تقدیسیان

پیشنهادهایی برای استفاده‌ی بهینه از مجلات رشد در پایه‌های سوم تا پنجم



- جدول و چيستنان
- کاردستی
- موضوع آزاد.

هر گروه سه نفری، مسئولیت تهیه‌ی یک بخش از روزنامه را به عهده دارد که با انتخاب موضوع مناسب، چه از مجله‌ی هم پایه‌ی خود و چه از سایر مجلات، مطلب را انتخاب می‌کنند و با هم‌یاری یکدیگر، روزنامه‌ی دیواری را کامل و در موعد مقرر به دیوار مدرسه نصب می‌کنند. معلمان و مسئولان مدرسه، با برگزاری مسابقه، بهترین روزنامه‌ی دیواری را انتخاب می‌کنند. ملاک‌های ارزش‌یابی که از قبل به بچه‌ها گفته می‌شوند، عبارت‌اند از:

۱. خط زیبا
 ۲. انتخاب سوژه‌ی مناسب
 ۳. حاشیه‌بندی و رنگ‌آمیزی
 ۴. نمونه‌سازی کاردستی انتخاب شده
 ۵. انتخاب لطیفه‌ی مناسب
 ۶. میزان تفاهم و همکاری گروهی
- این طرح در تمام طول سال قابل استفاده است. خصوصاً در جشن‌ها و اعیاد که هیجان و رقابتی سالم در بچه‌ها به‌وجود می‌آورد و گروه برنده مورد تشویق اولیای مدرسه قرار می‌گیرد.
- باید توجه داشت، برگزاری چنین مسابقاتی، رغبت بچه‌ها را به مطالعه‌ی مطالب مجله و نشریات بیشتر می‌کند. آن‌ها می‌کوشند هنگام مطالعه، با دید نقادانه، کیفیت مطالب را بررسی کنند و انتخاب مناسبی انجام دهند.
- مجله‌ی رشد ابتدایی، با تشکر از عباس کاظمی، معلم مبتکر و فعال، از سایر معلمان هم دعوت می‌کند تجربه‌های مفیدشان را در ارتباط با کاربرد مجلات رشد، به دفتر مجله ارسال کنند تا در موقعیت‌های مناسب، برای استفاده‌ی سایر همکاران، در مجله مطرح شود.

مجلات دانش‌آموزی رشد، در طرح‌های متنوع، قابلیت استفاده در کلاس‌های درس را دارند و می‌توانند در کنار برنامه‌های درسی، برای فعال‌تر کردن دانش‌آموزان، مفید و آموزنده باشند.

همواره معلمان عزیز دوره‌ی ابتدایی، طرح‌های جالبی درباره‌ی استفاده‌ی بهینه از نشریات رشد به دفتر مجله ارسال می‌کنند که به دلیل تعدد مقاله‌ها و تحقیق‌ها، از درج همه‌ی آن‌ها معذوریم. ولی می‌کوشیم ابتکارات جالب آن‌ها را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهیم. برای مثال، طرح آقای **عباس کاظمی** از منطقه‌ی اشتهارد کرج، قابلیت استفاده در پایه‌های سوم، چهارم، پنجم را دارد. این معلم علاقه‌مند و مبتکر که معلم آموزشگاه چند پایه‌ی «تربیت» است، بخشی از هدف خود را به ایجاد علاقه به مطالعه و خواندن معطوف داشته است. وی برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان، برنامه‌ای با عنوان «استفاده از مجلات رشد، در قالب روزنامه دیواری و به‌صورت گروهی» تنظیم کرده است. او با برداشت از یکی از نوشته‌های دکتر **علی رؤوف** درباره‌ی کتاب‌خوانی می‌نویسد: «مطالعه سریع‌ترین، مطمئن‌ترین و سودمندترین ابزار دست‌یابی به آگاهی‌های اجتماعی است که زندگی هوشمندانه‌ی هر کس را تضمین می‌کند. اگر ترویج کتاب‌خوانی با روش‌های تربیتی انجام پذیرد و عادت‌ها و مهارت‌های مطالعه در کودکان ایجاد شود، دیگر از فقر فهم و درک و شعور ناله نخواهیم کرد»

ایشان برای تشویق بچه‌ها به مطالعه‌ی مجلات رشد دانش‌آموزی، طرح روزنامه‌ی دیواری را به‌صورت گروهی به مرحله‌ی اجرا درآورده است. در این طرح، دانش‌آموزان پایه‌های سوم، چهارم و پنجم، در گروه‌های سه نفری شرکت دارند. آن‌ها بعد از مطالعه‌ی مجلات و در فرصتی پنج‌روزه، فهرستی برای موضوعات روزنامه‌ی دیواری تهیه می‌کنند که شامل مطالب زیر است:

- خلاصه‌ی داستان
- لطیفه به همراه کاریکاتور آن
- مطالب علمی، آموزشی و مذهبی به‌صورت خلاصه‌نویسی

مسئله‌ها حل می‌شوند...

لیلا سلیقه‌دار
دکترای برنامه‌ریزی آموزشی

اشاره

مهارت به معنی استفاده‌ی ماهرانه و توانمندانه از دانش است و بین مهارت‌های زندگی، مهارت حل مسئله و مهارت تصمیم‌گیری، از جمله مهارت‌هایی هستند که مصداق عملی و روشنی از این تعریف‌اند. این مهارت‌ها به نوعی نیز با برخی روش‌های تدریس نسبت مستقیم دارند. در این بخش از سلسله مطالب مهارت‌های زندگی برای آموزگاران، به این دو مهارت اشاره می‌شود.

که چگونه در برخورد با موقعیت‌های گوناگون، مناسب‌ترین انتخاب‌ها را داشته باشد تا در آینده و در موقعیت‌های خطرآفرین نیز بتواند به شایستگی عمل کند.

به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت، ایجاد فرصت‌های متعدد در کلاس درس که در آن‌ها دانش‌آموز به انتخاب، تصمیم‌گیری و حل مسئله مجبور شود، می‌تواند به توانمندی او بینجامد. هر چند نوع فرصت‌ها و چگونگی قرار دادن دانش‌آموز در معرض آن نیز از اهمیت و ظرافت بالایی برخوردار است.

زندگی مملو از موقعیت‌هایی است که آدمی را به انتخاب و تصمیم‌گیری وا می‌دارد. یک ساعت آموزشی را تصور کنید. معلم از ابتدا باید تصمیم بگیرد چگونه با دانش‌آموزان روبه‌رو شود، کدام فعالیت آموزشی را ابتدا انجام دهد، چگونه وضعیت درسی دانش‌آموزان را پی‌گیری کند، چگونه درس را آغاز کند و چگونه آن را ارائه دهد و به سرانجام برساند. این انتخاب‌ها در کنار ده‌ها انتخابی است که وی مجبور است در مواجهه با اتفاقات پیش‌بینی نشده در کلاس داشته باشد و به حل مسئله‌ای اقدام کند. در چنین حالتی، دو مهارت تصمیم‌گیری و حل مسئله در هم تنیده می‌شوند.

مهارت حل مسئله و کلاس درس

مهارت حل مسئله این توانایی را به فرد می‌دهد که با توجه به تجربه‌های عملی و قابلیت‌های ذهنی خود، بتواند در جهت حل مسئله یا مشکل قدم بردارد و به نتیجه‌ی مطلوب دست یابد. این مهارت یکی از مهم‌ترین ابزارهای مورد نیاز معلم در جریان یاددهی - یادگیری است. او می‌تواند از این طریق، هم بر مسائل اطراف خود فائق آید و هم با آموزش آن، به دانش‌آموزان خود کمک کند تا از یادگیری عمیق‌تر و ماندگارتری برخوردار شوند.

به این ترتیب به‌نظر می‌رسد، مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری دو مهارت نزدیک به هم هستند که در بسیاری موارد، استفاده از آن‌ها می‌تواند به ایجاد زندگی بهتر کمک کند و به ارتقای سازگاری فرد با خودش، با دیگران و محیط زندگی‌اش بینجامد.

حل مسئله دارای مراحل متفاوتی است که در کلی‌ترین شکل آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. **تعریف دقیق مشکلی که فرد با آن روبه‌روست:** این مرحله به اعتقاد صاحب‌نظران، از مهم‌ترین مراحل حل هر مسئله است، چرا که سایر مراحل، دقیقاً به شناسایی نوع مسئله مربوط می‌شود. شاید شما هم مانند بسیاری از معلمان و دانش‌آموزان، با شنیدن نام مسئله به یاد مسئله‌های درس ریاضی بیفتید. هر چند منظور از مسئله در این جا تمام مسائلی است که در زندگی روزمره با آن روبه‌رو می‌شویم، اما بد نیست برای روشن‌تر شدن موضوع، از این تشابه استفاده کنیم. در این صورت، لازم است به یاد آوریم که در گام اول بهترین راه برای آموزش حل مسائل ریاضی به دانش‌آموزان، آن است که به آن‌ها کمک کنیم تا

علاوه بر بزرگ‌سالان، کودکان نیز هر روزه با مسائل فراوانی روبه‌رو هستند که برخی ساده و برخی پیچیده‌اند. البته درجه‌ی پیچیدگی آن‌ها به تجربه‌های عملی فرد و نیز توانایی او مربوط می‌شود. اما آنچه مهم به نظر می‌رسد، این است که توانمند بودن فرد در رویارویی با مسئله، می‌تواند در حل مناسب آن تأثیر داشته باشد. مهارت حل مسئله و مهارت تصمیم‌گیری نیز (مانند سایر مهارت‌های زندگی) که از ابتدا به منظور پیش‌گیری از معضلات اجتماعی ایجاد شده است، به کودک می‌آموزد



مسئله به فرد کمک کند تا به راحتی متوجه اشتباهات احتمالی خود شود. یکی از نکات مهم در آموزش حل مسئله به دیگران، آن است که هرگز نباید با پیچیده کردن غیر منطقی مسئله و یا برآورد انتظار نامعقول از نتیجه، افراد را دچار دغدغه و اضطراب کرد و یا آن‌ها را وا داشت که برای حل مسئله‌ی خود، از راه‌های غیر سالم استفاده کنند.

برای مثال، آموزگاری در تجربه‌ی آموزشی خود می‌گوید: «پس از آشنایی با مهارت حل مسئله، تصمیم گرفتم دانش‌آموزانم را در معرض مسئله و پرسش‌های گوناگون قرار دهم. در یکی از فعالیت‌هایم، تعدادی معماران انتخاب کردم. هر بار یکی از آن‌ها را به دانش‌آموزان کلاس می‌دادم تا در موردش فکر کنند و بگویند راه حل آن را بیابند. می‌دانستم که معماها در حد سن بچه‌ها نیستند. از طرف دیگر، یک دوچرخه، جایزه‌ی کسی تعیین شده بود که بتواند معماهای بیشتری نسبت به سایر دوستانش حل کند. برایم بسیار عجیب بود که رضا، یکی از دانش‌آموزانم، به تمام معماها پاسخ درست می‌داد، در حالی که دیگران یک یا دو مورد پاسخ درست را، آن هم به کمک والدینشان، پیدا کرده بودند. این مسئله ذهنم را اشغال کرده بود.

به پنجمین معما رسیده بودیم که پدر و مادر رضا به مدرسه آمدند. نگران و غمگین بودند. یک ساعتی با هم صحبت کردیم و من در کمال تعجب و ناباوری، متوجه شدم که به خاطر تعیین سؤالات بالاتر از حد درک بچه‌ها و البته قرار دادن جایزه‌ی بسیار وسوسه‌انگیز، موجب شده‌ام که رضا در ساعات پس از مدرسه، به صورت پنهانی، به وسایل و نوشته‌های من دست بزند و برای این کار، مدت‌ها وقت صرف کند. از توجه و دقت

بتوانند تصور روشن و صحیحی از صورت مسئله داشته باشند. برای این منظور، معلمان معمولاً از دانش‌آموزان می‌خواهند داستان کوتاهی در مورد مسئله بسازند، یا صورت مسئله را به اجزایی تقسیم کنند و یا موضوع مسئله را با کشیدن نقاشی توصیف کنند. معلم در تمامی این فعالیت‌ها، کودک را به شناخت کامل مسئله و آنچه در آن به عنوان سؤال مطرح است، هدایت می‌کند.

۲. شناسایی و بررسی راه‌حل‌های موجود: در گام دوم، باید راه‌های متفاوتی که به حل مسئله می‌انجامند، شناسایی شوند. داشتن فهرستی از راه‌ها، این امکان را به فرد می‌دهد که بتواند منعطف باشد و از زوایای گوناگون به مسئله بنگرد. علاوه بر این، این کار باعث می‌شود تا مقایسه‌ی هر یک از راه‌ها و برآورد میزان و نوع نتیجه‌ی حاصل از هر یک با یکدیگر، به صورت منطقی‌تری صورت گیرد.

در این حالت، معمولاً معلمانی که از توانایی حل مسئله‌ی بالایی برخوردارند، از راه‌های غیرقابل پیش‌بینی و نامتعارف دانش‌آموزان در برخورد با مسائل گوناگون، استقبال می‌کنند. در چنین کلاسی، دانش‌آموزان نیز می‌آموزند و ترغیب می‌شوند که به گونه‌های دیگر به مسائل نگاه کنند و راه‌های متفاوتی را بیازمایند. این نکته به توانمندی ذهنی و تقویت اعتماد به نفس آنان نیز کمک می‌کند.

۳. برگزیدن و اجرای راه‌حل مناسب و ارزیابی فرایند حل مسئله: در این مرحله و بر اساس نتایجی که از مقایسه‌ی راه‌های متفاوت در مرحله‌ی قبل به دست آمد، نوبت به انتخاب و اجرای راه‌حل می‌رسد. نظارت بر چگونگی اجرای راه‌حل، می‌تواند در مرحله‌ی ارزیابی فرایند حل

والدین رضا تشکر کردم و برای همیشه تصمیم گرفتم تا شرایط درست ارائه‌ی مسئله به دیگران را رعایت کنم.»

دانش‌آموزانم سخت می‌کرد.»

تصمیم‌گیری در کلاس درس

تصمیم‌گیری نیز مانند حل مسئله، از جمله‌ی پرکاربردترین مهارت‌ها در زندگی و به‌ویژه در کلاس درس است. به شکلی که موفقیت هر فرد در زندگی، در گروه تصمیم‌گیری درست و به جای اوست. مهارت تصمیم‌گیری به ما کمک می‌کند تا با اطلاعات و آگاهی کافی با توجه به اهداف واقع‌بینانه‌ی خود، از بین راه‌حل‌های متفاوت، بهترین راه‌حل را انتخاب و به کار بگیریم و پذیرای پیامدهای آن نیز باشیم. به این ترتیب، باید اذعان کنیم که تصمیم‌گیری یکی از مراحل مهم در حل مسئله نیز به شمار می‌رود. در تصمیم‌گیری لازم است فرد ابتدا گزینه‌های متفاوت را تجزیه کند و عواقب و نتایج حاصل از آن‌ها را برشمارد. سپس با توجه به این که کدام گزینه از نتایج بهتر و آسیب‌های کمتری برخوردار است، دست به انتخاب بزند.

آن‌چه به تصمیم‌گیری معنا می‌دهد، آن است که فرد با بیش از یک انتخاب روبه‌روست و ناچار است از آن بین، انتخابی داشته باشد. او برای این کار اختیار دارد و می‌تواند بنا به انتخاب خود عمل کند. بر این اساس، می‌توان انتظار داشت که پس از انتخاب، به تصمیم خود متعهد بماند.

علاوه بر نکات یاد شده، باید توجه داشت که تصمیم‌گیری به معنای انتخاب گزینه‌ای نیست که هیچ اثر منفی ندارد. بلکه فرد با علم به عواقب آن و پیش‌بینی محدودیت‌های مربوط به آن تصمیم می‌گیرد و خود را آماده می‌کند تا بتواند به‌صورت آگاهانه‌تری با مسائل مربوط به انتخاب خود مواجه شود.

از دیگر نکات قابل توجه در این زمینه، این است که باید علاوه بر این که موقعیت‌های تصمیم‌گیری در توانایی فرد باشد، بلکه تعدد و پراکندگی آن‌ها به شکلی نباشد که مانع تمرکز ذهنی وی شود. به‌خاطره‌ی آموزشی دیگری در این باره توجه کنید:

«مدتی بود که قصد داشتم هم برای این که به تئوری هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری توجه کرده باشم و هم قدرت تصمیم‌گیری را در دانش‌آموزانم پرورش دهم، موقعیت‌های مناسبی را در کلاس ایجاد کنم. برای این کار، تصمیم گرفتم تکالیف متفاوتی را در پایان هر یک از درس‌ها طراحی کنم و از دانش‌آموزانم بخواهم تا به میل و علاقه‌ی خود، یکی از آن‌ها را برگزینند. این کار زمانی را از من می‌گرفت، اما مشاهده می‌کردم که در مورد تعدادی از دانش‌آموزانم، چندان تأثیر مثبتی ندارد. برای مثال، مریم دختری بود که همیشه بعد از کلاس، از من می‌خواست تا خودم یکی از تکالیف را برایش تعیین کنم. او می‌گفت که تمام روز را مجبور است در مورد هر تکلیف فکر کند و بنابراین، فرصت لازم برای انجام آن‌ها را از دست می‌دهد. شکایات برخی دیگر هم که به نوعی با همین مشکل روبه‌رو بودند، باعث شد تا به فهرست تکالیف نگاهی بیندازم. به نظر حق با آن‌ها بود. چون برای مثال، من برای یادگیری و تکرار کلمات یک درس، حدود یازده راه را پیشنهاد کرده بودم که هر کدام از راه‌ها با سایرین بسیار متفاوت بود و امکان تصمیم‌گیری را برای

اردوهای حل مسئله و تصمیم‌گیری

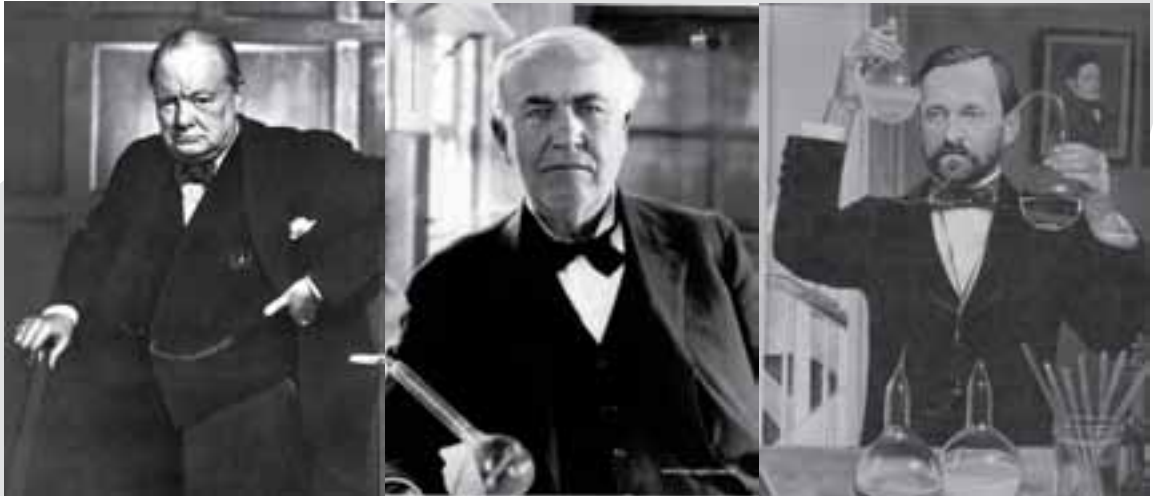
چنان‌چه اشاره شد، یکی از راه‌های آموزش و توانمندسازی مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری در دانش‌آموزان، ایجاد فرصت‌ها و موقعیت‌هایی است که آن‌ها به صورت عملی، این مهارت‌ها را تقویت کنند. بر این اساس و برای نمونه، می‌توان در روزهای خاص، در طول سال تحصیلی، کلاس‌هایی با موضوعات و عناوین متفاوت در مدرسه به‌صورت هم‌زمان برپا کرد تا دانش‌آموزان بتوانند بر اساس میل و انتخاب خود، در کلاس یا کلاس‌هایی شرکت کنند. اگر نام این فعالیت را اردوی یک روزه‌ی آموزشی در مدرسه بگذاریم، برنامه به این شکل خواهد بود که در یک روز خاص (و یا چند روز متفاوت و پراکنده در طی سال) هر کلاس ما در مدرسه نام خاصی می‌گیرد (مانند کلاس علوم تجربی، کلاس ریاضی، کلاس دینی، کلاس زبان فارسی، کلاس علوم اجتماعی، کلاس تاریخ، کلاس جغرافی و یا عناوین دیگری به‌جز نام کتاب‌های درسی). سپس برنامه‌های متفاوتی مانند کنفرانس علمی، کارگاه عملی، انجام آزمایش و... مربوط به هر موضوع، برای هر کلاس تنظیم می‌شود؛ به‌صورتی که زمان انجام هر برنامه در هر کلاس، با یکدیگر یکسان باشد و این امکان برای دانش‌آموز وجود داشته باشد که اگر می‌خواست زنگ اول در یک کلاس و ساعت بعد در کلاس دیگر حضور پیدا کند، در هر ساعت، برنامه‌ی مستقل و مجزای از ساعات قبل و بعد، طراحی شده باشد. برنامه‌ی هر یک از کلاس‌ها در ابتدای شروع روز در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد تا آن‌ها بر اساس تصمیم خود، برنامه‌های آن روز خود را در کلاس‌های متفاوت انتخاب کنند. معلم هر موضوع به همراه دانش‌آموزانی که از پیش به‌صورت داوطلبانه برنامه‌هایی را آماده کرده‌اند، در هر کلاس منتظر هستند تا فعالیت‌های خود را در اختیار سایر دانش‌آموزان علاقه‌مند قرار دهند. این اردوی آموزشی، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا علاوه بر دستیابی به اطلاعات تازه در مورد موضوعات مورد علاقه‌ی خود، به رشته‌های دیگر نیز علاقه‌مند شوند. شاید این کار تمایلی ماندگار به یک موضوع خاص را در آنان ایجاد کند. هم‌چنین، فرصتی بسیار متنوع و جالب توجه را برای آنان فراهم می‌کند تا به‌صورت عملی تصمیم بگیرند و انتخاب کنند.

در چنین فعالیتی، می‌توان کلاس یا کلاس‌هایی را به کارگاه حل مسئله اختصاص داد. در این کارگاه‌ها، دانش‌آموزان ضمن رویارویی با مسائلی اعم از درسی، اجتماعی، فردی و... با گام‌های حل مسئله آشنا می‌شوند. هم‌چنین، در این اردوی پیشنهادی می‌توان کارگاه حل مسئله را به دل هر یک از کلاس‌ها برد و در تمام موضوعات، زمانی خاص را برای این موضوع در نظر گرفت.

بدیهی است، مطالعه‌ی این پیشنهاد، راه‌های متنوع و اثرگذار بسیار دیگری را در ذهن شما ایجاد کرده است. نباید فراموش کرد که ایجاد چنین تجربه‌هایی در مدرسه، به دست توانای معلم امکان‌پذیر است و غیرقابل انکار است که انجام چنین فعالیت‌هایی، به‌طور مستقیم در یادگیری عمیق و ماندگار دانش‌آموزان مؤثر خواهد بود.

این همه شاهد کافی نیست؟

نوشته‌ی دونالد استیونز
ترجمه‌ی پروین قائمی



یک بار دیگر این درس‌ها را مرور کنیم:

- به **لوئیزا می آلکوت**، نویسنده‌ی کتاب زنان کوچک، پیشنهاد شد که به جای نویسندگی، بهتر است برود در خانه‌ای کلفتی کند.
- **بتیوون** نمی‌توانست ویولن را درست در دستش نگه دارد و ترجیح می‌داد به جای پیدا کردن مهارت در نوازندگی، آهنگ‌هایی را تصنیف کند. معلم موسیقی‌اش اعتقاد داشت که او «هیچی» نمی‌شود.
- پدر و مادر خواننده‌ی مشهور اپرا، **انریکو کاروزو**، دلشان می‌خواست پسرشان مهندس شود و معلم او هم معتقد بود، او نفسش در نمی‌آید، چه برسد به این که بتواند بخواند.
- **داروین**، حرفه‌ی پزشکی را رها کرد و پدرش به او گفت: «تو به هیچ دردی نمی‌خوری، جز این که به شکار بروی و سنگ و کلوخ جمع کنی.» او در شرح حالش می‌نویسد: «همه‌ی معلم‌های من معتقد بودند که من بچه‌ای کاملاً معمولی و حتی زیر متوسط هستم.»
- سردبیر یک نشریه، **والتر دیسنی** را به دلیل «عدم خلاقیت» اخراج کرد. او بارها قبل از این که دیسنی لندن را بسازد، ورشکست شد.
- معلمان **ادیسون** معتقد بودند که او بچه‌ی کودنی است!
- **اینشتین** تا چهار سالگی نمی‌توانست حرف بزند و تا هفت سالگی نمی‌توانست بخواند. معلمانش معتقد بودند، او خنگ است و دائماً خیال‌پردازی‌های احمقانه می‌کند. او را از مدرسه بیرون کردند و در

دانشکده‌ی پلی‌تکنیک زوریخ نپذیرفتند.

- **پاستور**، شاگرد بسیار متوسطی بود و در درس شیمی، همیشه ۱۳ می‌گرفت.
- درس **نیوتن** در مدرسه بسیار بد بود.
- پدر **رودن**، مجسمه‌ساز معروف، می‌گفت: «بچه‌ی من یک احمق به تمام معنی است.» او سه بار در امتحان ورودی مدرسه‌ی هنر روزه شد.
- **تولستوی**، نویسنده‌ی جنگ و صلح، به خاطر بی‌استعدادی، از دانشگاه اخراج شد. در ورقه‌ی اخراجش نوشته بودند، او هرگز نخواهد توانست چیزی بخواند یا بنویسد!
- **هنری فورد**، قبل از این که موفق به اختراع اتومبیل شود، پنج بار ورشکسته شد.
- **چرچیل** در کلاس ششم دبستان روزه شد. او در سن ۶۲ سالگی و پس از عمری شکست و عقب‌نشینی، نخست‌وزیر شد.
- هجده ناشر از چاپ شاهکار بی‌نظیر ریچارد باخ، «جانانان، مرغ دریایی»، خودداری کردند تا سرانجام در سال ۱۹۷۰، **مک‌میلان آن** را چاپ کرد. تا سال ۱۹۷۵، هفت میلیون نسخه از این کتاب به فروش رفت!
- راستی نباید از این که باز هم کسی به دانش‌آموزانمان بگوید «نمی‌توانید»، برآشفته شویم؟



دکتر علی اکبر شعاری نژاد

نظریه پردازی

در حوزه‌ی آموزشی - پرورشی



کاملاً معینی دارد و نه به اشخاص معینی مثلاً استاد دانشگاه اختصاص دارد. اما محصول علوم را می‌توان «تولید» نامید. به این معنا که مثلاً فیزیک یا شیمی، به‌عنوان یک علم، به شخص یا کشور معینی اختصاص ندارد. لیکن ممکن است هر کشوری با استفاده از یافته‌های آن‌ها محصول خاصی تولید کند و به بازار مصرف بفرستد.

هر دانشمندی پیش از آغاز پژوهش‌های خود درباره‌ی موضوعی خاص، معمولاً از هرگونه داوری و اظهارنظر قطعی در مورد آن موضوع پرهیز می‌کند، مگر این‌که ممکن است بگوید: «احتمالاً چنین یا چنان

می‌دانیم که معادل فارسی علم science «دانش» است که معمولاً دارنده‌ی آن را «دانشمند» می‌خوانند. در برخی نوشته‌ها دانش را معادل «knowledge» به کار می‌برند که احتمالاً اشتباه است، زیرا معادل درست آن، «معرفت» یا «شناخت عمومی» و یا «معلومات عمومی» است. برای پی بردن به تعریف معتبر این‌گونه مفاهیم یا اصطلاحات، عمدتاً باید به کتاب‌های «فلسفه‌ی علم» مراجعه کرد.

علم به معنای موردنظر این مقاله، به شناختی گفته می‌شود که با روش یا روش‌های خاص به دست می‌آید که عمدتاً محصول مشاهدات کنترل شده نه تصادفی و آزمایش، نه تجربه است. به عبارت دیگر، همه‌ی مردم مثلاً درباره‌ی خودشان و دیگران شناخت‌هایی دارند، از این‌گونه: فلانی آدم پررو یا کم‌رو، سخی یا خسیس یا بخیل، خوش‌بین یا بدبین و... است. لیکن این شناخت را «علم» یا «دانش» (روان‌شناسی) تلقی نمی‌کنند، چون عمدتاً محصول تجربه یا برخوردهای تصادفی شخصی است و بیشتر برای همان گوینده اعتبار دارد. در صورتی که روان‌شناسی به‌عنوان یک علم، وقتی آن‌ها را در مورد شخص یا اشخاصی به کار می‌برد که با روش‌های علمی ویژه‌ی پژوهش‌های روان‌شناسی از قبیل مشاهده‌ی کنترل‌شده‌ی چندین نفر و در شرایط خاص و آزمایش به‌وسیله‌ی آزمون‌های ویژه‌ی این حالات، شناختی را به دست آورده باشد. به‌عبارت دیگر، داوری قطعی در حوزه‌ی علوم، مخصوصاً علوم معروف به انسانی، اعتباری ندارد و حتی برای داور، مسئولیت سنگینی دارد. بنابراین، در به کار بردن اصطلاح «دانش» و دانشمند یا علم و عالم، باید بسیار محتاط بود.

با توجه به این مقدمه درمی‌یابیم، «علم» نوعی فرایند است که در گذشت زمان به دست می‌آید، ممکن است قابل پیش‌بینی دقیق نباشد و نمی‌توان آن را «تولید» کرد. چون چنین علمی، نه همگانی است، نه جایگاه

★ نظریه، شناخت هر علم است. هر شناختی که بر یک یا چند نظریه (تئوری) مبتنی نباشد، معمولاً علم تلقی نمی‌شود

بنابراین، نظریه‌پردازی در حوزه‌ی آموزش - پرورش، همانند سایر علوم و معارف، فرایند تولید نیست که فرد یا گروهی در اتاق در بسته‌ای بنشینند و صرفاً با اندیشیدن در آموخته‌های خود، نظریه‌ای را به‌وجود آورد و برای دیگران مطرح کند. لیکن نظرپردازی به این شکل امکان‌پذیر است و آن هم برای شخص یا گروه طراح نظر، اعتبار دارد. و این که در متن‌های علمی آموزش - پرورش، به معلمان در همه‌ی دوره‌ها یا سطوح آموزشی توصیه می‌شود که حتماً با نظریه‌های (تئوری‌های) تربیت یا آموزش - پرورش آشنا باشند، به سبب اعتبار یافته‌های آن‌هاست که طبعاً مبانی حرفه‌ی معلمی تلقی می‌شوند. به عبارت دیگر، فعالیت‌های آموزشی معلم در همه‌ی مراحل تحصیلی، طبعاً زمانی مؤثر خواهد شد که بر نظریه‌هایی (تئوری‌هایی) در روان‌شناسی و آموزش - پرورش و منطق تربیت و سایر معارف مرتبط، مبتنی باشند. البته ممکن است برخی از معلمان شخصاً به پژوهش‌هایی در مورد فعالیت‌های آموزشی خود بپردازند و به نظریه یا نظریه‌هایی دست یابند که این آرمان ارزشمندی در آموزش - پرورش یک جامعه است.

به همین سبب توصیه می‌شود، در مراکز تربیت معلم کشور، حتماً درسی با عنوان «روش‌های پژوهش در حوزه‌ی مسائل واقعی آموزش - پرورش» منظور شود و آموزش و یادگیری نظری و عملی آن را بسیار جدی تلقی کنند. بدیهی است که در این درس، به مطالبی از این گونه خواهند پرداخت:

- ★ مسئله به ویژه مسئله‌ی تربیتی
- ★ چگونگی تشخیص مسئله‌ی واقعی از شبه مسئله یا مسئله‌ی کاذب
- ★ روش تحلیل مسئله
- ★ چگونگی و روش تبیین مسئله
- ★ چگونگی ارزیابی راه‌حل‌های احتمالی و انتخاب راه حل مناسب مسئله‌ی موردنظر
- ★ ضرورت پرداختن جدی به امور مذکور در حوزه‌ی آموزش - پرورش

- ★ یافته‌های کاربردی این پژوهش
 - ★ پیش‌بینی یا پیشنهاد روش‌ها و راهبردهای این کاربرد
 - ★ ارزش‌یابی پس‌اندازه‌های (فیدبک) این کاربرد
- در همه‌ی مراحل یا گام‌های هر گونه پژوهش باید:
- هزینه‌ی احتمالی را پیش‌بینی کرد.
 - منابع و چگونگی تأمین این هزینه را روشن کرد.
 - چگونگی صرف این هزینه را پیش‌بینی کرد.
 - از هر گونه اسراف یا هزینه‌های بی‌مورد پرهیز کرد که خیانت به جامعه است.

آموزش - پرورش، خصوصاً در دوران کودکی، مؤلفه‌ی کلیدی اصلاح و بهبود منش و شخصیت است.

باشد یا نباشد.» حال برای رسیدن به مرحله‌ای که بتواند به نظر خودش قابل قبول باشد، باید ابتدا از پژوهش‌های خود به حدسیاتی برسد و فرض‌ها یا فرضیه‌هایی برای خودش مطرح کند که اعتبار موقتی دارند، ولی هنوز نمی‌تواند به آن یافته‌ها اعتماد کند. به پژوهش‌های خویش در همین موضوع ادامه می‌دهد و به داده‌های نوینی می‌رسد. همین که خود این دانشمند پس از پژوهش‌های متعدد به مرحله‌ای رسید که به یافته‌هایش یقین کرد و روابط پایدار یا قانون‌های موجود در چگونگی پیدایش موضوع مورد پژوهش خود را کشف و باور کرد، مجموع یافته‌های خود را بیان می‌کند. این گفتار یا نوشتار را «نظریه» یا «تئوری» می‌گویند که به نام آن دانشمند معروف می‌شود؛ مانند «نظریه‌ی نسبیت اینشتین» و «نظریه‌ی جاذبه‌ی نیوتونی» در واقع، هر تئوری یا نظریه، پاسخی است به این پرسش: «چرا این چنین یا آن چنان است؟» یا «چرا این چنین یا آن چنان شده است؟» به عبارت دیگر، نظریه که محصول مدت‌ها، گاهی چند و چندین سال است، چرایی و چگونگی پیدایش یک چیز یا رخ دادن یک حادثه را به اختصار تبیین می‌کند. پس به این ترتیب ملاحظه می‌کنیم، «نظریه» تولید کردنی نیست و دفتر و اتاق ویژه ندارد، بلکه در طول زمان و پیمودن مراحل پژوهشی متعدد، به ذهن دانشمند و یا دانشمندانی می‌رسد.

به باور دانشمندان نظریه‌پرداز (تئورسین)، هر نظریه‌ی مثبت (یا به قولی خوب)، نظریه‌ای است که: ۱. جامع باشد یا از جامعیت نسبی برخوردار باشد؛ ۲. ابطال‌پذیر باشد؛ به این معنا که هیچ نظریه‌ی معتبری خود را «بدی» (همیشگی) تلقی نمی‌کند. ناگفته نماند که گاهی در برخی گفتارها و نوشتارها، کلمه‌ی «نظرات» به کار برده می‌شود و حتی گاهی آن را مترادف «نظریات» تلقی می‌کنند! غافل از این که نظرات جمع «نظره» (یک نگاه) است، نه جمع «نظریه». معادل یا ترجمه‌ی «تئوری» (theory)، نظریه یا نظر، محصول تجربه‌ی تصادفی فردی است، نه نتیجه‌ی پژوهش علمی. مثلاً شاید همه‌ی شهروندان ایرانی درباره‌ی چگونگی کارکرد مدارس، نظر یا نظریه‌ی (انظاری) داشته باشند، لیکن هیچ کدام از آن‌ها را «نظریه» نمی‌گویند. چون عمدتاً محصول برداشت‌ها یا تجربه‌های اشخاص در برخورد با مدارس فرزندان‌شان است نه پژوهش علمی، اعتبار علمی هم ندارند.

اما نظریه‌پردازی در حوزه‌ی آموزش - پرورش، به این معناست که فرد یا گروه تربیت شده و آماده برای پژوهش در فرایندها و مسائل آموزش - پرورش یک کشور یا یک منطقه، پس از تعیین و انتخاب فرایند یا مسئله‌ی تربیتی خاص، مثلاً چگونگی و چرایی افت تحصیلی در مرحله یا کلاس ویژه‌ای، با روش‌های علمی مطلوب به تحقیق موردنظر می‌پردازد. حتماً مشروط بر این که پژوهشگر (محقق)، سابقه‌ی تدریس در آن مرحله یا دوره را داشته باشد. به عبارت دیگر، برای هر گونه تحقیق در حوزه‌ی آموزش - پرورش، حتی در سطح مدیریت، برخورداری محقق از سابقه‌ی تدریس نسبتاً مطلوب، ضروری است و صرفاً تحصیل در رشته‌ی پژوهشگری، با هر مدرک تحصیلی، هرگز برای پژوهش در حوزه‌ی آموزش - پژوهش کفایت نمی‌کند. باید معلم بود و معلمی کرد تا مسائل واقعی آموزش - پرورش را دریافت و به پژوهش درباره‌ی آن‌ها پرداخت.



علی کوچولو و بارون بهشت

علی کوچولو بس که به یاس رازقی التماس کرد، خسته شد: «ماهی قرمز کوچولو! تو رو به خدا به رازقی بگو گل بده، شاید حرف تو رو گوش کنه.»

ماهی قرمز از جایش تکان نخورد. همان طور گوشه‌ی حوض کز کرده بود و جم نمی خورد. علی خیلی نازش کرد. آب حوض را هم عوض کرد تا دل ماهی کوچولو را شاد کند، ولی فایده نداشت.

«پس من چه کار کنم؟ نسترن خانم! شما بگین چه کار کنم؟»

نسترن خانم که تا چند روز پیش، گل‌های مخملی قرمزش را روی آلاچیق بالای حوض کاشی باز کرده بود و با نسیم بهاری رقصیده بود، آهی کشید و حرفی نزد.

علی به سراغ دوچرخه‌اش رفت. پراز خاک شده بود. نا نداشت حرکت کند. دلش گرفت. فکر کرد باید چه کار کند تا دل همه‌ی آن‌ها را شاد کند. رفت شلنگ آب را برداشت و روی همه‌ی آن‌ها آب پاشید. خیس خیس شدند، اما دل هیچ کدام شاد نشد. نه رازقی گل داد، نه ماهی قرمز تکان

خورد و نه نسترن خانم به حرف آمد. علی کوچولو خودش هم خیس شد، ولی دلش شاد نشد.

* * *

اگر مادر می‌خندید، اگر نوازشش می‌کرد، حتماً دلش شاد می‌شد. آن وقت می‌فهمید چه طور دل بقیه را هم شاد کند. علی کوچولو خانه‌سازی‌هایش را آورد تا با آن‌ها یک خانه‌ی بزرگ بسازد، خانه‌ای که در آن همه بخندند. اما هر چه مکعب‌ها را روی هم سوار می‌کرد، می‌ریختند و خانه‌اش خراب می‌شد. چشم‌های علی تر شده بودند. فکر کرد یک هواپیما بسازد، سوار آن بشود و پیش مادر برود، ولی هواپیمایش هم خراب شد.

* * *



از دواج چوپان

شهین صادقی

آموزگار دبستان ستاره‌ی نبوت، آبادان

چوپانی بود که گاه‌گاهی فریاد می‌زد: «مادر جان! مادر جان! من زن می‌خوام!»

وقتی مادرش می‌خواست به خواستگاری کبری یا کوکب برود، قاه‌قاه می‌خندید و مادر می‌فهمید که دروغ گفته است! از قضا روزی چوپان تصمیم گرفت که از دواج کند، ولی کبری تصمیم خود را گرفته و با حسنک از دواج کرده بود. کوکب نیز زن دهقان فداکار شده بود؛ چون کوکب خانم زن با سلیقه‌ای بود.

چوپان دروغگو که تنها شده بود، به زیر درختی نشست که کلاغ‌ها بالای آن بلوتوت بازی می‌کردند و روباه با یک نقشه‌ی حساب شده از کنار آن‌ها می‌گذشت.

علی کوچولو هر چه چشم‌هایش را خشک می‌کرد، باز هم تر می‌شدند. این بار حس کرد دستش هم تر شده است. آخر دست که چشم نداشت تا گریه کند! اما دستش تر و بعد خنک شد. خنکی خوبی مثل وقتی که مادرتوی صورتش فوت می‌کرد تا موهایش از روی چشم‌هایش عقب بروند.

علی صدای مادر را شنید: «این یک قطره از بارون بهشته که پشت دستته. پاشو بریزش توی کاسه‌ای که بهت دادم.»

علی کاسه‌ی سفالی آبی‌رنگی را که مادر، همیشه نانج سفره‌ی هفت‌سین را توی آن می‌انداخت و آخرین بار با آن به او آب داده بود، از پای بوته‌های گل محمدی که حالا خشکیده بود، آورد و قطره را در آن سُر داد. بعد به قطره که ته کاسه مثل آینه برق می‌زد، نگاه کرد و عکس خودش را در آن دید.

* * *

علی کاسه را پر از آب کرد. آب کاسه، یکمرتبه سبز سبز شد؛ مثل بهشت. علی کاسه‌ی آب را پیش رازقی برد و گفت: «بخور. مادر از بهشت فرستاده.»

رازقی آب را خورد و خندید و پر از گل شد. علی کوچولو کاسه‌ی آب را دم پاشویه‌ی حوض گذاشت و یک مشت از آب آن را در حوض ریخت. ماهی قرمز از جایش بلند شد، خندید و بالا پرید و یکمرتبه حوض پر از ماهی‌های قرمز کوچولو شد. ماهی کوچولو گفت: «علی کوچولو! به نسترن خانم هم آب بده.»

علی پای بوته‌ی نسترن آب ریخت و همه‌ی آلاچیق بالای حوض کاشی، پر از گل شد. باغچه را هم پر از آب کرد و خانه پر از بوی گل محمدی شد. هر کس از در خانه‌ی علی رد می‌شد، بو می‌کشید و می‌گفت: «به به چه بویی! بوی بهار میاد.»

* * *

علی کاسه‌ی آب را دستش گرفت و همه‌ی دیوارهای سیاه شهر را شست. همه دیوارهای شهر پر از گل محمدی شدند؛ صورتی و سبز.

علی صورت همه‌ی بچه‌های شهر را که از زور گریه کثیف شده بودند، با آبی که مادر از بهشت فرستاده بود، شست. حالا دیگر همه‌ی بچه‌ها می‌خندیدند. بزرگ‌ترها هم آمدند و پشت در خانه‌ی علی جمع شدند. علی در خانه را باز کرد و از باران بهشت به آن‌ها هم داد. حالا دیگر همه‌ی مردم شهر شاد بودند و می‌خندیدند. همه‌جا بوی بهار پیچیده بود. همه‌جا بوی مادر پیچیده بود. حالا دیگر همه مثل مادر حرف می‌زدند. علی خودش هم مثل مادر شده بود؛ با کاسه‌ی آبی که آتش هیچ وقت تمام نمی‌شد. همه وقتی به هم می‌رسیدند، می‌گفتند: «صدسال به این سال‌ها. عید شما مبارک!»

علی به کاسه‌ی آب نگاه کرد. می‌خواست هزار هزار پیاله‌ی سفالی آبی را به بچه‌های شهر بدهد تا همه‌ی سیاهی‌ها را از در و دیوارها پاک کنند و جایشان گل محمدی بکارند. علی مثل ابر بهار خندید. مثل ابر بهار گریه کرد و فریاد زد: «عمو نوروزه! سالی هر روزها!»

راهنمای معلم در ارزش‌یابی کیفی (توصیفی)

معصومه حبیب پور

تحقق و سطوح عملکرد، به صورت نمودار تفصیلی آمده‌اند. آموزگاران و کارشناسان محترم، برای دریافت اطلاعات بیشتر و یا ارائه‌ی نظرات سازنده، می‌توانند به وبسایت دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی به نشانی:

<http://www.talif.sch.ir>

و یا صندوق پست الکترونیک:

talif@talif.sch.ir

مراجعه کنند. در شرایطی که کمبود منابع فارسی در زمینه‌ی ارزش‌یابی توصیفی به شدت به چشم می‌خورد، مطالعه‌ی مطالب این کتاب می‌تواند دریچه‌ای گشوده شده بر آگاهی‌های جدید باشد.

ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی، با به‌کارگیری روش‌ها و ابزارهای متنوع، به دنبال اطلاعاتی است که بر اساس آن بتواند درباره‌ی بهبود یادگیری دانش‌آموزان و بهینه‌سازی روش‌های تدریس تصمیم‌گیری کند و اقدامات ضروری را به اجرا درآورد.

بر اساس مصوبه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش، طرح ارزش‌یابی کیفی یا به عبارت دیگر ارزش‌یابی توصیفی، با جهت‌گیری اصلاحی و از ارزش‌یابی کمی به کیفی - کمی در دوره‌ی ابتدایی، پس از پنج سال اجرای آزمایشی، از ابتدای سال تحصیلی ۸۹-۸۸ به صورت پلکانی از پایه‌ی اول ابتدایی آغاز شده است.

برای اجرای دقیق این طرح، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، کتاب راهنمای معلم در ارزش‌یابی توصیفی، ویژه‌ی معلمان پایه‌ی اول ابتدایی را در قالب اثری خواندنی تولید کرده است. کتاب در سه فصل با یک دیباچه، مقدمه، کلید واژه‌ها و منابع، به تفصیل به موضوع مورد نظر می‌پردازد و در واقع به مبانی نظری ارزش‌یابی توصیفی، منابع جمع‌آوری اطلاعات و اهداف برنامه‌های درسی و سطح‌های عملکردی یادگیری دانش‌آموزان نظر دارد.

ارزش‌یابی توصیفی به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجه می‌کند و در پی رشد قابلیت‌های آن‌هاست. در فصل سوم کتاب، برای درس‌های قرآن، تربیت بدنی، ریاضی، فارسی، علوم تجربی و هنر، اهداف، نشانه‌های

علوم در خانه، علوم در کلاس

آشنایی با مجموعه‌ی هشت جلدی
انتشارات منظومه‌ی خرد در زمینه‌ی علوم ابتدایی

مجموعه‌ی هشت جلدی کتاب‌های کار علوم دبستان، توسط انتشارات منظومه‌ی خرد در تهران منتشر شد. در این مجموعه، کتاب‌های «علوم در خانه» و «علوم در کلاس»، از پایه‌ی دوم تا پایه‌ی پنجم ابتدایی، به صورت مصور و در دو جلد برای هر پایه، به چاپ رسیده است.

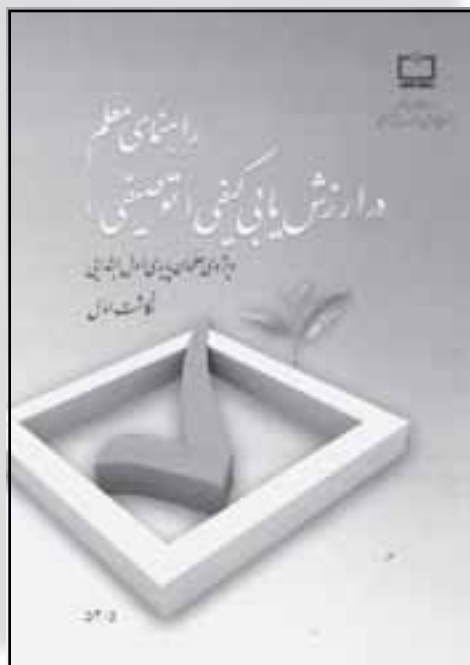
در هر دو کتاب، از انواع سؤال‌های حافظه محور و مفهومی، مطابق استانداردهای درسی استفاده شده است. کتاب‌ها از تصاویر متعددی بهره می‌برند که بر جذابیت آن‌ها از نگاه کاربران (دانش‌آموزان و آموزگاران) می‌افزایند.

ناشر می‌نویسد: «علوم در کلاس»، مکمل تدریس و فعالیت‌های معلم در کلاس است و «علوم در خانه»، به صورتی است که دانش‌آموز می‌تواند پس از تدریس هر قسمت توسط معلم، تمرین‌های آن را در خانه انجام دهد.»

در بخش‌هایی به نام «تحقیق کنید»، دانش‌آموزان می‌آموزند، برای یافتن پاسخ یک سؤال، چگونه از منابع گوناگون استفاده کنند. در بخش «فعالیت» نیز از طریق انجام کارهای علمی ساده، عملاً با موضوع درس آشنا می‌شوند.

علوم در کلاس به تعمیق یادگیری در هنگام تدریس کمک می‌کند و مطالب به گونه‌ای طراحی شده‌اند که دانش‌آموزان را به درس و پدیده‌های علمی علاقه‌مند می‌سازند.

تشویق کودک به رنگ‌کردن مباحثی که مطلبی برای یادگرفتن





هنر بودن

* نویسنده: اریک فروم

* مترجم: پروین قائمی

* ناشر: آشیان (۶۶۹۷۲۷۹۲-۰۲۱)

* چاپ: اول، ۱۳۸۸.

* تعداد صفحات و قیمت: ۲۰۰ صفحه، ۳۳۰۰ تومان.

مترجم کتاب حاضر، علاقه‌ی خاصی به مطالب روان‌شناسی دارد و تا به حال کتاب‌هایی در این حوزه ترجمه کرده‌است.

با مطالعه‌ی «هنر بودن» نیز با ترجمه‌ی روان و یکدستی که دارد، متوجه می‌شویم، با به کارگیری تمامی توانایی‌های آدمی، می‌توان به هدف‌های زندگی دست یافت.

کتاب در یک پیش‌گفتار ویراستار و شش بخش، به هنر بودن، یک چیز را اراده کردن، روان‌کاو و خود آگاهی، درباره‌ی فرهنگ داشتن و فلسفه‌ی آن و دیگر مسائل می‌پردازد و از قول فروم می‌گوید: «داشتن و بودن، دو شیوه‌ی بنیادین نگاه ما به هستی و به سوی «خود» و «جهان» هستند و غلبه‌ی هر یک بر دیگری، کلیت تفکر، احساس و اعمال فرد را تعریف می‌کند.»

اریک فروم عقیده دارد، اولین شرط برای آن که انسان در هر زمینه، از جمله هنر زندگی، به موفقیتی بالاتر از حد متوسط دست پیدا کند، این است که در هر مرحله از زندگی، فقط یک چیز را اراده کند.

بشر نمی‌تواند بدون «داشتن» زندگی کند، ولی خوب می‌تواند با داشتن صرفاً کارکردی زندگی کند. مالکیت کارکردی، نیاز واقعی و زیستی انسان است و مالکیت نهادی، نیاز آسیب شناسانه‌ی او را که از طریق شرایط اجتماعی - اقتصادی خاصی، به صورت تصنعی ایجاد شده‌است، ارضا می‌کند.

در هنر بودن، می‌توان شادکامی معنوی و روحی بودن را تجربه کرد.



دارند، یا پرکردن بخش‌هایی از سؤال و جواب، می‌تواند به تعمیق یادگیری کمک کند.

با وجود نکات مثبتی که در مجموعه دیده می‌شود، تأکید بر آوردن حروف یا کلمات انگلیسی در کتاب‌ها، آن هم در پایه‌های ابتدایی، عجیب به نظر می‌رسد. هر چند گفته شده است که این کار می‌تواند شروع خوبی برای آشنایی با کلمات کلیدی بیگانه باشد.

از طرف دیگر، در ویرایش رسم‌الخطی مطالب نیز، به خاطر عدم استفاده‌ی واحد از یای میانجی، سهل‌انگاری به چشم می‌خورد. مثلاً روی جلد همه‌ی کتاب‌ها، «منظومه‌ی خرد» و شماره‌های پایه‌ها (مثلاً پایه‌ی دوم دبستان)، به یای میانجی نیاز دارند که در مجموعه نیامده‌است.

چهار کتاب علوم پایه‌های دوم و سوم توسط **مهرنوش فرهپور** و **مریم میرزایی**، دو کتاب علوم پایه‌ی چهارم توسط **راحمه پورآذر** و دو کتاب پایه‌ی پنجم توسط **سپیده شهیدی** تدوین شده‌است. قیمت هر جلد از کتاب‌ها، بسته به تعداد صفحات و حجم کارهای گرافیکی، از ۱۸۵۰ تا ۱۹۵۰ تومان در نوسان است. علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه‌ی آن، با انتشارات مؤسسه‌ی فرهنگی منظومه‌ی خرد در تهران (۹۳-۲۲۴۲۰۰۸۶) تماس حاصل کنند.

از تمرکز تا تفکر

«تمرکز» نخستین گام برای فراهم کردن زمینه‌ی مناسب به منظور فراگیری مفاهیم درسی است

ترجمه‌ی شاداب صفرزاده



اشاره

ظرفیت پذیرش و فراگیری مفاهیم درسی در هر فاصله‌ی زمانی، مقدار مشخصی است. به این معنی که میزان فراگیری دانش‌آموزان درباره‌ی هر مفهوم درسی، در هر ساعت، جدا از استعداد و توان فراگیری آن‌ها در هر سن، به عوامل دیگری هم بستگی دارد. این نکته به‌ویژه زمانی که مبحث درسی دشوار و مفهومی باشد، نمود بیشتری دارد. اما بعضی از آموزگاران، بدون توجه به این نکته، نه تنها برای آموزش مطالب درسی از روش‌های ویژه‌ای کمک نمی‌گیرند، بلکه گاهی با تدریس هم‌زمان چند مفهوم درسی و پریدن از مطلبی به مطلب دیگر، می‌کوشند این مطالب را در یک ساعت درسی، بدون فراهم کردن زمینه‌ی مناسب، به دانش‌آموزان بیاموزند. در حالی که دانش‌آموزان برای فراگیری مفاهیم درسی، به «زمان مناسب» و «تمرکز» نیاز دارند. مطلبی که می‌خوانیم، درباره‌ی همین موضوع است.

تجمع در یک نقطه

گام نخست برای فراهم کردن زمینه‌ی مناسب، متمرکز کردن بچه‌ها روی مفاهیمی است که قرار است به آن‌ها بیاموزیم. هر دوره‌ی سنی، برای شروع تمرکز روی مفاهیم، نیازمند زمان خاصی به این شرح است:

- دوره‌ی پیش‌دبستانی تا پایه‌ی دوم ابتدایی، دانش‌آموزان به ۵ تا ۷ دقیقه زمان نیاز دارند. در این فاصله، باید برای شروع آموزش مفاهیم مقدمه‌چینی شود.
- از پایه‌ی سوم تا دوم راهنمایی، به ۸ تا ۱۲ دقیقه زمان برای تمرکز دانش‌آموزان نیاز است.

- برای پایه‌ی دوم تا سال آخر دبیرستان، این زمان به ۱۰ تا ۱۴ دقیقه افزایش می‌یابد.

در این فواصل زمانی، آموزگار باید با پرسیدن سؤال، نشان دادن تصاویر و صحبت کردن درباره‌ی موضوعی که قرار است آن را تدریس کنیم، تمرکز دانش‌آموزان را به مبحث درسی موردنظر معطوف کند. گروه‌بندی دانش‌آموزان، فراهم کردن مقدماتی برای شروع درس و... از دیگر روش‌ها برای متمرکز کردن بچه‌هاست.

بررسی‌ها نشان می‌دهد، حداکثر توان فراگیری دانش‌آموزان در یک ساعت درسی (بین یک ساعت و نیم تا یک ساعت و ۴۵ دقیقه)، باید به چند بازه‌ی زمانی، همراه با چند دقیقه تنفس در بین این زمان‌ها تقسیم شود. بهترین زمان، تقسیم زمان ساعت درسی به سه زمان ۲۰ دقیقه‌ای، همراه با ۱۰ دقیقه استراحت است. منظور از زمان استراحت، تکرار دسته‌جمعی مفاهیم آموخته شده، نشان دادن تصاویر مرتبط با مفاهیم تدریس شده در بخش قبل و سپس ورود به مرحله‌ی دوم، یعنی ۲۰ دقیقه‌ی بعدی است.

در واقع دانش‌آموزان در زمان فراگیری، مفاهیم را دریافت و در فاصله‌ی تنفس بین بازه‌های زمانی، آن‌ها را تحلیل و در ذهن جایگزین می‌کنند. در حقیقت، افراد برای فراگیری به زمان و سپس به تحلیل روانی برای به‌خاطر سپردن مطالب نیاز دارند.

پژوهشگران معتقدند، فرایند فراگیری، نخست به زمان دریافت و سپس تجزیه و تحلیل و در نهایت به‌خاطر سپردن نیازمند است. در این فرایند «تمرکز» از مهم‌ترین و نخستین گام‌ها برای فراگیری مطالب درسی محسوب می‌شود.



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های عمومی، دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- **رشد کودک** (برای دانش آموزان نمادکی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)
- **رشد نوجوان** (برای دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)
- **رشد دانش آموز** (برای دانش آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)
- **رشد نوجوان** (برای دانش آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- **رشد جوان** (برای دانش آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش دانشگاهی)

مجله‌های عمومی بزرگسال

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- **رشد آموزش ابتدایی**، **رشد آموزش راهنمایی تحصیلی**
- **رشد تکنولوژی آموزشی**، **رشد مدرسه فردا**، **رشد مدیریت مدرسه**، **رشد معلم**

مجله‌های اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- **رشد برهان** راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- **رشد برهان متوسطه** (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش دانشگاهی)
- **رشد آموزش قرآن**، **رشد آموزش معارف اسلامی**
- **رشد آموزش زبان و ادب فارسی**، **رشد آموزش هنر**، **رشد مناظر مدرسه**، **رشد آموزش تربیت بدنی**، **رشد آموزش علوم اجتماعی**، **رشد آموزش تاریخ**، **رشد آموزش جغرافیا**، **رشد آموزش زبان**، **رشد آموزش ریاضی**، **رشد آموزش فیزیک**، **رشد آموزش شیمی**، **رشد آموزش زیست‌شناسی**، **رشد آموزش زمین‌شناسی**، **رشد آموزش فنی و حرفه‌ای**، **رشد آموزش پیش دیستانی**

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران، مربیان و مشاوران مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند.

- نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.
- نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸
- تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۴۹۰۹۹
- www.roshdmag.ir + mail:info@roshdmag.ir



این‌جا ابتدایی است

در دوره‌ی ابتدایی، به‌ویژه در پایه‌های پایین این دوره‌ی تحصیلی، دانش آموزان باید با ترفندهایی چون استفاده از پوستر، عکس، نقاشی و بازی‌های مرتبط با مفهومی که قرار است به آن‌ها آموخته شود، نخست روی درسی متمرکز شوند و سپس آن را فرا بگیرند.

پژوهشگران «حدحافظه» یا «حد به‌خاطر سپردن» بچه‌ها در دوره‌های سنی متفاوت را تقسیم‌بندی و هر بخش فراگیری و به‌خاطر سپاری را یک «تکه» نام‌گذاری کرده‌اند. طبق تعریف آن‌ها، هر تکه شامل فراگیری مفهومی ساده یا ایده یا مجموعه‌ای از عقاید و مفاهیم مرتبط با یک مفهوم واحد است.

بر این اساس، میزان فراگیری کودک سه ساله، یک تکه؛ کودک پنج ساله، ۲ تکه و یک کودک هفت‌ساله، ۳ تکه است. به این معنی که در هر لحظه کودک ۳ ساله می‌تواند یک مفهوم، کودک پنج‌ساله دو مفهوم و کودک هفت ساله، سه مفهوم را بیاموزد. برای آن‌که به روند این فراگیری سرعت بخشیم، این نکته‌ها را به‌خاطر بسپاریم:

- ابتدا ذهن کودکان را (با روش‌هایی که اشاره کردیم) روی مفهوم درسی متمرکز کنیم.

- مفاهیم را تا حد امکان لقمه کنیم. هر چه مفاهیم آموزشی - پرورشی کوتاه و ساده باشند، فراگیری آسان‌تر خواهد بود.

- مفاهیم را در حد توان بچه‌ها به آن‌ها بیاموزیم.

- با استفاده از وسایل کمک آموزشی، به‌ویژه انواع بصری، مفاهیم را بهتر و راحت‌تر به آن‌ها منتقل کنیم. این نکته به‌ویژه برای دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی و به‌خصوص سال‌های نخست این دوره‌ی تحصیلی، بسیار مهم است.

- برای آن‌که بچه‌ها مفاهیم درسی را به خوبی فرا گیرند و به‌خاطر بسپارند، کلیدهایی در اختیار آن‌ها قرار دهیم؛ مثلاً تداعی تصاویر با مفاهیم.

- به پرسش‌ها و یا راه‌هایی که ارائه می‌دهند، توجه کنیم. با شکوفایی شدن خلاقیت، مفاهیم بهتر آموخته و به‌خاطر سپرده می‌شوند.

- از شیوه‌های نو برای یاد دادن مفاهیم استفاده کنیم: بازدید علمی، فعالیت فوق برنامه، پرسش‌های متناسب با سن کودک، تماشای فیلم و...

منبع

<http://www.teachervision.fen.com/teaching-methods-and-management/teaching-methods/>

نوروز نامه

به جای پیک نوروزی

محمود یحوی

چند سالی است که همزمان با ایام تعطیلات سال نو، به دانش آموزان کلاس های اول ابتدایی تا سوم راهنمایی، «پیک های نوروزی» داده می شود تا آن ها در ایام «عید»، از درس و مشق دور نیفتند و پس از مطالعه و پاسخ، پیک ها را به مدرسه بیاورند تا تصحیح و ارزش گذاری شوند. اینک پس از سال ها، کارامدی این پیک ها مورد پرسش واقع شده است و دست اندر کاران اعلام کرده اند، در زمینه تثبیت یادگیری و ایجاد خلاقیت، موفقیت های لازم به دست نیامده است.

نخستین پیک ها

پیک نوروزی یا پیک شادی، نخستین بار برای روزهای تعطیل عید سال ۱۳۶۴، در برخی مناطق آموزش و پرورش شهر تهران به دانش آموزان داده شد. هم چنین از آموزگاران خواسته شده بود که در ایام عید، به شیوه سنتی به دانش آموزان «مشق» ندهند و کارهای انجام شده در پیک ها ارزشیابی نکنند.

تحول و بازنگری

با این که برای کوتاه مدت تحول چشم گیری در این حوزه از تعلیم و تربیت کشور پدید آمد و شیوه های نوین آن روز در انجام تمرین های پیک، طی دو سه سال در سراسر کشور مورد نظر قرار گرفت، اما حالا وقت آن رسیده

به سوی سواد دیجیتال

آشنایی با فعالیت های

پنجاه ICDL ایران

آموزش فناوری ارتباطات و اطلاعات در سایه به کاربردن رایانه ها، نرم افزارها و دیگر برنامه های موجود، هم برای معلمان و هم برای ادارات مربوط به آن ها و حتی کلاس های درس توصیه می شود.

امروزه دیگر IT و حتی سرهم کردن سخت افزارها، در انحصار عده ای خاص نیست و البته نیازی نیست که هر آموزگار یا آموزشگاری برای تبدیل شدن به متخصص معتبر، دوره ها و آموزش های طاق فرسای راطی کند و می توان از طریق ویدئوها (تصاویر) و سؤال و جوابها و قرا گرفتن در یک محیط فعال آموزشی - اگر چه مجازی باشد - به هدف های استاندارد سازمان های آموزشی رسید. در همین ارتباط، بنیاد «ICDL» ایران، با همکاری معاونت فناوری



برگ اشتراک مجله های رشد

شرایط:

- ۱- پرداخت مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله ای درخواستی، به صورت علی الحساب به حساب شماره ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه ی سه راه آزمایش (سرخه حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
- ۲- ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده ی اشتراک با پست سفارشی. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید.)

نام مجله های درخواستی:

.....
.....
.....

نام و نام خانوادگی:

.....

تاریخ تولد:

.....

میزان تحصیلات:

.....

تلفن:

.....

نشانی کامل پستی:

استان:

شهرستان:

خیابان:

پلاک:

کد پستی:

+ در صورتی که قبلاً اشتراک مجله بوده اید، شماره ی اشتراک خود را بنویسید!

امضا:

.....

• شماره مشتری: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۶۶۵۵

• صندوق پستی امور مشتریان: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

• پیام گیر مجله های رشد: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

یادآوری:

- + هزینه ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، بر عهده ی مشترک است.
- + منای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک است.

نوروزنامه

رسیدن به روزهای آخر اسفند هر سال، بهانه‌ای می‌شود تا مدرسه‌ها به فکر تهیه «پیک»، «تکلیف عید» و یا «نوروزنامه» بيفتند.

اما این نوروزنامه با شیوه‌ی تألیف غیرمتمرکز، با بقیه‌ی متون تفاوت دارد. تهیه‌ی چنین محتوایی در واحد پیش دبستانی و دبستان دخترانه‌ی «ایده‌آل» در ناحیه‌ی یک همدان، با هم‌فکری و مشارکت شورای آموزشی این مدرسه و تألیف **مهنوش سهیلی**، صورت گرفته است.

این موضوع از جهاتی قابل توجه است، زیرا:
* هر واحد آموزشی، نیازها و سطح درک و دانش فراگیرنده‌ی خود را بهتر می‌داند.

* با شناخت بیشتر، هدف‌های آموزشی و پرورشی با کم‌ترین وقت و هزینه به ثمر می‌نشینند.

* فعالیت‌های بعدی، هدفمند و روش‌مندتر برنامه‌ریزی می‌شوند.

واحد پیش دبستانی و دبستان دخترانه‌ی ایده‌آل، با تهیه‌ی این پیک نوروزی برای هر یک از پایه‌های اول تا پنجم، کوشیده است در قالب‌های شعر، نقاشی، جمله‌نویسی و پرکردن جاهای خالی، مفاهیم درسی ریاضی، علوم، ادبیات، قرآن، تاریخ و جغرافی و سایر درس‌ها را با حجمی کم در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد. این فعالیت درسی، در کنار همکاری خانواده، آموزش را شیرین و اثربخش خواهد کرد.

به غیر از این ابتکار که در سطح یک آموزشگاه صورت پذیرفته است، در برخی از شهرهای کوچک، پیک نوروزی برای چند مدرسه‌ی همگن از لحاظ بافت جغرافیایی، اقلیمی و فرهنگی، و حتی برای گروهی از مدارس، تألیف و به چاپ سپرده شده است. اگر خوانندگان به یاد داشته باشند، در شماره‌ی ۶ مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی دوره‌ی قبل (اسفند ۸۷)، در گفت‌وگو با **علیرضا توحیدی**، آموزگار آران و بیدگل، به توضیح آن پرداختیم.



است که این مواد آموزشی را ارزیابی کرد. مثلاً باید به این پرداخته شود که در خط‌مشی تولید این نشریات آموزشی، باید به رویه‌ی علمی توجه بیشتری شود یا رویه‌ی سرگرمی؟ آیا مؤلفان با آماده‌سازی این مجلات، به دنبال درگیر کردن خانواده‌ها در چرخه‌ی آموزشی هستند و یا می‌خواهند دانش‌آموزان را ارزیابی کنند؟ و هدف از انتشار این مجلات واقعاً چیست؟

تأمل در این سؤال‌ها و پرسش‌هایی از این دست، انسان را وامی‌دارد تا در فلسفه‌ی تولید این متون دقیق شود و بپرسد: «حال که شیوه‌ی متمرکز طراحی پیک چندان جواب‌گو نبوده، آیا ممکن است تولید غیرمتمرکز محتوا، به منظور خروج از تمرکزگرایی و رسیدن تا نوآوری دیگری، پاسخ‌گو باشد؟»



ارتباطات و اطلاعات آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی از طریق توسعه و ارتقای کیفیت برنامه‌های کاربردی و تخصصی، شناخت و کاربری IT را امکان‌پذیر ساخته است تا به این ترتیب افراد، سازمان‌ها و جوامع، نیرومندتر و در واقع باسوادتر شوند. ارزش‌هایی که این بنیاد به آن متعهد است، در قالب تعهدات اجتماعی و توانمندسازی دیجیتال جامع و استقلال کاربر در مهارت‌اندوزی دیجیتالی و کیفیت برنامه‌ها هستند.

با گذراندن یک یا چند دوره از دوره‌های «شهروند الکترونیکی»، «مهارت‌های هفتگانه»، «مهارت‌های پیشرفته»، معیاری ملموس از بهره‌وری در کاربر به وجود می‌آید.

هم‌چنین، آموزگاران با ICDL به سطحی از تخصص IT خواهند رسید که توان دریافت گواهینامه‌ی بین‌المللی CTP و دریافت خدمات آموزشی را خواهند داشت.

CTP فرصتی برای ایجاد و نشان دادن دانش و مهارت‌هاست و حتی آینده‌ی شغلی آموزگار را تضمین می‌کند و توسعه می‌دهد.

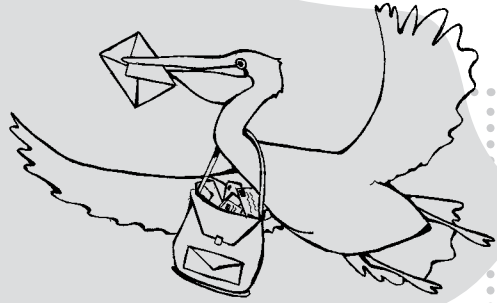
برای دریافت اطلاعات بیشتر در عرصه‌ی سواد دیجیتالی، می‌توانید به نشانی‌های زیر مراجعه و قدم به قدم در هزاره‌ی سوم با IT همراهی کنید:

www.ecdl.org

www.iranicial.ir

Email: info@iranicial.ir

باهمراهان



اشاره

«باهمراهان» صفحه‌ی ارتباط مخاطبان با دفتر مجله است. شما هم می‌توانید پیام‌ها، نوشته‌ها، درخواست‌ها و سخنان خود از راه‌های شش‌گانه‌ی ارتباطی (صندوق پستی، تلفن، نمابر، پست الکترونیکی، تلفن پیام‌گیر و مراجعه‌ی حضوری) با مسئولان مجله در میان بگذارید.

* * *

مقاله‌ها و نوشته‌های دوستانی را که نام آن‌ها در پی می‌آید، دریافت کردیم. به دلیل بالا بودن آثار دریافت شده از همکاران و محدودیت صفحات مجله، متأسفانه چاپ این آثار در رشد آموزش ابتدایی میسر نیست:

علیرضا سودمند (آموزگار روستای گل قشلاق، بیجار)، **محمد نجفی ایدو** (آموزگار دبستان سعدی، گناباد)، **ماه بانو عظیمی** (مدیر دبستان نزهت، ساری)، **سیدحسن داور** (مدیر مدرسه‌ی امید امام ۱، منطقه‌ی ۱۶ تهران)، **روح‌الله آقاعلیخانی** (آموزگار چند پایه، بوئین‌زهرا، قزوین)، **معظم زینل‌زاده** (شهر جدید لارستان فارس)، **ملیحه ابراهیمیان** (آموزگار دبستان مسلم، اصفهان) و **علی منصور سمائی** (آموزگار دبستان، میامی سمنان).

* * *

ابتکارات شما را دریافت کردیم؛ امیدواریم همواره مبتکر و خلاق باشید:

* **پرویز نوروزی**، **آموزگار دبستان حضرت زهرا(س)**، **بهار همدان**: نوشتن جملات آهنگین و اشعار ساده در پایان املای دانش‌آموزان در هنگام تصحیح، در اجرای ارزشیابی توصیفی.

* **علی اصغر اعلمی**، **آموزگار پایه دوم دبستان نقره**، **بجستان**: آموزش وضو با شعر.

* **فریبا سپهوندی**، **آموزگار دبستان عصمت**، **ناحیه‌ی یک خرم‌آباد**: ساخت کارت‌های شناخت درک و مفهوم جمع و تفریق و نمادهای کم‌تری و بیشتری.

* **مریم رحیم‌زاده**، **آموزگار پایه‌ی اول دبستان قدس**، **چناران**: برپایی جشن به یاد ماندنی شب یلدا در مدرسه.

* **مریم لطفی**، **آموزگار پایه‌ی دوم دبستان امام علی(ع)**، **ناحیه‌ی ۵ مشهد**: آموزش جمع سه عدد با بازی دارت.

* * *

با مفهوم مطرح شده در «بخیه و گوسفند» موافقم!
در پایان یادداشت سردبیر شماره‌ی ۳ که با عنوان «بخیه

و گوسفند» منتشر شده بود، از خوانندگان گرمی خواسته بودیم در تأیید یا نقد این سرمقاله، دیدگاه‌های خودشان را با ما در میان بگذارند. آن چه در پی می‌آید، یکی از این دیدگاه‌هاست:

«**طاهره چهاردولی آموزگار بازنشسته‌ی شاغل در دبستان پسرانه سما واحد همدان** هستیم که سی و چهارمین سال خدمت را می‌گذرانیم. خدا را شاکرم که سردبیر مجله‌ای که هر ماه به دستم می‌رسد، انسانی است که سال‌هایی از عمر پربرکتش را در خدمت به آموزش و پرورش این آب و خاک سپری کرده و طعم سختی‌های آن را چشیده است و هر ماه هم از ته دل با خوانندگان مجله‌اش صحبت می‌کند. مطلب شما را در مجله‌ی آذرماه با عنوان «بخیه و گوسفند» خواندم. من هم در این زمینه با شما موافقم. انسان‌ها برای رسیدن به هدف‌هایشان نیاز به تلاش و تجربه کردن سختی‌ها دارند تا وقتی به آن هدف رسیدند، لذت ببرند. فرضاً اگر من به تمام سؤالات دانش‌آموزانم از همین پایه اول پاسخ دهم و سؤالی برای آن‌ها طرح نکنم، مسلماً آن‌ها فکر خودشان را به کار نخواهند گرفت و جلوی خلاقیت و نوآوری‌شان را خواهم گرفت. هم‌چنین ما معلمین باید این وظیفه را بر خود واجب بدانیم که یاد و خاطره‌ی شهیدان را همیشه در ذهن دانش‌آموزانمان زنده نگه داریم تا آن‌ها بدانند و بفهمند، زمانی که آن‌ها به دنیا نیامده بودند، جوانان پاک و مخلص بودند که جانشان را تقدیم انقلاب و خاک وطنشان کردند و با تعریف خاطره‌ها روح جوانمردی و شجاعت را در دل آن‌ها تقویت کنیم. به امید روزی که فرزندان این مرز و بوم به مانند فرزندان انقلاب اسلامی پرورش یابند.»

* * *

قابل توجه شرکت‌کنندگان محترم مسابقه‌های تلنگری برای تفکر

فکر نمی‌کردیم این مسابقه هم مانند مسابقه‌های سال‌های پیش مجله با استقبال بی‌شائبه‌ی شما عزیزان روبه‌رو شود. اکنون که شماره‌ی ۶ مجله در اختیار شماست، برای ۵ مسابقه‌ی قبلی، پاسخ‌های فراوانی به دستمان رسیده است که غیرقابل تصور است. از این رو ضمن سپاس از همه و با دعوت مجدد برای ارسال پاسخ‌های خود، به آگاهی می‌رسانیم که برگزیدگان هر ۸ سری این مسابقه‌ها را، مثل سنوات قبل، در شماره‌ی ۱ دوره‌ی بعد (مهرماه ۸۹) منتشر خواهیم کرد. طبیعی است برای برگزیدگان، علاوه بر هدیه‌ای ناقابل، تقدیرنامه‌ای با امضای مدیرکل دفتر انتشارات کمک‌آموزشی (مدیرمسئول مجلات رشد) نیز صادر خواهد شد.